

فصلنامه زنان شماره ۳۸ - تیر ۱۳۹۵
Quarterly journal No. 38 - July 2016
ویژه نهمین مجمع عمومی

دانشکده مارس



فهرست مطالب

- ۴ < قطعنامه‌ی سیاسی نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس
- ۵ < قطعنامه‌ی سیاسی نهمین مجمع در مورد موقعیت زنان افغانستان
- ۶ < گزارشی از نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس
- ۱۵ < پیام هیأت مسئولین به نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس
- ۱۷ < پیام «جمعیت مبارزه برای آزادی زنان ایران» به نهمین مجمع
- ۱۸ < گزیده‌ای از بولتن ویژه‌ی نهمین مجمع عمومی
- ۲۷ < منشور سازمان زنان هشت مارس
- ۳۰ < آیین‌نامه‌ی تشکیلاتی سازمان زنان هشت مارس
- ۳۳ < تجاوز و قتل «ستایش» تنها یک پرده‌ی دهشتناک
- ۳۴ < «ندا»یی که ما را به یک مبارزه‌ی انقلابی فرا می‌خواند!

همکاری شما:

نشریه را پربارتر خواهد کرد. برای هشت مارس خبر، مقاله، شعر، عکس، طرح، داستان و ترجمه بفرستید! لطفا نوشته‌های خود را در صورت امکان با برنامه Word فارسی تایپ کنید و مطالب را برای ما بفرستید! ارسال مطالب برای نشریه: zanane8mars@yahoo.com

مسئولیت هر یک از مقالات در نشریه هشت مارس به عهده‌ی نویسندگان آن است.

هشت مارس

نشریه سازمان زنان
هشت مارس
(ایران - افغانستان)

همکاران این شماره:

لیلا پرنیان
فریدا فراز
فریدا امیرخیزی
طرح روی جلد: سمیرا باستانه



قطعه‌های سیاسی نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس

رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی با تشدید هر چه بیشتر فروردستی زنان و توسل جستن به وحشیانه‌ترین شکل اعمال آن می‌خواهد زنان را خانه‌نشین و مطیع نماید. افزایش خشونت سازمان‌یافته‌ی دولتی گسترش خشونت‌های خانگی و اجتماعی را ایجاد کرده است. این رژیم علی‌رغم اعمال قوانین ارتجاعی تبعیض‌آمیز ضد زن در ۳۷ سال از حکومتش نتوانست زنان را به تبعیت از خود وا دارد، علی‌رغم ۳۷ سال تحمیل دروس دینی، آموزش‌های مذهبی، فرهنگ‌سازی‌های کاذب، دختران و زنان جوان با سرکشی‌ها و مقاومت در مقابل زن‌ستیزان، راه‌های ورود به اجتماع را جستجو کرده و موجودیت خود را به جامعه تحمیل کرده‌اند. زنان با به چالش کشیدن ارزش‌های اسلامی ضد زن، مقاومت در برابر حجاب اجباری، مقابله با ازدواج‌های اجباری و سنتی و نافرمانی‌های روزانه، پدرسالاری را به چالش کشیده و این‌گونه بنیان این رژیم مذهبی را به زیر سوال کشیده‌اند.

سرکوب، خشونت سازمان‌یافته و اعمال پدر/مردسالاری در همه‌ی حیطه‌های زندگی اجتماعی و خانگی زنان، هویت سیاسی-ایدئولوژیک رژیم جمهوری اسلامی را تعریف و تعیین می‌کند. در نتیجه تشدید دائمی خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی علیه زنان از اولویت‌ها و از محورهای سیاست امنیتی این نظام است.

این رژیم را نمی‌توان با تغییرات کوچک، با فرستادن تعداد بیشتری زن به مجلس و یا دیگر ارگان‌های حکومتی اصلاح کرد. سوال این است که آیا می‌خواهیم خشونت سازمان‌یافته‌ی دولتی، اجتماعی و خانگی علیه زنان را قابل تحمل کنیم و یا این‌که می‌خواهیم در جهت از بین بردن آن مبارزه نماییم؟ آیا می‌توان به هزاران هزار زنی که از تجاوز، آزار جنسی و صدها خشونت عریان و پنهان که در اجتماع و خانه بر آنان اعمال می‌شود خواست که این وضعیت را تحمل کنند؟ آیا می‌توان به هزاران زنی که برای سیر کردن شکم خود و فرزندان‌شان مجبور به تن‌فروشی‌اند، «رهنمود» داد که علیه عاملین و مسببین اصلی نکبت و بدبختی زندگی‌تان شورش نکنید چراکه طغیان شما خشونت را افزایش می‌دهد؟ آیا می‌توان از میلیون‌ها زنی که هر لحظه در معرض خشونت از جانب مردان خانواده هستند، خواست که در برابر شکنجه‌گران خود سکوت اختیار کنند؟ آیا می‌توان به صدها زن زندانی سیاسی که سال‌ها در زندان‌های قرون‌وسطایی به سر می‌برند «رهنمود» داد که با بازجویان و شکنجه‌گران‌تان با ملایمت و عطفوت برخورد کنید و آنان را ببخشید؟ نه و میلیون‌ها بار نه! آن‌چه که زنان به آن نیاز دارند، آگاه شدن به این است که چرا به‌عنوان یک زن عریان‌ترین خشونت‌ها بر آنان اعمال می‌شود. در نهایت دو پاسخ و دو راه در مقابل زنان گذاشته می‌شود. «راه‌حلی» که می‌گوید باید همین نظام را روغن‌کاری کرد و این کار را به‌گونه‌ای انجام داد که چارچوب فعلی حفظ شود و روزنه‌ای برای درهم پاشیدن آن به وجود نیاید. در این صورت شاید و فقط شاید شرایط، کمی برای زنان خصوصاً زنانی که دست‌شان به دهن‌شان می‌رسد، بهتر شود راه‌حل مقابل این است که باید شرایطی را به وجود آورد که کل این نظام ستم و استثمار را به زباله‌دان تاریخ سپرد. برای عملی کردن این وظیفه نیاز است که شمار فزاینده‌ای از زنان را به آگاهی انقلابی مجهز کرد تا همراه با سایر جنبش‌های انقلابی با تمام توان و انرژی بتوان عاملین و مسببین اصلی این درجه از رنج و مشقت زنان و کل مردم را از طریق کمک به سازمان‌دهی یک انقلاب سرنگون کرد.

ضرورت انقلاب از عینیت و واقعیت جامعه برمی‌خیزد. از این برمی‌خیزد که زنان برای دستیابی به پایه‌ای‌ترین خواست‌ها و مطالبات‌شان هم چون: اشتغال، حق حضانت، طلاق، سفر، سقط جنین، انتخاب شریک زندگی، مزد برابر در برابر کار برابر و... با یک رژیم تئوکراتیک مذهبی سر تا پا زن‌ستیز و نیروهای سرکوبگرش روبه‌رو هستند و برای به دست آوردن این حقوق اولیه و پایه‌ای باید مانع اصلی یعنی این نظام را از سر راه بردارند.

باید جسورانه خط انقلابی این تشکل را به میان توده‌های زن برد و با اتکا بر واقعیات عینی در خدمت انقلاب به‌عنوان تنها راهی که می‌تواند آغازی برای پایان بخشیدن به فروردستی زنان باشد، آنان را سازمان‌دهی و متشکل کرد. به روشنایی روز دیده‌ایم که با فرمیسیم، با چانه‌زنی با طبقه‌ی حاکمه، با انتخاب بین بد و بدتر، با تبلیغ بر سر فرستادن تعدادی زن در مقام‌های حکومتی که به قول سیمون دوبوار مثل «پرت کردن استخوانی است جلو زنان که فکر کنند مورد توجه قرار گرفته‌اند» و ... هرگز نه تنها ذره‌ای از فروردستی زنان کم نشده است بلکه انواع و اقسام قوانین ضد زن و محدودتر کردن فضای جامعه بر تشدید خشونت و برده‌گی زنان افزوده شده است.

ما در اوضاع انقلابی به سر نمی‌بریم. در دوره‌ای به سر می‌بریم که اوضاع عینی دستخوش یک دگرگونی عمیق و کیفی نشده است. در دوره‌ای به سر می‌بریم که سیطره‌ی بنیادگرایان مذهبی و مرتجعین رنگارنگ زن‌ستیز و امپریالیست‌های مردسالار در سطح جهانی غالب است. در این شرایط فعالیت انقلابی متشکل و هدفمند در خدمت امر رهایی زنان از فروردستی مطلق اهمیتی صدچندان دارد. چراکه مبارزه انقلابی و هدفمند در رابطه با رفع ستم بر زن دارای چنان پتانسیلی است که نه تنها قادر است شمار فزاینده‌ای از زنان عاصی از این نظام را به صف مبارزه بکشد، بلکه می‌تواند بر تفکرات سایر جنبش‌های مترقی و انقلابی در مورد دید درست نسبت به امر رهایی زنان نیز تأثیر گذاشته و بر پیش‌روی آنان در جاده‌ی انقلاب یاری رساند.

تشدید فروردستی زنان و خشونت که هر روز بیشتر گسترش می‌یابد، نه تنها می‌توان با مبارزات گسترده و سازمان‌یافته زنان و در پیوند با دیگر نیروهای انقلابی در جهت درهم‌شکسته شدن آن حرکت کرد، بلکه می‌توان پیش‌برد این مبارزات را به ابزاری در جهت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و کوتاه کردن دست امپریالیست‌های مردسالار تبدیل کرد. این چنین می‌توانیم هم به شکل‌گیری جنبشی انقلابی در ایران خدمت کنیم و هم به ارتقا جنبش انقلابی زنان در منطقه‌ی خاورمیانه علیه بنیادگرایان مذهبی زن‌ستیز و امپریالیست‌های مردسالار کمک نماییم. ♦

قطنامه‌ی سیاسی نهمین مجمع در مورد موقعیت زنان افغانستان

نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) را در شرایطی برگزار می‌کنیم که بیش از ۱۵ سال از تجاوز و اشغال نظامی افغانستان به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم و برای «آزادی زنان» توسط امپریالیست‌های آمریکایی و شرکا و ایجاد دولت سرسپرده‌ی جمهوری اسلامی می‌گذرد. نیروهای مرتجع اسلامی به قدرت رسیده، شنیع‌ترین و عریان‌ترین اشکال ستم را بر زنان روا داشته‌اند و افغانستان را به اسارت‌گاه زنان مبدل کرده‌اند. یک‌بار دیگر موقعیت ستمدیده‌گی زنان پس از تجاوز و اشغال نظامی توسط امپریالیست‌های مردسالار آمریکایی و شرکا نشان داد که نه تنها اتکای آنان برای تأمین منافع کوتاه و دراز مدت‌شان بر زن ستم‌زترین و عقب‌افتاده‌ترین نیروهاست، بلکه هرگز هیچ زنی را نمی‌توانند آزاد و رها کنند.

زنان افغان اولین قربانیان جنگ توسط امپریالیست‌ها و نیروی‌های بنیادگرای مذهبی بوده و هستند. ستم بر زن جزئی لاینفک از مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی افغانستان است. تشدید سلطه‌ی شوونیسم مردسالار و اعمال گسترده‌ترین و وحشیانه‌ترین خشونت‌ها علیه زنان یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های همه‌ی نیروهای واپس‌گرا در افغانستان است.

قوانین ضد زن رژیم دست‌نشانده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان زنان را دربند اسارت قرار داده است. سنگسار و قتل زنان، توهین و تحقیر، بریدن بینی و گوش زنان، تجاوز به دختران خردسال تحت نام ازدواج، فروخته شدن دختران توسط خانواده یا قاچاق‌چیان انسان، به آتش کشیدن و بستن مکاتب دخترانه، محروم کردن زنان از حق زندگی طبیعی و پایمال کردن و نادیده گرفتن ارزش‌ها و شأن انسانی‌شان تنها گوشه‌ای از موقعیت زنان در افغانستان تحت حاکمیت دولت و سایر نیروهای بنیادگرای اسلامی را نشان می‌دهد.

زنان مهاجر و پناهنده‌ی افغان در ایران علاوه بر فرودستی مطلق‌شان به‌عنوان زن، در عین حال به خاطر اعمال شنیع‌ترین شکل شوونیسم فارس از جانب طبقه‌ی حاکمه و اشاعه‌ی فرهنگ افغان‌ستیزی در بین مردم، نیز در بدترین شرایط ممکن به سر می‌برند. زنان افغان ساکن در ایران جزء ستمدیده‌ترین اقشار جامعه هستند. مبارزان مترقی و انقلابی حوزه‌ی زنان، محفل‌ها و تشکلات زنان در ایران و خارج از ایران بدون افشای سیاست‌های نژادپرستانه و زن‌ستیز رژیم جمهوری اسلامی علیه زنان و مردم افغان ساکن در ایران، بدون اتحاد و همبستگی مبارزاتی با آنان و بدون سازمان‌دهی و متشکل آنان نمی‌توانند در رفع ستم جنسیتی قدم‌های مثبت و ماندگاری بردارند.

زنان در افغانستان برای به دست آوردن مطالبات اولیه‌ی خود هم چون جدایی کامل دین از دولت و کوتاه شدن دست مذهب از کلیه‌ی مراجع قانون‌گذاری و آموزشی، آزادی در انتخاب پوشش، حق کار، سفر و تحصیل، حق حضانت، طلاق و... با مانع اصلی یعنی دولت دست‌نشانده و دیگر نیروهای بنیادگرا روبه‌رو هستند. در نتیجه زنان بدون مبارزه‌ی انقلابی و سازمان‌یافته در جهت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی افغانستان و حامیان امپریالیست آن نمی‌توانند در مسیر احقاق حقوق پایه‌ای خود و در جهت ایجاد جامعه‌ای که هیچ زنی و هیچ انسانی دربند ستم و استثمار نباشد، پیش‌روی کنند. ♦



«مصحبت‌های «آن تونگله» در بخش بین‌المللی نهمین مجمع - ژوئن ۲۰۱۶

«سالن نشست نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس - ژوئن ۲۰۱۶»



گزارشی از

نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

ژوئن ۲۰۱۶

جمعه سوم ژوئن:

جلسه روز جمعه را با یاد رفیق سرخمان «آذر درخشان» آغاز کردیم، چون این اولین مجمعی بود که رفیق عزیزمان آذر را در کنار خود نداشتیم، با یاد او و به احترام زندگی پربارش یک دقیقه دست زدیم و جلسه با خواندن پیام هیأت مسئولین دور قبل آغاز شد.

این پیام با یاد و نام میلیون‌ها زن و مبارزاتشان در سراسر جهان آغاز گردید، به یاد دو تن از یاران متعهد، پی‌گیر و پرتلاش‌مان که مجمع‌های عمومی قبلی با همت آن‌ها برگزار می‌گردید و در حیات سازمان زنان هشت مارس نقش بزرگی داشتند، اما تلاش ما این بوده که تسلیم غم و اندوه نشده و یاد آن‌ها را با بالندگی هرچه بیشتر این سازمان و اهدافش زنده نگاه داریم. این پیام تلاش داشت تا با ترسیم شرایط دهشتناک و وارونه‌ی جهان نشان دهد چرا این دهشت جهانی، در موقعیت ستمدیده‌گی زنان در سراسر جهان نمود بارزتر، عمیق‌تر و اشکالی به‌مراتب بدوی‌تر و مخرب‌تر یافته است و چگونه تشدید بحران سرمایه‌داری جهانی به تشدید و تولید اشکال مختلف ستم بر زن منجر شده است. از دیگر سو رشد نیروهای واپس‌گرای مذهبی در سراسر جهان و نبود آلترناتیو انقلابی باعث به وجود آمدن جو انفعال و ناامیدی گشته است و بر این بستر فقط یک نیروی انقلابی و مصمم می‌تواند امکانات واقعی تغییر را در دل این شرایط سراسر تاریک و دهشت ببیند. این پیام تلاش داشت نشان دهد که مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس در چنین شرایطی و با درک آن برگزار می‌شود. به همین دلیل تأکید داشت که علی‌رغم این شرایط ما بدون ذره‌ای تردید و با اطمینان به حقیقتی که در دست داریم، در پی راهی هستیم که اکثریت زنان را به منافع‌شان آگاه و برای این مبارزه‌ی انقلابی متشکل نماییم. برای ما مجمع عمومی گام عملی دیگری در ترسیم و حدادی افق‌هایی زنان بوده و تلاشی است برای ایجاد فضایی که زنان مبارز و انقلابی برای به راه‌اندازی جنبشی انقلابی در جهت سرنگونی رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی هم‌فکری و همراهی نمایند.

شرکت‌کنندگان بعد از شنیدن پیام هیأت مسئولین، به معرفی خود پرداختند و تا حدی از انگیزه‌ها و دلایل‌شان برای شرکت در نشست صحبت کردند، از نحوه‌ی آشنایی و یا تأثیرات کنونی یا پیشین سازمان زنان هشت مارس بر روشنایی بخشی بر انتخاب‌های فردی و سیاسی‌شان و سویی این مبارزات و هم‌چنین تأکید بر اهمیت مبارزات مشترک و متحد در درون جنبش زنان. پس از استعفای هیأت مسئولین سابق و انتخاب مسئولین جلسه، پیشبرد «دستور جلسه‌ی پیشنهادی هیأت مسئولین سابق» به توافق جمعی رسید.

ابتدا بولتن داخلی و اسناد نشست در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. بولتن داخلی که به همت هیأت مسئولین سابق تهیه شده بود، به شکل مبسوطی به موضوعات زیر پرداخته بود:

فعالیت‌های سراسری، جایگاه نشریه، بیانیه‌ها، نقش و جایگاه کار توده‌ای، تشکیلات، مسأله‌ی مالی، سایت، فیس‌بوک، پیشنهادات برای فعالیت‌های آتی و ...

مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس، در روزهای ۳، ۴ و ۵ ژوئن ۲۰۱۶ (۱۴-۱۶ خرداد ۱۳۹۵) با حضور اکثریت اعضا و تعدادی از دوست‌داران سازمان زنان هشت مارس و برخی از فعالین جنبش زنان به‌عنوان مهمان در فضایی گرم و صمیمانه برگزار شد. این نشست قرار بود پس از پنج سال بعد از آخرین مجمع و وقفه‌ی ایجاد شده در برگزاری مجمع عمومی سازمان، در یک بحث و تبادل‌نظر جدی و صمیمی به یک جمع‌بندی عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر از گام‌های پیشین و یافتن راه‌کارهای نظری و عملی بهتر و صحیح‌تر یاری رساند. بنابراین با توجه به اهمیت آن شرکت‌کنندگان با میل و رغبت فراوان از راه‌های دور و نزدیک و با غلبه بر مشکلات متعدد خود را به محل نشست رساندند.

سالن نشست که به‌وسیله‌ی تیم برگزارکننده‌ی مجمع با عکس‌هایی از مبارزات زنان از سراسر جهان تزیین شده بود، در کنار گل‌های سرخ تقدیمی از طرف آن‌ها و عکس رفقای درگذشته‌مان «آذر» و «مینا» بر طراوت، سرزندگی، شادابی و همدلی فضا و جمع می‌افزود. حضور یکدل و همراه زنان از ملیت‌های مختلف (افغان، کُرد، تُرک، بلژیکی ... و ایرانی) خود نمودی از فراملیتی بودن جنبش زنان و مبارزه متحد و مشترک ما علیه پدر/مردسالاری بود. حضور زنان از گرایش‌های مختلف سیاسی، متشکل در احزاب یا غیرمتشکل، زنان جوان به لحاظ سنی و سیاسی و ... جمعی را شکل داده بود که در مباحث این سه روز نشان دادند بر سر مبارزه‌ی مشترک و متحد انقلابی در جنبش زنان اتحاد نظری و عملی بالایی دارند. حضور زنان مبارزی که کوله‌بار تجربه و دانش خود را به همراه داشتند و طره‌های خاکستری و سفید موهای‌شان چیزی از طراوت و سرزندگی ایده‌ها و آرزوهای‌شان نمی‌کاست، در کنار زنان جوانی که با شور و نشاط، انتقادات و سؤالات بی‌پروای‌شان فکر و عمل را به چالش می‌طلبیدند، نویدبخش برقراری پیوند بین دو نسل از زنان مبارز بود. شرکت فعال و پی‌گیرانه‌ی جمع و خصوصاً مهمانان و دوست‌داران سازمان زنان هشت مارس در مباحث به عمیق‌تر شدن بحث‌ها کمک کرد و باعث شد که مجمع عمومی امسال در فضایی پرشور، پرامید، فعال و غنی انجام پذیرد.

بخش بین‌المللی:

در این بخش به ابتکار عمل هیأت مسئولین، برخی از دوستان غیرفارسی زبان سازمان زنان هشت مارس نیز به جمع پیوستند تا ضمن اعلام همبستگی با هشت مارس و مبارزاتش، هرچه بیشتر با اعضا و فعالین آن آشنا شده و بر بار مجمع بیفزایند.

ابتدا یکی از فعالین هشت مارس به زبان انگلیسی سخنرانی کوتاهی در معرفی این سازمان ایراد کرد که در آن تأکید داشت افق ما رهایی زنان سراسر جهان از ستم و استثمار است؛ اما در ایران و افغانستان و ... زنان در مبارزات خود برای پایه‌ای‌ترین مطالبات‌شان با یک مانع بزرگ روبه‌رو هستند، به همین دلیل سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی اولین گام برای رهایی زنان این کشورهاست؛ و در این راه ضمن تأکید بر استقلال این شکل توده‌ای و انقلابی، در مبارزه با کلیه نیروهای واپس‌گرای پدر/مردسالار امپریالیستی و بنیادگرایان مذهبی با کلیه نیروهای انقلابی و پیشرو در سراسر جهان ابراز همبستگی می‌نماید. این دوستان هم فرصتی که در اختیارشان قرار گرفت، تلاش داشتند که ضمن صحبت از تجربیات فردی و جمعی خود، تأکید بر مبارزات سخت و پر چالش زنان در اروپا و دست‌آوردهای پیشین، عقب‌گردهای امروزین و برخورد گرایش‌های مختلف درون جنبش زنان در اروپای به اصطلاح دموکراتیک ولی عمیقاً امپریالیستی پدر/مردسالار و ... بر سختی و پیچیدگی مبارزات امروز و اضطراب مبارزه‌ی متحد و جهانی زنان پرتو بیفکنند. آن‌ها با تکیه بر تجربه‌ی موفق مبارزه‌ی مشترک‌شان با سازمان زنان هشت مارس، از این آشنایی بیشتر و حضور در جمع ما ابراز خرسندی کردند و معتقد بودند که نوع فعالیت و خطوط سیاسی سازمان هشت مارس در شکل‌گیری این پیوند تأثیر عمده داشته و امیدوار بودند که این مجمع راهی برای مبارزات مشترک آتی بگشاید.

بخش فیلم مستند:

آخرین برنامه‌ی روز اول نشست، تماشای فیلم یک ساعته‌ای از «کارزار لغو کلیه‌ی قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان» بود. این فیلم به همت فعالین هشت مارس تهیه و برای اولین بار به نمایش درمی‌آمد تا ضمن گرمی‌داشتن دهمین سالگرد شروع این کارزار، به بررسی جوانب مختلفی از آن نیز بپردازیم تا بتوانیم دست‌آوردهای این مبارزه‌ی متحد در درون جنبش زنان را هرچه بیشتر جذب نماییم. نمایش فیلم با این مقدمه آغاز شد که در اصل پیشنهاد این کارزار توسط سازمان زنان هشت مارس داده شد تا در کنار سایر زنان در خارج از کشور مبارزه‌ی متحدانه‌ای را به حول شعار لغو کلیه‌ی قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان، به پیش ببریم. این کارزار متکی بر دو محور اصلی بود، یکی سرنگونی جمهوری اسلامی و دیگری علیه امپریالیست‌های پدر/مردسالار که در آن زمان پس از حمله به افغانستان به نام آزادی زنان، عراق را نیز اشغال کرده بودند.

زنان مبارز، مترقی و انقلابی بسیاری به این کارزار پیوستند و سال اول (۲۰۰۶) با یک تظاهرات پنج‌روزه‌ی وسیع، باشکوه، رزمنده و رنگارنگ از شهرهای مختلف کشور آلمان به هلند، یک شروع قدرتمند و خیره‌کننده را برای این کارزار چهارساله، رقم زدند. به جرأت می‌توان گفت، بعد از تظاهرات ۸ مارس ۱۳۵۷ این بزرگ‌ترین حرکت متحد و متشکل اعتراضی زنان علیه جمهوری اسلامی بوده است. البته حمایت و پشتیبانی زنان و مردان، احزاب، سازمان‌ها، هنرمندان و ... ایرانی و غیرایرانی در شکل‌گیری و پیشبرد این کارزار نقش بزرگی داشت که در این فیلم تا حدی منعکس شده بود. از آنجایی که عده‌ای از زنان جوان حاضر در نشست در این کارزار حضور نداشتند، پس از نمایش فیلم بحث و تبادل نظر دوستانه‌ای درگرفت و یاد همه‌ی کسانی که در آن روزهای مبارزاتی حضور داشتند و امروز در کنار ما نیستند را گرمی داشتیم.

شنبه چهارم ژوئن:

روز شنبه طولانی‌ترین روز این نشست بود و به همین دلیل بیشترین مباحث نیز در این روز صورت گرفت و همه‌ی شرکت‌کنندگان به علت اهمیت و فشردگی موضوعات و کمبود وقت بدون خستگی و مسئولانه ساعات زیادی را به بحث‌وجدل حول مسائل گوناگون پرداختند.

بخش اول - بحث و بررسی جمع‌بندی ارائه شده در بولتن داخلی توسط هیأت مسئولین:

ابتدا مسئولین جلسه ضمن اشاره به اوضاع بحرانی جهان و گسترش بی‌سابقه‌ی خشونت علیه زنان تأکید کردند که وضعیت زنان و موقعیت جنبش زنان در سراسر جهان نشان می‌دهد که جنبش زنان در مجموع و خصوصاً در غرب از پیش گذاردن راه‌حل‌های انقلابی و رادیکال در مقابل این شرایط عقب‌گرد کرده است؛ و برخلاف جنبش فمینیستی دهه‌ی شصت و هفتاد که ضمن پیشبرد یک مبارزه‌ی رادیکال حول مسأله‌ی ستم بر زن و تحت تأثیر مبارزات انقلابی و رهایی‌بخش در سراسر جهان، بسیار ساختارشکنانه بود، امروزه عمدتاً فمینیسم و راه‌کارهای آن در جنبش زنان در چارچوب امکانات و خواسته‌های نظام سرمایه‌داری قرار گرفته است. درحالی‌که در مقابل این شرایط جنبش زنان باید بتواند ساختارهایی که این خشونت را تولید و بازتولید، نهادینه و تحکیم می‌نماید، عمیقاً تغییر دهد. امروزه زنان در چرخه‌ی میان سرمایه‌داری امپریالیستی پدر/مردسالار و بنیادگرایی مذهبی نابود می‌شوند. جنگ علیه زنان و تنفر از زنان رشد روزافزون دارد و این شرایط سخت، وظایف سنگینی بر دوش جنبش انقلابی زنان گذارده است.

به همین دلیل بررسی بولتن سازمان هشت مارس که عمدتاً بخشی از فعالیت‌های بیرونی آن را منعکس کرده است، نشان می‌دهد علی‌رغم کار گسترده و تلاش بی‌وقفه‌ای که انجام شده، نباید و نمی‌توان راضی بود. باید در پرتو مبارزه‌ی سیاسی جمعی به شکل متمرکز به جمع‌بندی دقیق‌تر و علمی‌تری برسیم.

پس از این مقدمه بحثی گسترده با یادآوری این نکته آغاز شد که تأکید بر عمده بودن تشدید شرایط دهشتناک جهانی و برخورد نقادانه به خودمان نباید از یک طرف باعث تخریب، تزلزل و ناامیدی ما شود و یا از دیگر سو فکر کنیم هر چه بدتر شدن شرایط جهانی به معنای وقوع خود به خودی انقلاب است، در حالی که انقلاب نیاز به تئوری و عمل آگاهانه دارد.

ما در حالی صحبت از آلترناتیو رهایی‌بخش می‌کنیم که از یک‌سو کماکان هنوز بخشی از جریان‌ات منتسب به چپ به دلیل نداشتن آلترناتیوی برای رهایی زنان، جنبش زنان را بورژوازی می‌دانند و این مبارزه را به بورژوازی می‌سپارند،

تمام نخله‌های فکری درون جنبش زنان را به فمینیسم لیبرال فرو می‌کاهند و حتی تحت نام مقابله با یک جنبش بورژوازی با فمینیسم مقابله می‌کنند و آن را رقیبی برای خود می‌یابند. از دیگر سو جنبش فمینیستی هم امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، عمدتاً خود را با سرمایه‌داری تطبیق داده و عقب‌گرد کرده است. درحالی‌که فمینیسم هم بدون افق انقلابی و رهایی‌بخش نمی‌تواند تبدیل به یک جنبش ادامه‌دار و عمیق در جهت تغییر شود. برای ایجاد چنین جنبشی رویکرد ما باید به سمت منافع اکثریت زنان و خصوصاً زنان طبقات تحتانی باشد.

متقابلاً تأکید شد که طرح این بحث صحیح نباید باعث کم‌توجهی ما به فمینیسم و دانش فمینیسم شود. ما هم نیاز به دانش فمینیسم و هم علم مارکسیسم داریم. ما باید بتوانیم هم‌ریشه‌ی ستم بر زن را بیش‌ازپیش روشن کنیم و هم رابطه‌ی آن را با کارکرد سیستم سرمایه‌داری و سایر ستم‌های درون جامعه توضیح دهیم تا بتوانیم رابطه‌ی بین این مبارزات و مبارزه علیه‌ی ستم بر زن را روشن‌تر کنیم. در درون جنبش زنان هم زنان از طبقات مختلف حضور دارند و طبیعتاً راه‌حل‌های طبقاتی خود را در جنبش پیش می‌گذارند، به همین دلیل هم برخورد با سایر گرایش‌های طبقاتی درون جنبش ساده نیست و موضوعی پیچیده و چالش برانگیز است. این درست است که وظیفه‌ی جنبش زنان کسب قدرت سیاسی نیست، اما بدون برخورد به تضادها و چالش‌های درون جنبش زنان هم نمی‌توان راه‌حل واقعی و انقلابی جلو گذاشت. برای پاسخ به این چالش‌ها اهمیت تئوری‌های انقلابی برجسته می‌شود و متعاقباً اهمیت ابزاری به نام نشریه برای یک سازمان انقلابی. از این زاویه نقش و جایگاه نشریه‌ی هشت مارس یکی از موضوعات مهم است که باید به آن پرداخت. نشریه‌ای که شانزده شماره‌ی آن در پنج سال گذشته منتشر شده است و بررسی این شانزده شماره یک رشد کمی و کیفی را نشان می‌دهد.

نشریه کماکان باید نقش مبلغ و مروج را داشته باشد و بتواند تدارک مبارزه‌ی سیاسی را ببیند؛ و زمینه‌ی تحولات متناسب با واقعیت عینی را به وجود بیاورد. در این بحث تأکید شد که نشریه به‌درستی وارد چالش و نقد نظریه‌های مختلف درون جنبش زنان شده که در اصل بازتاب راه‌حل‌های طبقاتی متفاوت هستند و از این طریق تلاش کرده تا زنان را از سلطه‌ی تفکر و راه‌حل‌های بورژوازی درون جنبش زنان بیرون بکشد؛ اما نشریه نمی‌تواند با توده‌ی زنان رابطه‌ی یک‌طرفه داشته باشد، بلکه باید بتواند بازتاب نظرات مختلف باشد که به‌وسیله‌ی ما سنتز شده و ارتقا می‌یابند.

ما باید توجه داشته باشیم که دیدگاه‌های رفرمیستی و بورژوازی درون جنبش زنان کاملاً مبتنی بر یک کار فشرده‌ی تئوریک - سیاسی در دستگاه‌های عریض و طویل حکومتی و غیر حکومتی جهانی است. ما نیز متقابلاً برای شکل دادن به دیدگاه‌های مان نیاز به کار فشرده و منسجم داریم؛ به‌عنوان مثال این تلاش عمدتاً در نشریه‌ی ما منعکس شده است؛ اما با علم بر این‌که نشریه هم برای این‌که بتواند مباحث پیچیده‌ی تئوریک را در درون زنان گسترش دهد نیاز به واسطه‌هایی دارد که بتوانند این مباحث را ترویج و تبلیغ نمایند.

باید توجه داشته باشیم که در مورد کار بین طیف وسیعی از زنانی صحبت می‌کنیم که تاریخاً تحت ستم جنسیتی بوده‌اند و جایگاه فرودست‌شان در جامعه یک شکاف تاریخی ایجاد کرده است. شکاف بین نقش زنی که حتی در خانه‌ی خود و برای انجام امور روزمره‌ی خانه‌داری تحقیر می‌شود تا نقش زنی که سرنوشت خود و جامعه را تعیین می‌کند. به این شکاف یک پروسه‌ی آگاهانه و داوطلبانه‌ی مبارزاتی جمعی با اتکا به ابزاری مثل نشریه (به اتکای خط سیاسی - تشکیلاتی) پاسخ می‌دهد. همین‌جا ضرورت تشکیلات، نشریه، فعالین آگاه و انقلابی و ... برجسته می‌شود. واضح است که نابرابری درون جامعه به‌قدری زیاد و زنان به‌قدری از کار فکری محروم بوده‌اند که نشریه به‌تنهایی نمی‌تواند افکار را متحول و انسان‌ها را متشکل نماید و نیاز به فعالینی دارد که با جسارت با ایده‌های مختلف روبه‌رو شوند و در جریان تغییر ایده‌های دیگران، خودشان هم تغییر و ارتقا یابند.

خصوصاً امروزه که کارکرد نظام سرمایه‌داری امپریالیستی باعث سر برآوردن انواع نیروهای واپس‌گرای مذهبی شده است و مردم تنها یک پاسخ بالفعل در مقابل خود می‌یابند: «تحمّل وضع موجود!»، به‌صورت عینی زنان کمونیست نقش ویژه‌ای به دوش دارند. امروزه جنگ اصلی، جنگ ایده‌هاست. یک‌طرف ایده‌هایی که کرنش به وضع موجود را توجیه، تفسیر و تقدیس می‌کنند و در طرف مقابل ایده‌هایی که ضرورت مبارزه با این وضع را توضیح می‌دهند و تحلیل می‌کنند. به همین دلیل نشریه‌ی ما ابزاری است که روی موضوع ایده‌ها تمرکز می‌دهد و مشخصاً راه‌حل خودش را در رابطه با ستم بر زن به میان می‌آورد. نشریه‌ی ما ایده‌های صحیح را متمرکز کرده و تشکیلات‌مان برای آن ایده‌ها سازمان‌دهی می‌کند. برای درک اهمیت ایده‌ها در دنیای امروز باید بدانیم که وقتی صحبت از رشد بی‌سابقه‌ی رسانه‌ها می‌شود، یعنی رشد و سیطره‌ی مراکز تبلیغ و گسترش ایده‌های حاکم، حتی داعش هم - که یک نیروی واپس‌گرا با رویکردی بدوی است - برای تبلیغ واپس‌گرایانه‌ترین ایده‌هایش از رسانه‌ها به شکل حرفه‌ای استفاده می‌کند. البته این بحث به این معنا نیست که ایده‌های انقلابی ما هم در فرایند رایج در دنیا و به شکل خود به خودی تولید می‌شوند. ایده‌های صحیح به شکل فردی و اراده‌گرایانه ایجاد نمی‌شوند و نیاز به یک پروسه‌ی تاریخی، جمعی، عینی، علمی و آگاهانه دارند. اگرچه موضوع ستم بر زن یک موضوع خاص است، اما نمی‌توان منشأ آن را بدون توضیح رابطه‌ی آن با سایر تضادهای درون جامعه توضیح داد و نیاز به یک دید علمی عمیق دارد که بتواند صحیح‌ترین ایده و راه‌حل را به شکل علمی و عینی توضیح دهد. از این زاویه نقش زنان انقلابی و کمونیست (حتی در درون تشکیلات زنان هشت مارس) پررنگ‌تر می‌شود.

البته با تأکید بر این‌که آن‌چه نقش زنان انقلابی را نسبت به سایر زنان متمایز می‌کند مسئولیتی است که داوطلبانه و آگاهانه بر دوش می‌گیرند، یعنی نشان دادن امکان تغییر شرایط موجود. مسلماً این پاسخ از درون سوال «چرا اوضاع این‌گونه است؟!» بیرون می‌آید؛ از درون طرح این «چرایی» موضوع «چه باید کرد؟» بیرون می‌آید.

در درون جنبش زنان، آن‌چه سازمان زنان هشت مارس را متمایز می‌کند، روشن بودن هدف و ایده‌هایش و به میان آوردن بی‌تزلزل آن است. هشت مارس مکانیسم درونی سرمایه‌داری و بنیادگرایی در ارتباط با ستم بر زن را به‌روشنی افشا می‌کند.

هرچند مشکلات واقعی را نمی‌توان نادیده گرفت، مثلاً در همین اوضاع موضوع کمیت هم اهمیت دارد اما مسأله‌ی کیفیت امروزه اهمیت بیشتری دارد و حیاتی است؛ و این جمع از کیفیتی برخوردار است که در جنبش زنان فعلی موجود نیست. به میدان آمدن کمیت بالا، بدون ایده‌های صحیح، تکرار همان اتفاقی است که در خیزش ۸۸ شاهد آن بودیم، جمعیت عظیمی که چون راه روشنی در مقابل نداشتند، انرژی خود را از دست دادند. به همین دلیل امروزه اهمیت دارد که به‌جای معترض بودن و معترض ماندن، روی مبارزه کردن، تأکید کنیم و زنان باید بیش از هرکسی روی مبارزه پافشاری کنند. آن‌هم در شرایطی که همه‌ی نیروهای واپس‌گرا در پی مخدوش کردن ایده‌های صحیح هستند. در چنین شرایطی مهم این است که چه کسی می‌تواند ایده‌ی روشنی پیش بگذارد. کما این‌که امروزه زنان زیادی در سراسر دنیا عاصی و ناراضی هستند، اما فاقد ایده‌ی صحیحی برای جهت صحیح دادن به این عصیان و ناراضی هستند. این آگاهی‌رسانی روشن و انقلابی کاری است که هشت مارس در پی انجام آن است. آگاهی هم لزوماً ربطی به سواد یا تحصیلات دانشگاهی ندارد. این آگاهی انقلابی از وضعیت موجود می‌تواند یک زن ناراضی را - که حتی سواد ندارد - به موقعیت خودش و جایگاهی که می‌تواند به آن دست یابد، آگاه کرده و با انرژی زیاد به میدان مبارزه بیاورد.

از دیگر وجوه تمایز و دست‌آوردهای سازمان زنان هشت مارس این است که جزء معدود نیروهایی است که به شکل جدی و علمی روی مسأله‌ی زنان متمرکز است و این باعث شده که در جنبش به‌عنوان یک نیروی جدی شناخته شود. این در نشریه‌ی هشت مارس برجسته می‌شود و به همین دلیل باید به موضوع مخاطبین نشریه، نفوذ آن در داخل کشور، روش پخش گسترده‌ی اینترنتی با اتکا به رشد تکنولوژی و ... بیشتر فکر و تلاش کنیم و راه‌های خلاقانه‌ای برای هر چه توده‌ای شدن نشریه بیابیم. اگرچه نشریه به لحاظ کیفی رشد داشته است اما ما باید اصول کار توده‌ای را بیاموزیم و به کار ببندیم تا بتوانیم هم نشریه را توده‌ای‌تر کنیم و هم فعالین مجرب‌تری را پرورش دهیم و از این طریق حتی شکاف نسلی پیش آمده را هم از بین ببریم و زنان جوان بیشتری را آگاه و متشکل نماییم.

در مورد کار آگاه‌گرانه‌ی انقلابی موضوع دیگر فقط اثبات این نیست که به زنان ستم می‌شود، این موضوع به‌قدری اظهر من الشمس است و این ستم به‌قدری نهادینه شده که عمدتاً «طبیعی» و «عادی» به نظر می‌رسد، اما امروزه موضوع اصلی راه‌حل رفع این ستم است که جنبش انقلابی زنان باید به آن بپردازد.

با اتکا به ایده‌های انقلابی که ما در خدمت به رهایی زنان در اختیارداریم با این سوال روبه‌رو هستیم که چگونه این ایده‌های صحیح را به میان توده‌های وسیع زنان ببریم؟ در همین بحث اهمیت کار توده‌ای هم

روشن می‌شود. این پاسخ بستگی مستقیم دارد به این‌که چه نقش و جایگاهی برای خودمان می‌بینیم؟! چرا مبارزه می‌کنیم؟! رویکرد استراتژیک ما چیست؟! موضوع انقلاب را چگونه می‌بینیم؟! ما باید بتوانیم موانعی که بر سر بردن این ایده‌های انقلابی در بین زنان وجود دارد را بررسی، شناسایی و رفع کنیم. تاریخ نشان داده است که کار یک نیروی انقلابی این است که خلاف جریان موجود حرکت کند. با علم بر این‌که این مردم هستند که درنهایت این تغییر را رقم خواهند زد. بنابراین ما باید بتوانیم صفوف هر چه وسیع‌تری از مردم و مشخصاً زنان را به این درک صحیح برسانیم که این سیستم چگونه عمل می‌کند و چگونه تغییر خواهد کرد. اگر زنان نیاموزند که چگونه سیستم موجود را به چالش بکشند، همواره در حد معترض باقی خواهند ماند. موضوع این است که این نیروی معترض باید بداند به کجا و چگونه می‌تواند دست یابد تا بتواند به شکل گسترده به صفوف انقلاب بپیوندد. البته این کار ساده‌ای نیست. چون همیشه منافع فردی یا راه‌کارهای میانبری هم وجود دارد که در مقابل مبارزه‌ی جمعی و استراتژیک قرار می‌گیرند. نمی‌توان انتظار داشت که همه‌ی زنان انقلابی شوند اما باید بتوانند به صفوف گسترده‌ی مبارزه برای تغییر و رهایی بپیوندند.

این موضوع باید برای ما روشن باشد که انقلاب کار توده‌هاست. تشکلات زنان باید در پیدا کردن راه انقلاب نقش فعال بگیرند، درحالی‌که انقلاب هم بدون اتکا به توده‌ی وسیع زنان امکان‌پذیر نیست. بدون رابطه‌ی مستقیم و تنگاتنگ با آن‌ها راه‌کارهای ما هم غیرملموس و انتزاعی خواهند بود. اگر بحث‌های ما به درون طیف وسیع زنان نرود، تبدیل به بحث‌های خام روشنفکری خواهد شد که ربطی به واقعیت جامعه ندارد. این راه‌کارها باید به درون جامعه برود و دوباره به میان ما بازگردد. کار توده‌ای پل ارتباطی ماست حتی اگر در شرایط کنونی از دسترسی به توده‌ی وسیع زنان محروم باشیم؛ اما یافتن روزنه‌ای در شرایط دهشتناک امروز راه را بر انفجارهای بزرگ باز خواهد کرد. تشکیلات انقلابی زنان ابزاری برای باز کردن این روزنه است. چون ستم بر زن وجود دارد، مقاومت زنان هم وجود دارد، جنبش زنان هم همواره وجود دارد و مسلماً تشکلات زنان هم موجود و ضروری هستند، هرچند گاهاً مجبور می‌شوند خود را در مقابل جریان مردسالارانه‌ی حاکم، به جنبش تحمیل کنند.

اما در سطح جهانی و در تحلیل نهایی، نهایتاً دو ایده‌ی کلان وجود دارد. یکی ایده‌ی طبقات ستمگر و استثمارگر یعنی سیستم سرمایه‌داری حاکم که به همه‌ی اقشار و طبقات ستم می‌کند و زنان را هم به‌عنوان نیمی از جمعیت جهان تحت ستم و استثمار قرار می‌دهد. ایده‌ی دیگری هم در مقابل آن قرار دارد که معتقد است این وضعیتی نیست که انسان‌ها به شکل ابدی و ازلی محتوم به تحمل آن هستند و می‌توان آن را برای ریشه‌کن کردن ستم و استثمار تغییر داد. این دو راه‌کار در برابر همه‌ی مردم قرار دارند. به همین دلیل هم باید با دقت بررسی کرد که ایده‌های طبقات دیگر چه جهت‌گیری دارند و به کدام راه‌کار خدمت می‌کنند. اگرچه ایده‌ی اول شکل غالب دارد، اما پایه‌های مادی ایده‌ی تغییر هم در سراسر جهان به شکل بالقوه وجود دارد، حتی اگر امروزه به شکل بالفعل در اقلیت باشد. این دو راه در جنبش زنان هم انعکاس

می‌یابد. تلاش سازمان زنان هشت مارس این بوده است که به تغییر وضع موجود خدمت کند. تکیه ما همواره هم به جنبش زنان و دستاوردهای آن بوده است و هم به جنبش انقلابی برای رهایی بشر و همچنین دستاوردهای تجربه‌ی مبارزات انقلابی و سوسیالیسم و ... ما با اتکا به این دستاوردها شکل گرفته‌ایم، در حالی که همواره تلاش داشته‌ایم، دست‌آوردها را ارتقا و تکامل دهیم. اما سوال این است که آیا این کیفیت بدون جذب یک کمیت مشخص می‌تواند کماکان در خود ارتقا یابد؟! مسلماً نه! کیفیت در ارتباط دیالکتیکی با کمیت قرار دارد، هرچند کیفیت جهت عمده را دارد. کما این‌که اگر هشت مارس در طی این سال‌ها کیفیت را فدای کمیت می‌کرد جمعیت این جلسه چندین برابر بود. کیفیت الویت دارد اما در خود ارتقا نمی‌یابد. کیفیت باید بتواند کمیتی را بسیج و متشکل کند تا بتواند کیفیت را هم ارتقا دهد. بدون این رابطه‌ی دیالکتیکی کیفیت هم بالا نخواهد رفت.

در دنیای امروز مبارزه‌ی اصلی بر سر این است که توده‌ها با چه نیرویی سمت‌گیری می‌کنند، خصوصاً توده‌های طبقات میانی که به خاطر حفظ منافع طبقاتی‌شان معمولاً با قدرت سمت‌گیری می‌کنند و این سمت‌گیری طبقه‌ی میانی در سرنوشت کلی جامعه تأثیرگذار است. به همین دلیل هم نیروهای مترجع در پی کسب مشروعیت از مردم هستند و هم نیروهای انقلابی در پی تغییر و به میدان آوردن توده‌ها؛ خصوصاً توده‌های طبقات تحتانی که باید بتوانند بخش پیش‌روی طبقات میانی را هم با خود همراه کنند. امروزه تغییرات جهانی و خصوصاً رشد جهانی‌سازی باعث به وجود آمدن یک طبقه‌ی میانی وسیع شده که در آن زنان هم تحصیل کرده‌اند و هم موقعیت مالی و اجتماعی بالاتری دارند و عمدتاً هم ناراضی و معترض‌اند. اما اگر نیروی انقلابی وجود نداشته باشد این نیروی میانی کماکان ناراضی باقی می‌ماند و به سمت حاکمیت سوق می‌یابد. تاریخاً هرگاه یک نیروی انقلابی و آلترناتیو قوی در جامعه حضور داشته است، بخش قابل ملاحظه‌ای از طبقه‌ی میانی را همراه و همسو کرده است. مثلاً در خیزش ۸۸ مردمی که به خیابان آمدند، عمدتاً از طبقات میانی بودند اما به علت نبود آلترناتیو انقلابی تحت رهبری جناحی از طبقه‌ی حاکم قرار گرفتند. این موضوع باعث شد که پس از عقب‌گرد خیزش حتی بسیاری از تشکلات و سازمان‌های زنان نیز عقب‌گرد کرده و حتی منحل شوند. اما سازمان زنان هشت مارس به علت جهت‌گیری عمدتاً روشنی که داشت نه تنها عقب‌گرد نکرد بلکه وظایف بیشتری به دوش گرفت.

این تحلیل البته به معنای این نیست که مقاومت درون مردم ارزش و تأثیری ندارد. اما پرداختن به نیروی اعتراضی زنان، پافشاری بر مقاومت در برابر ستمی که بر آنان روا می‌شود، افشای این ستم و سازمان‌دهی مقاومت در درون جنبش زنان یک چیز است و موضوع راه‌حل پایان دادن به این ستم چیز دیگر است. فارغ از این جهت‌گیری ما با زنانی روبه‌رو هستیم که به خاطر موقعیت فرودست‌شان معترض‌اند و خواستار تغییر این شرایط هستند، اما راه‌حل تغییر از درون این اعتراض به شکل خودی به خودی بیرون نمی‌آید. دیدن این پتانسیل در درون شرایط زنان و پیدا کردن راه متحقق کردن آن وظیفه‌ی نیروی آگاه انقلابی و

متشکل درون جنبش زنان است؛ پتانسیل جنبش زنان یا در جهت تغییر شرایط به سمت جلو آزاد می‌شود و یا صرف در جا زدن و مقاومت در برابر عقب‌گرد و ... اما نباید فراموش کنیم که خیل عظیم زنان یعنی زنانی با گرایش‌های مختلف و نقاط ضعف و قوت‌شان، یعنی زنانی که گاهی ناآگاهانه خطا هم می‌کنند، عقب‌گرد هم می‌کنند، ستم را می‌پذیرند و حتی به تقویت ساختار ستم یاری می‌رسانند و یا به دنبال راه‌حل‌های فردی و میان‌بر می‌روند و ... اما تکیه‌ی ما برای به حرکت در آوردن این پتانسیل عظیم بر پیش‌روترین زنان است و همین زنان هستند که پتانسیل تغییرات بزرگ و تاریخی را دارند.

ما برای این‌که شمار فزاینده‌ای از زنان را برای تغییر ساختار ستم همراه و متحد کنیم باید بتوانیم علاوه بر افشای ساختار نابرابر و دهشت آفرین موجود، تصویر جامعه‌ای که عاری از این نابرابری است به شکل عینی و مادی ترسیم نماییم (و نه اتوپیایی و ایده‌آلیستی). به این شکل همه‌ی زنان لزوماً هم‌شکل نمی‌شوند اما هم‌جهت می‌شوند. این‌که این موضوع دائماً در جلسه‌ی ما تکرار می‌شود، خود دلیلی بر این مدعاست. این بحث اراده‌گرایانه طرح نمی‌شود، از یک واقعیت مادی برمی‌خیزد. از درون همان پاسخی که در مقابل شرایط موجود راهی وجود دارد که می‌تواند به این دهشت‌ها به شکل پایه‌ای پاسخ دهد. البته که این پاسخ هم تک‌خطی و ساده نیست، بلکه منوط بر یک پروسه‌ی پیچیده، آگاهانه، طولانی، سخت و گاهی حتی غیرقابل تصور است. به‌عنوان مثال امروزه حتی برای ما تصور این‌که در دنیایی زندگی کنیم که انسان‌ها حتی پیش از تولدشان بر اساس جنسیت طبقه‌بندی نشوند ناممکن است، تصور این‌که نتوانیم جنسیت انسان‌ها را از روی نام‌شان تشخیص دهیم کار ساده‌ای نیست، اما شدنی است.

برای بردن آگاهی مبارزاتی در درون زنان باید به این موضوع هم آگاهانه برخورد کنیم که زنان در جامعه از طبقات و گرایش‌های و تفکرات مختلف هستند و ما نمی‌توانیم از ابتدا به شکل گزینشی با آن‌ها برخورد کنیم. باید فضایی را ایجاد کنیم که بتوان با کلیه‌ی زنان ارتباط برقرار کرد و آگاهی را به میان آن‌ها برد. ما باید نقاط ضعف و قوت پیشین‌مان را بررسی و دوباره به عمل در آوریم، در غیر این صورت کار توده‌ای در حد تئوری باقی می‌ماند. البته کار سیاسی با توده‌های زن - فارس زبان یا غیرفارس زبان - مطلقاً ساده نیست و در مقابل آن‌هم مقاومت وجود دارد؛ مقاومت‌های اصلاح‌طلبانه، طبقاتی، نژادی یا حتی مرکز محور یا اروپا محور یا ... ما هم در مقابل باید یک مبارزه‌ی سیاسی منسجم داشته باشیم که ابزارهای مختلفی دارد؛ مثلاً نشریه. اما جهت خط سیاسی در درون تشکیلات سیاسی تعیین می‌شود. به همین دلیل بدون کار متشکل و بدون سازمان‌دهی نمی‌توان به این اهداف (هرچقدر هم خوب) دست‌یافت. برای یک مبارزه‌ی آگاهانه و هدفمند داشتن تشکیلات ضروری است. کار اولیه‌ی ما افشاگری است؛ یعنی برداشتن پوششی است که روی دهشت‌های این سیستم کشیده شده است و کارکرد و شقاوت ساختاری آن را پوشانده است؛ یعنی روشن کردن این موضوع که لازم نیست و نباید این شرایط را تحمل کرد. اگر ما بتوانیم امکان و نحوه‌ی فرو ریختن این سیستم را در ذهن زنان روشن کنیم، زنان برای



بخش دوم - بررسی و تصویب قطعنامه‌های سیاسی:

در هر مجمع عمومی قطعنامه‌هایی به تصویب می‌رسند که متکی بر منشور سازمان زنان هشت مارس هستند و چارچوب نظری و سیاسی فعالیت‌های آتی را تعیین می‌کنند. به عبارتی قطعنامه‌ها منشور سازمان زنان را به شکل فعال و زنده و منطبق بر اوضاع عینی بیان می‌کنند. بر بستر این ارزیابی سیاسی است که دور آتی فعالیت‌های نظری و عملی این سازمان را می‌توان تحقق بخشید.

محور مرکزی قطعنامه‌ی پیشنهادی بخش افغانستان به شکل فشرده به این می‌پردازد که امپریالیسم آمریکا تحت نام آزادی زنان دست به این اشغال‌گری زد و دولت دست‌نشانده‌ی خودش را از همان روز تا به حال بر سر کار آورده است، یعنی دولت جمهوری اسلامی افغانستان. موقعیت فرودست زنان افغان به‌وضوح فریب نظام جهانی امپریالیستی را نشان می‌دهد که امپریالیست‌ها نمی‌توانند در هیچ جای جهان، هیچ زنی را حتی ذره‌ای آزاد کنند.

بحث متعاقب بر سر این بود که اگرچه امروزه حداکثر دست‌آورد اشغال‌گران این است که در چند خیابان کابل برقع به روسری تغییر یافته و روسری‌ها کمی

عملی کردن آن خود پیش‌قدم می‌شوند. از این طریق می‌توانیم جنبش وسیعی ایجاد کنیم که به انقلاب خدمت می‌کند.

ما به‌عنوان زنان آگاه انقلابی نسبت به زنانی که این آگاهی را ندارند، مسئولیت داریم. باید برای جبران این کمبود و کم‌کاری با قدرت بیشتری کار کنیم. از این بابت اهمیت تشکیلات انقلابی زنان و متشکل شدن زنان برای گسترش این آگاهی بیشتر روشن می‌شود. هرچند در مقابل آن‌هم یک مقاومت در درون زنان وجود دارد و زنان هم عمدتاً تشکل‌گریز هستند. باید به چرایی این موضوع هم بپردازیم. چون خیلی از زنان ترجیح می‌دهند فردی مبارزه کنند تا مبارزه‌ی متشکل؛ درحالی‌که قرن‌هاست شاهد بی‌نتیجه بودن این نوع مبارزه هستند. این در حالی است که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که نیروهای واپس‌گرا و امپریالیست‌ها به حداکثر و برای تک‌تک اهداف‌شان از کلان تا خرد تشکلات مختلف دارند (از اهداف سیاسی و نظامی و ... تا آموزشی و تبلیغاتی) در مقابل چنین سیستمی که با تمام توان و متحد در سطح جهانی، مردسالاری را تولید و بازتولید می‌کند، مبارزه‌ی فردی ما انرژی زیادی را به هدر می‌دهد و در مقابل مبارزه‌ی متشکل حداقل امکانات را فراهم می‌کند. یک نیروی کوچک انقلابی هم باید بتواند به حداکثر متحد و متشکل عمل کند.

در برابر دستگاهی که ایدئولوژی‌زدایی را برای تحکیم ایدئولوژی خودش تبلیغ می‌کند تا هر چه بیشتر مردم را در گيجی و ناروشنی نگاه دارد، یکی از راه‌کارها تبلیغ علیه متشکل شدن و مبارزه‌ی متشکل است. تشکل‌گریزی در بین همه‌ی مردم وجود دارد، اما مشخصاً در بین زنان که به علت جایگاه نابرابر اجتماعی کمتر امکان و توان متشکل شدن حول خواسته‌های خود را داشته‌اند، این تشکل‌گریزی بیشتر تبلیغ می‌شود. امروزه حتی در بین قشر «روشن‌فکر» تشکل‌گریزی یک امتیاز قابل افتخار محسوب می‌شود که دلالت بر «استقلال» رأی و نظر دارد؛ درحالی‌که این ایده کاملاً حساب شده در جامعه تبلیغ می‌شود و حاصل یک تحلیل فردی نیست. مثلاً امروزه یکی از تئوری‌های رایج در جنبش زنان پست‌مدرنیسم است که با تبلیغ این‌که حقیقت واحدی وجود ندارد، این جریان پراکنده‌گی و فردگرایی را تقویت می‌نماید. درحالی‌که این پراکنده‌گی بیش از همه در خدمت سیستم مسلط قرار می‌گیرد.

به طور واقعی می‌توان گفت، در بحث بخش اول نکات بسیار پایه‌ای، مهم، خلاقانه و متنوعی طرح شد که امکان پرداختن به همه‌ی آن نقطه‌نظرات در این گزارش وجود ندارد اما نکته‌ی مرکزی و بحث اصلی این بود که در برابر اضطراب اوضاعی که زنان در سراسر جهان دارند، فقط یک راه‌حل حقیقی رو به جلو و برای برون‌رفت از این شرایط وجود دارد. چون لزوماً وضع بد به تغییرات انقلابی ختم نمی‌شود و می‌تواند به فساد و تباهی و انحطاط منجر شود. به همین دلیل باید ایده‌ها و اندیشه‌های صحیح و انقلابی برای برون‌رفت از این شرایط را پیش گذاشت و به حداکثر به درون طیف وسیعی از زنان از اقشار و طبقات مختلف برد. امروزه مبارزه‌ی اصلی در دنیا جنگ بین ایده‌هاست و نحوه‌ی بردن آن ایده‌های صحیح به درون توده‌ها. بدون کار فکری منسجم و هدفمند و فعالیت بیرونی مستمر و متشکل در یک حرکت خلاف جریان این هدف متحقق نمی‌شود و جنبش خود به خودی زنان بدون تئوری علمی و دانش انقلابی و بدون تشکیلات ره به‌جایی نخواهد برد. سرمایه‌داری بدون وجود یک جنبش آگاهانه و انقلابی آلترناتیو، دائماً بازتولید می‌شود و هر بار مسأله‌ی ستم بر زن در درون آن با شدت بیشتر و اشکال عریان‌تری بازتولید خواهد شد. از این زاویه کار آگاه‌گرانه و انقلابی متشکل که بر جمع‌بندی‌های تعمیق یافته‌تر و علمی‌تر استوار است می‌تواند امکاناتی که در درون این شرایط وجود دارد را شکوفا نماید و نیروی اعتراضی درون جنبش زنان را به یک جنبش انقلابی برای تغییر ریشه‌ای مبدل نماید. این اضطراب و پاسخ به این اضطراب پایه و جهت اصلی وظایف ما را روشن می‌کند.

در این بخش مباحث جانبی دیگری مثل رابطه‌ی بین جنبش زنان و جنبش کمونیستی و جنبش کارگری و سایر جنبش‌های اجتماعی و ... و جایگاه فمینیسم هم به میان آمد و از دیدگاه‌های مختلف به آن برخورد شد، بحث‌هایی که گاهی زاویه‌دار یا تقابلی بودند و اتفاقاً مورد استقبال جمع قرار گرفت، چون معتقدیم این چالش‌ها باعث رشد فکری شده و زمینه‌ی بحث‌های عمیق‌تر و مبارزات نظری آتی را فراهم می‌نماید.

عقب‌تر رفته است اما بنا به گفته‌های ارگان‌های رسمی خودشان خشونت بر زنان به شدت تعمیق یافته و نهادینه شده است.

در مقابل جنبش زنان ایران که عمدتاً به شدت فارس - محور است نه تنها به جنبش زنان ملل دیگر در ایران هیچ وقعی نگذاشته است، بلکه به زنان مهاجر افغان مطلقاً توجهی نداشته است. زنانی که علاوه بر فرودستی جنسیتی، مهاجر، آواره و به شدت فقیر بوده‌اند. زنان افغان در ایران ستم‌دیده‌ترین ستم‌دیدگان هستند. اگر جنبش زنان ایران، شوونیسم فارس ساختاری درون جمهوری اسلامی را افشا نکند، نمی‌تواند ادعای مترقی بودن یا حتی ادعای مبارزه علیه ستم بر زن را داشته باشد. این قطعنامه به درستی نه تنها با شوونیسم ساختاری جمهوری اسلامی ایران بلکه با افغان‌ستیزی و فارس - محوری درون مردم نیز مرزبندی می‌کند و تأکید دارد که یکی از مبارزات جنبش زنان ایران باید مبارزه با اشکال مختلف افغان‌ستیزی باشد.

در افغانستان هم زنان علاوه بر مواجه با جمهوری اسلامی افغانستان با سایر نیروهای واپس‌گرا و هم‌چنین تفکرات واپس‌گرایانه‌ی درون مردم نیز مواجه‌اند. به آتش کشیدن بدن فرخنده هشدار به تمام زنان افغانستان بود تا اعلام کنند اگر از مرزهای سیستم پدر/مردسالارانه‌ی مذهبی عبور کنید، تنبیه سختی خواهید شد.

اهمیت قطعنامه‌ی بخش افغانستان صرفاً در توجه و اهمیت مبارزات جنبش زنان در افغانستان نیست، بلکه اهمیت این مبارزه در ایران هم هست. چون اولاً بیشترین مهاجرین و فرودست‌ترین مهاجرین جامعه‌ی ایران افغان‌ها هستند و از طرف دیگر در جابه‌جایی جمعیت افغانستان در طی این سال‌ها کماکان بیشترین تعداد از این مهاجرین افغان در دنیا، ساکن ایران هستند. زنان افغان به شکل مادی بخشی از جنبش زنان ایران هستند که کماکان به رسمیت شناخته نمی‌شوند. همین چند واقعیه‌ی اخیر و مؤخرترین آن موضوع تجاوز و قتل «ستایش» نشان داد که در بهترین حالت نگاه اکثریت جامعه‌ی ایرانی، فارس - محور و ترحم‌طلبانه است و حق مبارزه و خواست برابری برای زنان افغان در ایران حتی در دید «بخش مترقی» جامعه‌ی ایران و «جنبش زنان ایران» هم به رسمیت شناخته نمی‌شود. از این زاویه پرداختن به موضوع زنان مهاجر و تبعیدی افغان داخل ایران و همبستگی با این بخش موضوعی است که بیش از پیش باید به آن پرداخت. بخش انقلابی جنبش زنان ایران باید به سازمان‌دهی و متشکل کردن زنان افغان بپردازد؛ وظیفه‌ای که سال‌هاست سازمان زنان هشت مارس به دوش داشته اما باید این وظیفه در مقابل کلیت جنبش انقلابی زنان در ایران قرار بگیرد و برای مادیت بخشیدن به آن تلاش کند.

در بخش دوم قطعنامه‌ی پیشنهادی بخش ایران به بحث گذاشته شد. گفته شد که این قطعنامه آگاهانه وارد تحلیل از وضعیت درونی طبقه‌ی حاکمه ایران و یا روابطش با امپریالیست‌ها نشده است، چون پیش از این به تفصیل در قطعنامه‌های دیگر و یا بیانیه‌ها و ... به این موضوع پرداخته است و موضع‌گیری و تحلیل روشنی از این موضوع دارد؛ بنابراین زاویه‌ی دیگری را مدنظر قرار داده و به اوضاع زنان در ایران و کارکرد جمهوری اسلامی در این ۳۷ سال پرداخته است و با تفکر اصلاح‌طلبانه، فارغ از

جناح‌بندی‌های درون هیأت حاکمه ایران و مشخصاً این تفکر در درون جنبش زنان مجدداً مرزبندی کرده است. قطعنامه سعی کرده است که درک‌های علمی‌تر و عینی‌تری را - که از لزوم تغییرات بنیادی در جامعه در طی این سال‌ها به دست آورده - طرح نماید و از این زاویه وظیفه‌ی سازمان زنان هشت مارس را هم روشن نماید.

یکی از سوالات این بخش این بود که چرا در طی این ۳۷ سال تغییرات بنیادی به وقوع نپیوسته است؟! در پاسخ به این سوال عمدتاً به این پرداخته شد که امروزه در ایران اعتلای انقلابی وجود ندارد، البته به این معنا نیست که جنبش‌های خودبه‌خودی و ناراضی‌شدید عمومی در جامعه موجود نیست و یا این‌که اگر نیروهای انقلابی دائماً و بی‌وقفه کار انقلابی کنند به تغییرات انقلابی دست خواهیم یافت. برای این‌که فعالیت انقلابی آگاهانه در جامعه بتواند به تغییرات انقلابی منجر شود نیاز است که این فعالیت انقلابی با گسل‌های اجتماعی بزرگ که از دل ساختارها و روابط درون جامعه بیرون می‌زند، همراه و همساز شود. مثلاً در گسل سیاسی - اجتماعی سال ۸۸ در ایران یا مصر و تونس و ... اگر نیروی انقلابی از پیش فعالیت کرده و تدارک فکری و عملی دیده بود و با سازمان‌دهی انقلابی علنی و مخفی در سطوح و جنبش‌های گوناگون، در حین انتظار کشیدن بر سرعت و جهت اوضاع سیاسی تأثیر گذارده بود، می‌توانست از شرایط این گسل به نفع انقلاب و تغییرات ریشه‌ای در جهت منافع اکثریت استفاده کند. به‌طور خلاصه تسریع کردن در حین انتظار کشیدن وظیفه‌ی کلیه‌ی نیروهای انقلابی است و نه فقط جنبش زنان. به این معنا که باید در حین رصد کردن موقعیت‌های انقلابی که در درون کارکرد سیستم به وجود می‌آیند، حداکثر تدارک فکری و عملی را دید که در هنگام بروز وقایع بتوانیم تغییر جهت‌های انقلابی را ایجاد کنیم و این ضرورت یک‌شبه و خودبه‌خودی به وجود نمی‌آید.

قطعنامه تلاش داشت روشن کند که اگرچه تا پیش از این هم ما روی ضرورت کار متشکل و هدفمند تأکید داشتیم اما امروزه کار متشکل باید با یک افق و راستای روشن و انقلابی انجام بپذیرد. از این زاویه تأکیدمان بر کار هدفمندی است که می‌تواند اوضاع انقلابی مورد نظر ما را هم تسریع بخشد. درحالی‌که ما زنان هم بخشی از آن کل انقلابی هستیم - نه تمام آن - و وجود طبقات و ملیت‌ها، جنبش‌های اجتماعی و ... برای به وجود آوردن آن تغییرات ریشه‌ای ضروری است اما زنان برای به وجود آوردن آن وضعیت انقلابی نقش ویژه و مهمی دارند.

قطعنامه آگاهانه از موضوع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی صحبت می‌کند تا خط تمایز خود را با سایر نیروهایی که خواهان براندازی جمهوری اسلامی به روش‌های غیرانقلابی هستند هم روشن کند.

در این بخش که بحث‌های خلاق و چالشی خوب دیگری هم درگرفت مسایلی مانند مطالبات پایه‌ای زنان و جنبش سیاسی، نقش قوانین و تغییر قوانین، موضوع اهمیت ورود زنان به چرخه‌ی تولید و کار، اهمیت استقلال مالی زنان، انعکاس تفاوت منافع زنان طبقات مختلف در جنبش زنان و ... به میان آمد که گرایش‌های مختلف در آن به اظهارنظر پرداختند.



▲ سالن نشست نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس - ژوئن ۲۰۱۶

یکشنبه پنجم ژوئن:

مباحث این روز عمدتاً روی پیشنهادهای مطرح شده در مورد منشور و آیین‌نامه‌ی سازمان زنان هشت مارس متمرکز بود. از آنجایی که مجمع عمومی بالاترین ارگان این سازمان برای ایجاد این تغییرات است، همه‌ی شرکت‌کنندگان با دقت و حوصله روی نکات پیشنهادی هیأت مسئولین سابق و دیگر فعالین بحث کردند. البته این بحث هم بی‌چالش نبود و یکی از سؤالات این روز بر سر استقلال سازمان زنان هشت مارس از مردان و احزاب بود. یک دیدگاه معتقد بود که ورود مردان به‌عنوان حامی و پشتیبان، فرصتی برای آگاهی بیشتر مردان و پیش‌برد یک مبارزه‌ی متحد به وجود می‌آورد، اما دیدگاه اکثریت این بود که حفظ استقلال سازمان زنان هشت مارس از مردان جزو اصول پایه‌ای آن است و دلیل آن عدم توجه به آگاهی مردان به ستم بر زن یا تمایل به ایجاد جداسازی جنسیتی نیست. بلکه به‌عکس تضاد بین مرد و زن وجود دارد و در دنیایی که یکی از ارکان آن نابرابری جنسیتی زن و مرد است، این جداسازی برخلاف میل ما شکل گرفته است، حتی در بین طبقه کارگر و فرودستانی که خود تحت ستم طبقاتی و سایر ستم‌ها قرار دارند. تاریخ جنبش زنان نشان داده که چرا زنان علاوه بر مشارکت در سایر عرصه‌های مبارزه طبقاتی نیاز به تشکلاتی دارند که بتوانند نیروی فکری و عملی زنان را به روی مسأله‌ی رفع ستم جنسیتی متمرکز نمایند و کمترین امکان را برای بازتولید رابطه‌ی مسلط و ستم‌گرانه‌ی مرد بر زن ایجاد نمایند. حتی در درون تشکلات کمونیستی هم زنان تجربه‌ی

مجمع عمومی در پی دو بحث خلاق دو قطعنامه‌ی سیاسی را تصویب نمود: یکی در بخش ایران و دیگری در بخش افغانستان. هر دو قطعنامه نسبت به گذشته با روشنایی بیشتری نسبت به قطبی شدن هر چه بیشتر جهان در بین نیروهای واپس‌گرا یعنی رشد بنیادگرایی مذهبی و امپریالیست‌ها در جهان موضع‌گیری می‌کنند. بر بستر اوضاع عینی امروز که حاصل روابط درون جامعه است، بسیار روشن‌تر و علمی‌تر از گذشته اهمیت موضوع ضرورت انقلاب را توضیح می‌دهند. در این قطعنامه‌ها روی موضوع در هم شکستن خشونت علیه زنان به‌عنوان یک پدیده‌ی فراگیر و جهان‌شمول و راه‌حل جهانی آن تأکید ویژه شده است. این قطعنامه‌ها روشن کرده‌اند که برای پیشبرد این مبارزات ما با سایر نیروهای انقلابی، در عین حفظ استقلال وحدت و همبستگی داریم.

برنامه‌های آتی:

در این بخش با توجه به جمع‌بندی‌های درون بولتن و مباحث نشست، پیشنهادهایی که برای نحوه‌ی پیشبرد مبارزات آتی طرح شده بود به بحث گذاشته شد. نکات و پیشنهادهای خوبی طرح شد و توافقات اولیه‌ای صورت گرفت و یکی از فعال‌ترین مباحث این روز بود و همه‌ی دوستان در آن نقش فعال ایفا کردند؛ اما همه معتقد بودند که برای اجرایی کردن این طرح‌ها نیاز به زمان برای بررسی بیشتر و تعمیق مباحث و تدقیق راه‌کارهای عملی است.

جشن همبستگی:

آخرین برنامه روز دوم، جشن کوچکی بود که پس از یک روز طولانی بحث‌وجدل، بسیار به‌جا و لذت‌بخش بود. در یک جو شاد و جمعی صمیمی تلاش کردیم که از بودن در کنار هم انرژی بگیریم و با همراهی و شادمانی، آرزوهای بلندپروازانه‌مان را برای جهانی که انسان‌ها بتوانند در کنار هم شاد بودن و شاد کردن را بدون پیش‌فرض‌های نابرابر و غیرواقعی تجربه کنند، جشن گرفتیم. با آرزوی روزهای بهتر خواندیم، رقصیدیم، خندیدیم و یاد عزیزی که در جمع‌مان نیستند را هم با قدرت و نشاط زنده کردیم.

مردان نگاه ابراری ندارد، بلکه مردان می‌توانند داوطلبانه از سازمان ما حمایت نمایند.

در ضمن تأکید شد که در درون زنان نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و بعضی زنان متشکل و بعضی غیرمتشکل در احزاب هستند؛ اما یکی از اصول دمکراتیک این جمع این است که اتفاقاً اصراری ندارد که زنان هویت ایدئولوژیک - سیاسی و یا تشکیلاتی خود را نفی کنند. عضویت آن‌ها در احزاب، مانعی ندارد ولی در درون این تشکیلات باید بر اساس چارچوبه و اهداف آن حرکت کنند و نباید انتظار داشته باشند که برنامه‌ی احزاب‌شان را در درون سازمان زنان هشت مارس پیش برند؛ اما هر فردی می‌تواند و باید به حداکثر دیدگاه‌های خود را به میان بیاورد و بر سر آن مبارزه‌ی سیاسی سالم و دوستانه را به‌پیش برده و دیگران را با دیدگاه‌های خود متحد کند.

در پی این بحث و با مشارکت جمعی، منشور و آیین‌نامه‌ی سازمان زنان هشت مارس به‌روزرسانی و تصویب شد.

در بخش پایانی ابتدا پیام «جمعیت مبارزه برای آزادی زنان ایران» به نهمین نشست سازمان زنان هشت مارس قرائت شد که موجی از همبستگی مبارزاتی با خود به همراه داشت و دریچه‌ای رو به فعالیت‌ها و همکاری‌های آینده باز می‌کرد.

پس از آن عده‌ای از دوستانی که مدتی در سازمان زنان هشت مارس فعال بودند، درخواست عضویت دادند و با سخنان پرشور، پرامید و زیبایی‌شان، این انتخاب برای کار متشکل‌تر را اعلام نموده و اختتامه‌ی زیبایی برای این نشست رقم زدند. این دوستان روی نکاتی مثل نیاز به مبارزه‌ی متشکل، اهمیت این انتخاب و پذیرش مسئولیت در سطح بالاتر مبارزاتی، تبادل دانش و تجربه‌ی جمعی، نیاز به تئوری و عمل هم‌زمان برای ارتقا، پیوند دو نسل انقلابی، جهت صحیح مبارزاتی دادن به نیروی اعتراضی خودجوش و حسی، نگاه بلندمدت به مبارزه و تحقق منافع بلندمدت در مقابل خواست منافع کوتاه‌مدت و سهل‌الوصول، آموختن تجربه و عمل مبارزاتی و ... به‌عنوان دلایل این انتخاب اشاره کردند.

در پایان هیأت مسئولین جدید با نظر جمعی شرکت‌کنندگان انتخاب شدند تا خود را برای دور آتی فعالیت آماده نمایند.

روز یکشنبه پنجم ژوئن نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس، پس از سه روز بحث‌و‌جدل جدی و پی‌گیر در فضایی دوستانه و صمیمی و پرامید به پایان رسید. حضور زنان جوان و اعضای جدید با خود جوی از طراوت و امید و شور به همراه داشت و نویدبخش آینده‌ای پر بار و روشن بود؛ درحالی‌که در این سه روز از تمام فرصت‌های استراحت رسمی برای تحکیم روابط درونی‌مان نیز استفاده کردیم و ما از تمام دقایقی که بحث رسمی متوقف می‌شد استفاده کردیم تا با درگیری ذهنی و عملی، فردی و جمعی، تجربیات جدید و قدیم، سوالات، چالش‌ها، ناروشنی‌ها و انتقادات و... یک‌دیگر روبه‌رو شده و شناخت‌مان را از یکدیگر و مبارزه‌ی مشترک‌مان بالاتر ببریم. همه برای یک دور دیگر از مبارزات علیه روابط پدر/مردسالاری در جهان با هم مشارکت، مبارزه و تجدید عهد کردیم و با انرژی، امید، انگیزه و اتحاد در سطح بالاتری از هم جدا شدیم. ♦

سازمان زنان هشت مارس

ژوئن ۲۰۱۶

خط، روابط و متدهای عقب‌مانده و مردسالارانه را داشته و دارند که نیاز به مبارزه‌ای آگاهانه و دایمی در درون آن ساختار هم دارد. اما تشکلات زنان با تمرکز فکری، عملی و تشکیلاتی روی مسأله‌ی رفع ستم جنسیتی، فضا و امکانی را برای زنان ایجاد می‌کنند که تاریخاً از آن محروم بوده‌اند. با تأکید بر این موضوع که حضور و فعالیت زنان در تشکلات مستقل زنان مانع مشارکت یا حضور زنان در سایر عرصه‌های مبارزه‌ی سیاسی و طبقاتی نیست. در عین حال که ما برای زنان و مردان در سایر تشکلات مشترک‌شان برابری دمکراتیک قائل هستیم (که نیازی به دادن امتیازی به زنان یا مردان نیست) اما در عمل می‌بینیم که در آن تشکلات، مردان عمدتاً از امتیازات مردسالارانه برخوردار بوده و از آن استفاده کرده و می‌کنند.

اگرچه ما خواستار جداسازی جنسیتی نیستیم و مخالفتی هم با مبارزه‌ی مشترک با مردان نداریم، اما از سوی دیگر همه‌ی ما می‌دانیم که رابطه‌ی مسلط مرد بر زن که برخاسته از سیستم پدر/مردسالار حاکم است به سرعت در هر فضا و رابطه‌ای بازتولید می‌شود (مگر این‌که آگاهانه علیه آن مبارزه شود) و زنانی که در تشکلات زنان فعال هستند، عمدتاً از بازتولید این فضای فکری و عملی در حضور مردان ناراضی و حتی متفرد، بنابراین تشکیلات زنان باید بتواند چنان فضای فکری و عملی را ایجاد کند که زنان بتوانند انرژی خود را برای مبارزه رها کنند و ساختارهای مرسوم و عواملی مثل ترس از تحقیر، تمسخر، قضاوت شدن، نادیده شمرده شدن، کمبود دانش سیاسی یا اجتماعی، عدم اعتمادبه‌نفس و ... مانع فعالیت زنان نشود (با علم بر این‌که زنان هم می‌توانند روابط مردسالارانه را بازتولید کنند)؛ بنابراین تا زمانی که مسأله‌ی ستم جنسیتی و نابرابری جنسیتی وجود دارد تشکلات زنان فضایی برای ارتقای آگاهی، توانایی، مشارکت در تعیین سرنوشت و بالا بردن اعتمادبه‌نفس زنان است و آن‌ها را برای حضور پر قدرت‌تر در سایر عرصه‌های مبارزاتی یاری می‌رساند. تشکیلات زنان باید فضایی را ایجاد کند که زنانی که می‌خواهند صرفاً برای رفع ستم جنسیتی مبارزه کنند، بدون ترس و تردید از این‌که فعالیت‌های‌شان ناآگاهانه در خدمت به برنامه‌ی احزاب و جریان‌های سیاسی قرار بگیرد، مبارزه و فعالیت کنند؛ و متقابلاً انتخاب سیاسی زنان متشکل در احزاب هم باید به رسمیت شناخته شود تا با آرامش خیال بتوانند دیدگاه‌های حزبی خود در مورد رهایی زنان را به حداکثر به مبارزه بگذارند و از آن دفاع کنند.

علاوه بر این‌که مسلماً مردان آگاه همیشه می‌توانسته‌اند و می‌توانند از اهداف، خواسته‌ها و عمل‌کرد تشکلات زنان به حداکثر حمایت کرده؛ برای پیشبرد آن نقش بگیرند؛ و از آنان بیاموزند، اما یکی از پایه‌ای‌ترین اصول حمایت آن‌ها این است که استقلال تشکلات زنان را به رسمیت بشناسند و به حفظ آن یاری برسانند. به رسمیت شناختن این سازمان‌دهی برای مردانی که اتفاقاً نیاز دارند که امتیازات جامعه‌ی مردسالار را کنار بگذارند، نیز اهمیت دارد. نوع رابطه‌ی مردان با تشکلات مستقل زنان، به نوع فعالیت، سازمان‌دهی و آگاهی‌رسانی این تشکلات هم مربوط است چون با هیچ بند آیین‌نامه‌ای و تشکیلاتی نمی‌توان این تضاد را از بین برد. فقط با کار آگاه‌گرانه و مبارزاتی می‌توان مردان را هم به ستم جنسیتی آگاه کرد تا از آن گسست نمایند. تشکیلات ما به

پیام هیأت مسئولین

به نهمین مجمع عمومی سازمان زنان

هشت مارس (ایران - افغانستان)

نهمین مجمع عمومی سازمان زنان ۸ مارس، اولین مجمعی است که رفیق عزیزمان آذرا با خود نداریم، بایاد او و به احترام زندگه پربارش یک دقیقه دست می‌زنیم!



تریسه چاپمن

چرا؟ چرا نوازادان از گرسنگی می‌میرند؟
و حتی که برای سیر کردن دنیا نان کافی هست؟
چرا با این که هستیم و بیاییم، کنی هنوز تنها می‌ماند؟
چرا موشک‌های جنگی را پاسدار صلح می‌ماند.
و حتی که برای کشتن نشانه‌ها می‌ماند؟
چرا زن حتی در خانه‌اش در امان نیست؟
در این دنیا هیچ چیز وارونه است.
و حتی می‌گویند عشق یعنی نفرت،
و حتی می‌گویند صلح یعنی جنگ،
آری، یعنی نه!
با این حساب همه ما آزاریم.
اما به زودی زود کنی به این پرش‌ها باید پاسخ دهند.
کنی از دل این پرش‌ها و تضادهای حقیقت را جستجو می‌کنند.
به زودی زود چنین می‌شود.
روزی که چشم بنگان، چشم بندهایشان را بردارند؛
و آنان که از گفتن محروم مانده‌اند، حقیقت را به زبان آورند.

امروز گردآمده‌ایم تا به یاد میلیاردها زنی که هرروز زیر چرخه‌ی هولناک و بی‌رحم سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی پدر/مردسالار خرد و نابود می‌شوند، به یاد میلیون‌ها زنی که دهشت قرون وسطایی بنیادگرایان مذهبی و واپس‌گرایان ضدزن را لحظه‌به‌لحظه با گوشت و پوست‌شان لمس می‌کنند و خشونت تجاوز، تجاوز گروهی، تجاوز در میدان‌های جنگ، اسارت و حراج جنسی، تجاوز در زندان، همسر آزاری، دخترکشی، تهدید به قتل، اسیدپاشی، سنگسار، ازدواج اجباری، فرزند فروشی، فرزندکشی، خودکشی، خودسوزی، کتک، ناقص‌سازی جنسی، بکارت، قتل ناموسی، پارگی واژن، آزارهای خیابانی، ساعات ناامن، مکان‌های ناامن، داد و ستد بدن زن، تن‌فروشی، خشونت دولتی، خشونت خانگی، خشونت اجتماعی، آزار جنسی در محل کار، بدنام کردن، تهدید و تخریب اینترنتی، برقع، پورنوگرافی، حجاب اجباری، ناموس، شرم و حیا، تبعیض ووو را نه نظاره بلکه زندگی می‌کنند، به یاد هزاران زنی که صرفاً به خاطر «زن» بودن زندگی‌شان تباه شد، به یاد سحرها، ریحانه‌ها، آمنه‌ها، مرواریدها، ستایش‌ها، فرخنده‌ها، فرینازها و نداها و ... که سهم‌شان از زندگی زشت‌ترین و خشن‌ترین وجوه نمایش قدرت مردان مردسالار بود،

به یاد میلیون‌ها زن که این همه دهشت و فرودستی را برنمی‌تابند و مردسالاری را در همه‌جا به چالش می‌کشند، از پستوهای زندانی که خانه می‌نامندش تا زندان‌هایی که قانوناً و شرعاً آزادی‌شان را به بند می‌کشد،



به یاد هزاران جان‌باخته‌ی دهه‌ی ۶۰ و تابستان ۶۷ که در دفاع از منافع مردم مرگ سرخ را پذیرا شدند، به یاد میلیون‌ها زنی که لحظه‌ای حجاب اجباری را برنتافتند و شجاعانه هرروز بیشتر از دیروز این نماد فرودستی و حقارت و این پرچم اسلام سیاسی که بر بدن زنان به اهتزاز درآمده را به سخره گرفته و بی‌اعتبار کردند.

به یاد میلیون‌ها زنی که سایه‌ی سیاه داعش و دیگر مرتجعین منطقه زندگی‌شان را تیره‌تر کرده، اما با امید به تغییر این شرایط سراسر دهشت، نماد امید و استواری‌اند،

به یاد هزاران زنی که برای دفاع از حقوق فردی و جمعی خود جسورانه به جنگ با ارتش تا بن دندان مسلح به ایدئولوژی اسلامی و ارتجاعی داعش برخاسته‌اند و سلاح در دست گرفته‌اند،

به یاد هزاران زن شورشی، مبارز، انقلابی و کمونیست که آگاهانه و داوطلبانه بی‌ذره‌ای تردید زندگی خود را وقف آگاه‌گری و سازمان‌دهی مبارزه‌ی انقلابی زنان کرده و تا پای جان ایستادگی کردند،

به یاد زنانی که امروز اگر جسم‌شان در میان ما نیست اما بدون عزم راسخ، اراده‌ی پولادین، دانش، تجربه و تلاش بی‌وقفه‌ی آنان مبارزه‌ی زنان، پیشروی کنونی را نداشت،

به یاد زنانی که به نیروی رهایی‌بخش زنان در زیرورو کردن جامعه باور داشتند و این باور را زندگی کردند و امروز ما بر شانه‌های آنان ایستاده‌ایم، به یاد آذر و مینای سرخ‌مان که زندگی‌شان در تولد و حیات سازمان زنان هشت مارس تنیده شده و عزم راسخ و استواری و توان و اندیشه‌ها و رویاهای بلندپروازانه‌ی آن‌ها برای رهایی زنان و بشریت در لحظه‌لحظه‌ی حیات این سازمان و مبارزات انقلابی جنبش زنان در ایران و جهان امتداد یافته است،

نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس را آغاز می‌کنیم تا قدم عملی دیگری در راه متحقق کردن رویای جهانی بدون ستم و استثمار برداریم.

نهمین مجمع سازمان زنان را در شرایطی برگزار می‌کنیم که دو تن یاران وفادارمان که مجمع عمومی‌های گذشته با همت و حضور آنان شکل می‌گرفت را در میان خود ندارم.

مینا زن کمونیست و انترناسیونالیست و همراه خستگی‌ناپذیر زنان مبارز افغانستان که برای مبارزه با ستم و استثمار در این زمانه که گز کردن «خطر» و ضررها» معیار مبارزه را تعیین می‌کند، مبارزه را همچون اشعارش در زندگی جاری کرد و «مرگ را سرودی کرد سرزنده‌تر از زندگی». آذر شعله‌ای درخشان، مبارزی خستگی‌ناپذیر و زنی رؤیاپرداز که با توان علمی بالا و تجربه و دانش مبارزاتی که از دل مشارکت در مبارزه‌ی طبقاتی بی‌امان به دست آورده بود، تبدیل به یک کمونیست پی‌گیر در عرصه‌ی جنبش زنان شد که لحظه‌ای از ترویج راه رهایی زنان در میان توده‌های زن باز نمی‌ایستاد. از به چالش کشیدن هیچ نیرویی چه در زمینه‌ی فکری و چه عملی واهمه نداشت و ذهنش را چنان با بزرگ‌ترین سؤالات و درست‌ترین، علمی‌ترین و عمیق‌ترین راه‌حل در راستای رهایی بشر آمیخته بود که حتی بیماری و محدودیت جسمی هم نتوانست ذره‌ای پرواز ذهن و ترسیم راه دستیابی به رویاهای سرخش را مسدود کند. چنان خاضعانه و استوار هدایت سیاسی سازمان زنان هشت مارس را در دست داشت که در همه‌ی عرصه‌های مبارزاتی حضوری قدرتمند داشت. متقابلاً چنان استوار و محکم از منابع اکثریت زنان حتی در مقابل قوی‌ترین جریان‌های انحرافی و فعالین خودخوانده‌ی جنبش زنان دفاع می‌کرد توگویی این اکثریت را همین امروز در کنار خود دارد و این دولت‌ها و رسانه‌ها و ارتش‌های رنگارنگ و جریان‌های فکر پرآکنی جهانی و ... را نمی‌بیند، چون آذر از جنس زنان نسل آرمان‌گرایی بود که رویای ساخت جهانی بدون ستم و استثمار را داشتند و هرگز حاضر نشدند در مقابل نظام حاکم که سنگ بنایش فرودستی زنان و سلب حقوق اولیه‌ی آحاد مردم بود، تسلیم شوند؛ بسیاری سربدار شدند و بسیاری این آرمان‌ها را زندگی کردند.

نهمین مجمع سازمان زنان را در شرایطی برگزار می‌کنیم که بشریت یکی از دهشتناک‌ترین دوره‌های معاصر را در مقابل دارد. جهانی که در آن جنگ، کشتار، جنایت، تبهکاری، فساد، خشونت، ستم، تبعیض، بهره‌کشی، تخریب کره‌ی زمین و ... چنان روزمره و عادی شده که گویا بخشی «طبیعی» از زندگی روزانه‌ی ماست و این سرنوشت محتوم ماست.

از یک‌سو تلاش حکمرانان این است که از تمام ابزارهای دولتی، نظامی و رسانه‌ای و ... استفاده کنند تا ثابت کنند که اوضاع همیشه همین بوده و خواهد بود و راه برون‌رفتی از این شرایط جز مشارکت در این جنایات و دهشت‌ها چه با همکاری مستقیم و چه با سکوت و انفعال وجود ندارد. از دیگر سو بسیاری از نیروها چه در درون و چه بیرون از حکومت‌ها در تلاش‌اند تا ثابت کنند هر نوع مقاومت و مبارزه در مقابل این شرایط بی‌نتیجه است و راه‌گشایی وجود ندارد، جزء سکوت و انفعال و تحمل این شرایط تا مشمول زمان شود. تنها امکان موجود دست به دامن قدرت‌ها شدن، خواهش و درخواست کردن از ستمگران است تا یا از شدت ستم بکاهند و یا آن را در اشکال پنهان اعمال کنند.

در چنین شرایطی تشدید ستم بر زنان و خشونت روزافزون و افسارگسیخته بر زنان در گوشه گوشه‌ی این جهان چه معنایی دارد؟ هرچه انحطاط و فشار و بحران سیستم سرمایه‌داری جهانی پدر/مردسالار افزایش می‌یابد ستم بر زنان در نقاط مختلف به اشکال مختلف تشدید می‌یابد: از تشدید خشونت، پس گرفتن حقوق نیم‌بند و نداشتن ثبات شغلی و خدمات اجتماعی و افزایش سکسیسم در کشورهای غربی تا تشدید اشکال بدوی خشونت بر زنان مثل قتل ناموسی، اسیدپاشی و فروش و برده‌گی جنسی زنان. ♦

پیام جمعیت مبارزه برای آزادی زنان ایران به نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

با درود به حاضرین نهمین مجمع عمومی «سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)» از طرف رفقای «جمعیت مبارزه برای آزادی زنان ایران» برگزاری نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس را تبریک می‌گوییم. رفقای عزیز خسته نباشید.

سازمان زنان هشت مارس نمونه‌ای موفق از مبارزه آگاهانه، سازمان‌یافته از زنان چپ رادیکال و انقلابی است که علیه سیاست‌های سرمایه‌داری امپریالیستی پدر-مردسالارانه و هم‌چنین بنیادگرایی علیه زنان مبارزه می‌کند.

آشنایی زنان با ریشه‌های ستم بر زن، آگاهی زنان را بالا برده و متشکل شدن زنان، مقدمه حرکت‌های وسیع‌تر و گسترده شدن و توده‌ای شدن مبارزات آن‌هاست. مبارزاتی که تنها و صرفاً علیه ستم جنسیتی نیست. پیوستن زنان و دختران در جامعه به مبارزه برای برابری ضروری‌ست، به‌خصوص در جامعه ایران که هرروزه مبارزات همه‌جانبه اقشار مختلف با سرکوب جواب می‌گیرد، فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی دستگیر و شکنجه شده و احکام زندان و شلاق می‌گیرند. اتحاد مبارزات کارگران، معلمین، زنان و سایر اقشار اجتماعی روزبه‌روز ضرورت بیشتری می‌یابد.

افشاگری زنان چپ و کمونیست در مورد سرمایه‌داری، مذهب و لیبرالیسم مبنایی شد برای همکاری ما با سازمان زنان هشت مارس و از این زاویه توانسته‌ایم دیدارها و جلسات برای نزدیک شدن بیشتر به یکدیگر داشته باشیم، اولین نشست زنان چپ و کمونیست سال ۲۰۱۲ در فرانکفورت و دومین نشست در ۲۰۱۳ در استکهلم تلاشی بود در این راستا.

با توجه به اوضاع عمومی جهان و تشدید توحش سرمایه و بنیادگرایی بخصوص علیه زنان ضرورت همکاری بین نیروهای چپ و کمونیست بیشتر احساس می‌شود.

ما برای انقلاب مبارزه می‌کنیم و این انقلاب به‌جز به دست زحمتکش‌ترین و ستمدیده‌ترین طبقه تحت ستم به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در راه این دگرگونی، همه نیروهای چپ و کمونیست از زن و مرد باید متحدانه مبارزه کنند. باشد که همکاری ما با سایر زنان معترض و انقلابی دنیا کمکی باشد به غنی‌تر شدن آگاهی و شیوه سازمان‌یابی زنان انقلابی زنان خانه‌دار و زحمتکش و گامی باشد در نزدیک‌تر شدن‌مان به انقلاب که سرنگونی جمهوری اسلامی تنها آغاز بنا نهادن جامعه آزاد و برابر است.

تلاش زنان لیبرال و رفرمیست برای تغییر قوانین بوده اما کار ما بسیار سخت‌تر است. ما با قدرت‌های تا به دندان مسلح دیکتاتور درگیریم و باید آن‌ها را به زیر بکشیم. ما باید متحدین خود را در میان انقلابیون جستجو کنیم.

به همین دلیل به همکاری بین‌المللی و حمایت همه نیروهای رادیکال معتقدیم و مرزبندی مشخص با مدعیان رفرمیست در جنبش زنان از ائتلاف انرژی زنان انقلابی جلوگیری می‌کند.

ما خود را در کنار شما می‌بینیم و برای مبارزات مشترکمان موفقیت روزافزون آرزو می‌کنیم. ♦

مستحکم باد همبستگی زنان انقلابی

جمعیت مبارزه برای آزادی زنان ایران

۳ ژوئن ۲۰۱۶

تصویر چنین صحنه‌ی تیره و تاری که در واقعیت به‌غایت دهشتناک‌تر است اما به معنای این نیست که تاریکی مطلق حاکم است. درست در همین شرایط است که می‌توان از دل تاریکی محض روزنه‌های روشنی یافت. تاریخ مبارزه نشان داده است که همیشه در شرایطی که اوضاع کاملاً پیچیده و لاینحل به نظر می‌رسد، کسانی پیدا خواهند شد که روزنه‌های تغییر را می‌یابند. کسانی که به دنبال سؤالات بزرگ هستند و از یافتن پاسخ‌های حقیقی واهمه‌ای ندارند، کسانی که می‌توانند با دستیابی به علل ریشه‌ای با درکی انقلابی اوضاع پیچیده را درک کرده و مکانیسم‌های تغییر را به کار ببندند.

بله! از دل همین شرایط معوج و دهشت‌بار زنان، امکان تغییرات بزرگ و زیر و رو کردن روابط ستمگرانه و استثمارگرانه در جهت رهایی زنان، بیرون خواهد آمد؛ اما برای دستیابی به چنین راه‌حلی باید به تمام توان مادی و علمی، به دستاوردهای درون جنبش زنان و جنبش انقلابی تکیه کنیم. باید بتوانیم بهترین و صحیح‌ترین و علمی‌ترین جمع‌بندی‌ها از تجربه‌ی مبارزات زنان و مردم در سراسر جهان را به کار بندیم تا بتوانیم گامی محکم در جهت خلق جهانی دیگر برداریم. شاید سختی و پیچیدگی اوضاع، قدرت و بی‌رحمی حکمرانان مردسالار در تخریب جهان و ضعف و انفعال نیروهای انقلابی در تمام عرصه‌های مبارزه‌ی طبقاتی و در درون جنبش انقلابی زنان احساس ضعف و ناامیدی و انفعال را تقویت کند، اما نباید فراموش کنیم که قدرت واقعی ما در حقیقتی است که در دست داریم و در حقانیت راهی‌ست که برمی‌گزینیم و اکثریت را به منافع‌شان آگاه و مبارزه‌ی انقلابی برای آن را سازمان‌دهی می‌کنیم. در این راه یک نیروی کوچک اما مصمم هیچ راهی جز خلاف جریان رفتن ندارد تا جایی که بتوانیم جریان آب را برگردانیم.

مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس تلاشی است تا با اتکا به توان جمعی‌مان گامی مؤثر برداریم هم در جهت جمع‌بندی حداکثری از آنچه از سر گذرانده‌ایم و هم حداثی راه دشوار و امیدبخشی که در پیش داریم. هیأت مسئولین سازمان زنان هشت مارس تلاش کرد تا با استفاده از تمام امکانات و توان سازمان شرایطی را فراهم آورد تا امروز ما جمعی از زنان مبارز و انقلابی در کنار هم بنشینیم و برای ترسیم افق‌های بلندمان در خدمت به راه‌اندازی جنبش انقلابی در جهت سرنگونی رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی و راه رسیدن به آن هم‌فکری و همراهی کنیم. امید که این مجمع بتواند توان انفجاری ما زنان را در خدمت به این هدف بزرگ آزاد نماید و هرکدام از ما بتوانیم به بار این مجمع بیفزاییم. ♦

سوم ژوئن ۲۰۱۶ / ۱۴ خرداد ۱۳۹۵



گزیده‌ای از

بولتن

ویژه‌ی نهمین مجمع عمومی

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

ویژه‌ی نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس

گزیده‌ای از بولتن داخلی تدارک برای نهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس را از این جهت در اختیار خواننده‌گان نشریه‌ی هشت مارس قرار می‌دهیم که بتوانند خطوطی که به‌طور فشرده از چندین سال فعالیت این سازمان و هم‌چنین آنکه بر پیشرفته‌ترین ایده‌های انقلابی سنن شده است را به بحث و گفتگو بگذارند و از این طریق به‌گترده شدن ایده‌های انقلابی در خدمت به‌رهای زنان یاری رسانند.

هشت مارس

کارزار سه‌روزه ضد انتخاب جمهوری اسلامی

/ جولای ۲۰۱۳:

پیش‌برد «کارزار سه‌روزه ضد انتخاب جمهوری اسلامی» در سال ۱۳۹۲ در مقابل نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، یکی از درخشان‌ترین مبارزاتی است که سازمان زنان هشت مارس انجام داد. چراکه به جرأت می‌توانیم بگوییم که این سازمان به‌طور متشکل و هدفمند مبارزه‌ای را سازمان‌دهی کرد که هیچ بخشی از اپوزیسیون مرفی سرنگونی‌طلب در خارج از کشور، این چنین به پای افشای ترندهای انتخاباتی رژیم نرفتند. برگزاری این آکسیون سه‌روزه‌ی مرکزی در بلژیک (تورنتو و اسلو در حمایت) علیه انتخابات باعث شد که برخی نیروهای منتسب به چپ اعلام کنند که «سازمان زنان هشت مارس آبروی جنبش را با این حرکت خرید» چون هیچ مبارزه‌ی بیرونی متمرکز و سازمان‌یافته‌ای به این شکل در اپوزیسیون انجام نشد. ما یک‌بار دیگر نشان دادیم که یک نیروی کوچک اما مصمم و با خط و هدف روشن می‌تواند مبارزات مؤثری را علیه وضع موجود و خلاف جریان حاکم سازمان‌دهی کند.

فعالیت‌های سراسری:

پیش‌برد فعالیت‌های گوناگون توسط واحدها در شهرها و کشورهای گوناگون در ۵ سال گذشته در صحنه‌ی بیرونی، در جو منفعل کنونی، این سازمان را به‌عنوان یک تشکل جدی، پی‌گیر، انقلابی و صاحب‌نظر طرح کرده است. متأسفانه ما تنها تشکل سازمان‌یافته و سراسری زنان در خارج از کشور هستیم و معنای آن برای ما، مسئولیت به‌مراتب بیشتری است که بر عهده داریم. در دوره‌ای که صف‌ها بیش از گذشته مخدوش شده‌اند و بسیاری از دار و دسته‌های سرکوب‌گر و نزدیک به رژیم و ... به‌عنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی معرفی می‌شوند، در دوره‌ای که هرروز تعداد زنان مبارز و فعال در حوزه‌ی زنان تحت عناوین گوناگون کم می‌شود، در دوره‌ای که بسیاری از نیروهای منتسب به چپ در بحران فکری و عملی به سر می‌برند، در دوره‌ای که هم و غم مرتجعین رنگارنگ ملی و بین‌المللی این است که خود را تنها آلترناتیو معرفی کنند، تلاش ما این بوده است که به‌عنوان یک نیروی کوچک اما با نظری روشن، افقی بلند و دیدی گسترده بتوانیم گام‌های سنجیده‌تری را در مقابله با دو نیروی واپس‌گرا و تبلیغ و ترویج راه انقلاب بیش از گذشته در صحنه بیرونی بر عهده گیریم و از این طریق بتوانیم هر چه گسترده‌تر به اشاعه‌ی نظراتمان در بین مردم مرفی این کشورها پرداخته و هم‌چنین گام‌های مؤثرتری برای بسیج و متشکل کردن زنان برداریم. پیش‌برد این وظیفه می‌تواند به درجاتی به مردم مرفی و آزادی‌خواه در این کشورها نشان دهد که نیروی دیگری در صحنه وجود دارد که برای جهانی بدون ستم و استثمار مبارزه می‌کند و آن تصویری که رسانه‌ها از جنبش زنان باز می‌نمایند که گویا فمینیست‌های اسلامی و یا اصلاح‌طلب تنها نیروی حاضر در صحنه هستند، واقعی نیست. این رویکرد ما تا به امروز توانسته است به درجاتی جنبش زنان و نیروهای مرفی این کشورها را متوجه اهداف ما نموده و حمایت آن‌ها را جلب نماید. هرچند در قیاس با ضرورت پیش رو نیاز به تلاش و گستره‌ی بیشتری داریم.

در پنج سال گذشته با وجود تمام محدودیت‌ها و مشکلات، فعالیت‌های بیرونی ما به‌قدری گسترده بوده است که امکان طرح و جمع‌بندی تمام آن‌ها در این سند وجود ندارد اما با طرح چند نمونه‌ی برجسته تلاش شده تا نقش و جایگاه، نحوه‌ی امتداد و ارتقای آن را ترسیم نماییم:

مبارزه علیه سفر روحانی به اروپا / ژانویه ۲۰۱۶:

یکی دیگر از مبارزاتی که توانست به درجات زیادی تأثیر مثبت و ماندگار خود را در صحنه‌ی پر آشوب کنونی بر جای بگذارد، اعتراض به سفر روحانی به اروپا بود. ما در صحنه‌ی مبارزه علیه این سفر نشان دادیم که یک نیروی متشکل و آگاه زنان می‌تواند صحنه‌ی اعتراض و مخالفت با یکی از سردمداران رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی را به مراتب رادیکال‌تر کند و موضعی را پیش‌گازد که به‌درستی حقیقت را از جوانب گوناگون آن طرح کند. پیش‌برد هدفمند و درست مبارزه‌ی ما توانست هم در درون جنبش و هم در همان صحنه‌ی مبارزه شور و شوقی را در دل مردم شرکت‌کننده خصوصاً زنان ایجاد کند. در این پروسه، علاوه بر شعار صحیح، کار سیاسی و آمادگی جمعی، پیش‌برد جلسات پالتاکی و ... به‌عنوان مثال می‌توان به تأثیرات پیام سازمان زنان که یکی از فعالین آن را ارائه داد، اشاره کرد. تأثیر آن پیام باعث انعکاس سریع آن در فیس‌بوک یکی از زنان شرکت‌کننده (از یک سازمان زنان دیگر) شد. در عرض کمتر از بیست و چهار ساعت نزدیک به سه هزار نفر در فیس‌بوک روی این سخنرانی کلیک کرده بودند و این خود نشانی کوچک از حساس بودن این‌گونه مبارزات و نقش برجسته زنان در آن بود. ارتباط برخی زنان از داخل و اظهار این نکته که «شما صدای ما هم در این عمل بودید» خود نشان‌گر این است که ما به‌درستی اعلام کردیم که ما صدای میلیون‌ها زنی هستیم که خواهان سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی‌اند.

آکسیون سراسری اعتراض به اعدام ریحانه / اکتبر ۲۰۱۴:

از دیگر فعالیت‌هایی که به‌درستی و به‌طور سراسری از جانب ما در صحنه‌ی بیرونی پیش برده شد، آکسیون‌های اعتراضی در رابطه با اعدام ریحانه جباری بود. ما به‌درستی اعلام کرده بودیم که: «بر هیچ فرد مبارز و آزادی‌خواهی پوشیده نیست که مبارزه برای نجات جان ریحانه مبارزه با تجاوز است. مبارزه با قانون قرون‌وسطایی «قصاص» و اعدام است. مبارزه با رژیمی است که بر پایه‌ی فرودستی زنان، اسلامی بودن خود را ثابت می‌کند. مبارزه با کلیه‌ی قوانین زن‌ستیز و مجازات‌های اسلامی است. آری! مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدزن جمهوری اسلامی و تغییر افکار مردم جز با مبارزه علیه کلیه‌ی قوانین سرکوب‌گرانه‌ای که فرودستی نیمی از جامعه را جزو لاینفک خود قرار داده است، میسر نیست.»

رژیم قصد داشت که با اعدام ریحانه، هرگونه مقاومت و مبارزه‌ی زنان در برابر تجاوز، خصوصاً تجاوز مردانی که به‌نوعی در خدمت این رژیم قرار دارند را سرکوب کند. اعتراض ما برای نجات جان ریحانه در بین مردم در کشورهای مختلف اگرچه جلوی این اعدام را نگرفت، اما توانست به درجاتی در افشای این رژیم نقش بازی کند.

هشت مارس
بولتن داخلی
ویژه‌ی نهمین مجمع عمومی
سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)



رهایی زنان تنها به دست خودشان تحقق خواهد یافت!
رهایی زنان به دست خود زنان فقط یک شعار نیست!
ارزش این شعار در تحقق معنای آن است!
متحد و متشکل شویم!

زنان بدون انقلاب رها نخواهند شد.
هیچ انقلابی بدون زنان ممکن نیست!



سازمان زنان هشتاد مارس

نمایش مونولوگ واژن

هشتاد مارس

واژن من، دهکده من

موجولی که تنگست

چون دوست داشت تکلمش کند

سپیل

▲ نمایش مونولوگ واژن - ژوئن ۲۰۱۳ پاریس - آدرس این نمایش در یوتیوب:
<https://www.youtube.com/watch?v=W1f6KU-ToPM>

اجرای نمایش «مونولوگ واژن» اثر او انسلر/ژوئن ۲۰۱۳:

اگرچه درگذشت دو تن از فعالین سازمان زنان هشتاد مارس (رفقا آذر درخشان و مینا حق شناس) ضربه‌ی سخت و دردناکی به مجموعه‌ی ما وارد کرد اما با تمام توان تلاش کردیم، تسلیم غم و اندوه نشده و حتی این لحظات سخت را هم تبدیل به صحنه‌ای مبارزاتی کرده و نقاط عطف زندگی این رفقا در مورد مسأله‌ی زنان و تلاش‌شان برای گسست‌های بزرگ در زندگی سیاسی و شخصی به‌عنوان یک زن انقلابی را برجسته سازیم. خصوصاً در مورد رفیق آذر که تلاش کردیم علاوه بر یک برخورد خلاف جریان به مقوله‌ی مرگ و فرهنگ عزا و ... تحت عنوان «جشن یک زندگی درخشان» از او یاد کنیم و در اولین سالگرد درگذشت او با به صحنه بردن تئاتر «تک‌گویی واژن» اثر زیبای او انسلر بازهم با خلاقیت، تابوشکنی و خلاف جریان رفتن و با جسارت تمام برای اولین بار به زبان فارسی (به‌صورت رسمی و علنی) این تئاتر را به اجرا درآوردیم.

فعالین و دوست‌داران سازمان زنان هشتاد مارس، تجربه‌ی زیادی در این زمینه نداشتند اما با جدیت، تلاش و جسارت یک اثر درخور هنری با مضمون مبارزاتی در جنبش زنان خلق کردند. این کار علاوه بر گرمی‌داشتن رفیق عزیزمان، گامی برای ارتقای جنبش زنان و جسارت بخشیدن در طرح موضوعات تابوشکنانه بود.

فعالیت‌های سراسری

برگزاری روز جهانی زن

مارس ۲۰۱۶	- انگلستان / بلژیک / کانادا / آلمان: برمن - دوسلدورف / هلند
مارس ۲۰۱۵	- انگلستان / بلژیک / کانادا / آلمان: برمن - دوسلدورف / هلند
مارس ۲۰۱۴	- انگلستان / نروژ / بلژیک / آلمان: برمن - دوسلدورف / هلند / کانادا
مارس ۲۰۱۳	- انگلستان / بلژیک / فرانسه / نروژ / آلمان: برمن - دوسلدورف / کانادا
مارس ۲۰۱۲	- انگلستان / کانادا / بلژیک / آلمان: برمن - دوسلدورف / هلند / نروژ
مارس ۲۰۱۰	- انگلستان / بلژیک / فرانسه / آلمان: برمن - دوسلدورف / هلند / کانادا

برگزاری روز مبارزه علیه خشونت بر زنان

نوامبر ۲۰۱۵	- انگلستان / بلژیک / هلند / آلمان: برمن - دوسلدورف / کانادا
نوامبر ۲۰۱۴	- انگلستان / بلژیک / آلمان: برمن - دوسلدورف / هلند / کانادا
نوامبر ۲۰۱۳	- انگلستان / بلژیک / آلمان: برمن - دوسلدورف / هلند / کانادا
نوامبر ۲۰۱۲	- انگلستان / بلژیک / فرانسه / آلمان: برمن - دوسلدورف / هلند / کانادا
نوامبر ۲۰۱۱	- انگلستان / بلژیک / هلند / آلمان: برمن - دوسلدورف / کانادا

روز جهانی کارگر

می ۲۰۱۵	- انگلستان / کانادا / آلمان / هلند / بلژیک
می ۲۰۱۴	- انگلستان / کانادا / آلمان / هلند / بلژیک
می ۲۰۱۳	- انگلستان / کانادا / آلمان / هلند / بلژیک
می ۲۰۱۲	- انگلستان / کانادا / آلمان / هلند / بلژیک
می ۲۰۱۱	- انگلستان / کانادا / آلمان / هلند / بلژیک

به مناسبت قتل عام زندانیان سیاسی دهه ۶۰

سپتامبر ۲۰۱۵	- انگلستان / آلمان - برمن - دوسلدورف / هلند / بلژیک
سپتامبر ۲۰۱۴	- انگلستان / آلمان - برمن - دوسلدورف / هلند / بلژیک
سپتامبر ۲۰۱۳	- انگلستان / آلمان - برمن - دوسلدورف / هلند / بلژیک
سپتامبر ۲۰۱۲	- انگلستان / آلمان - برمن - دوسلدورف / هلند / بلژیک
سپتامبر ۲۰۱۱	- انگلستان / آلمان - برمن - دوسلدورف / هلند / بلژیک

مراسم یادبود رفیق آذر درخشان و مینا حق شناس

- مراسم یادمان آذر درخشان در پاریس
- مراسم خاکسپاری رفیق آذر درخشان
- انگلستان / آلمان: برمن - فرانکفورت / بلژیک / هلند / کانادا
- شرکت در مراسم یادمان رفیق مینا حق شناس
- شرکت در مراسم خاکسپاری رفیق مینا حق شناس

اعتراضی به سفر روحانی به پاریس

آکسیون در مقابل قصرهای «امن» ارتجاع، کاخ الیزه / مقابل مجلس سنا / نمایش دیواری شبانه
حمایت از تظاهرات سازمان زنان هشت مارس علیه سفر روحانی به فرانسه در تورنتو
ژانویه ۲۰۱۶

کارزار سه‌روزه ضد انتخاب جمهوری اسلامی

- کارزار سه‌روزه ضد انتخاب جمهوری اسلامی در بروکسل ۱۲-۱۳ و ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳
- تظاهرات علیه مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری در تورنتو
- آکسیون ضد انتخابات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اسلو (نروژ) ژوئن ۲۰۱۳

اعتراض به اعدام ریحانه جباری

- انگلستان/بلژیک/آلمان: برمن- دوسلدورف/هلند/ کانادا

جلسه‌ی بحث و گفت‌وگوی پالتاکی

- اعتراض به سفر روحانی به پاریس
- خشونت و تجاوز جنسی به زنان در آلمان
- چرا باید متحد علیه سفر روحانی، به اروپا اعتراض کنیم؟
- قتل وحشیانه فرخنده: بازتاب تفکر بنیادگرایان زن‌ستیز
- انتخابات و کارزار سه‌روزه علیه آن
- اوضاع کنونی انتخابات و زنان
- مردسالاری زیربنای خشونت علیه زنان است

شرکت در سمینارها و کنفرانس‌ها

- سمینار سالانه‌ی تشکل‌های مستقل زنان و زنان دگر و همجنس‌گرای ایرانی / کلن
- کنفرانس فمینیست‌های لندن
- بیست و ششمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران / لندن
- کنفرانس بین‌المللی «قدرت نقد: جریان مارکسیسم - فمینیسم» / برلین
- دومین نشست زنان چپ و کمونیست
- بیست و چهارمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران / کلن
- کنفرانس سالانه ماتریالیسم تاریخی/ لندن
- اولین نشست زنان چپ و کمونیست
- بیست و دومین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران / هلند

مصاحبه‌ها

- مصاحبه‌ی فریبا امیرخیزی با کانال تلویزیونی چشم‌انداز علیه سفر روحانی به اروپا
- آوریل ۲۰۱۶
- مصاحبه‌ی فریبا امیرخیزی با رادیو صدای زنان
- مارس ۲۰۱۶
- مصاحبه‌ی فریبا امیرخیزی با کانال تلویزیونی چشم‌انداز علیه سفر روحانی به اروپا
- ژانویه ۲۰۱۶
- مصاحبه‌ی آناهیتا رحمانی با رادیو پیام پیرامون قتل فرخنده نمادی از تحجر و ستیزه‌گری دینی
- مارس ۲۰۱۵
- مصاحبه‌ی فریبا امیرخیزی با رادیو صدای زنان
- نوامبر ۲۰۱۴
- مصاحبه‌ی آناهیتا رحمانی با رادیو پیام پیرامون انقلاب اکتبر؛ مسئله زنان؛ دستاوردها و ضعف‌ها
- نوامبر ۲۰۱۳
- مصاحبه‌ی آناهیتا رحمانی با کانال تلویزیونی چشم‌انداز پیرامون نقش زنان در جنبش کارگری
- می ۲۰۱۳
- مصاحبه‌ی فریبا امیرخیزی با کانال تلویزیونی چشم‌انداز پیرامون انتخابات در ایران
- می ۲۰۱۳
- مصاحبه‌ی آناهیتا رحمانی با رادیو پیام پیرامون جنبش زنان و برهنگی اعتراضی
- مارس ۲۰۱۳

- مصاحبه‌ی آناهیتا رحمانی با رادیو پیام پیرامون خشونت علیه زنان
- ژانویه ۲۰۱۳
- مصاحبه‌ی آذر درخشان با رادیو همبستگی پیرامون حکم سنگسار سکینه آشتیانی
- دسامبر ۲۰۱۱
- مصاحبه‌ی آذر درخشان با افق برابری (پرسش و پاسخ) در مورد موقعیت زنان
- نوامبر ۲۰۱۱
- مصاحبه‌ی آذر درخشان با جمشید گلمکانی درباره‌ی کمپین آزادی کبری رحمان‌پور
- آگوست ۲۰۱۱
- مصاحبه‌ی آذر درخشان با رادیو صدای زنان
- ژوئن ۲۰۱۱
- مصاحبه‌ی آذر درخشان با افق برابری / راهکارهای سوسیالیستی در جنبش رهایی زن- بخش دوم
- آگوست ۲۰۱۱
- مصاحبه‌ی آذر درخشان با افق برابری / راهکارهای سوسیالیستی در جنبش رهایی زن- بخش اول
- جولای ۲۰۱۱
- مصاحبه‌ی فریبا امیرخیزی با رادیو دمکراسی شورایی پیرامون مبارزات زنان در ایران و منطقه
- مارس ۲۰۱۱

فعالیت‌های محلی

- شرکت در کنسرت کنفرانس جهانی زنان در نپال / برمن
- فوریه ۲۰۱۶
- تظاهرات در حمایت از پناهندگان - انگلستان / بلژیک / آلمان: برمن
- سپتامبر ۲۰۱۵
- آکسیون علیه قتل شاهرخ زمانی - تورنتو
- سپتامبر ۲۰۱۵
- علیه تحرکات و قوانین پناهجوستیزانه در شهر هامبورگ - آلمان: برمن
- نوامبر ۲۰۱۵
- آکسیون اعتراضی علیه اعدام در ایران - تورنتو
- می ۲۰۱۵
- حمایت از مبارزات مردم کوبانی - انگلستان/ هلند / آلمان: برمن- دوسلدورف / بلژیک نوامبر ۲۰۱۴
- آکسیون علیه اسیدپاشی به زنان در ایران - انگلستان
- اکتبر ۲۰۱۴
- آکسیون علیه قانون زن‌ستیز شریعت در بریتانیا - انگلستان
- آوریل ۲۰۱۴
- حمایت از حق سقط‌جنین - بلژیک
- مارس ۲۰۱۴
- برگزاری آکسیون علیه سنگسار زنان - فرانکفورت
- دسامبر ۲۰۱۳
- حمایت از حق سقط‌جنین - بلژیک
- مارس ۲۰۱۵
- آکسیون اعتراضی در برابر سفارت ایرلند در بروکسل - بلژیک
- نوامبر ۲۰۱۲
- گردهمایی علیه حجاب اجباری در المپیک در لندن - انگلستان
- آگوست ۲۰۱۲
- آکسیون اعتراضی در حمایت از حقوق شهروندان افغان در ایران - انگلستان / کانادا / بلژیک / هلند
- جولای ۲۰۱۲
- آکسیون علیه دستگیری‌های فعالین کارگری در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا- کانادا
- جولای ۲۰۱۲
- حمایت از حق سقط‌جنین - بلژیک
- مارس ۲۰۱۲
- همبستگی با مردم افغانستان - فرانکفورت
- ژوئن ۲۰۱۱

حمایت از خیزش‌های «بهار عربی»

- آلمان: برمن / انگلستان / هلند / بلژیک / کانادا

جایگاه نشریه:

- نشریه‌ی سازمان زنان هشت مارس در طی سالیانی که انتشار یافته تلاش کرده است ابعاد گسترده‌ی فرودستی زنان را که رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی در ایران و افغانستان و امپریالیست‌های مردسالار به طرق گوناگون و در ابعادی به‌مراتب گسترده‌تر از گذشته بر زنان اعمال می‌کنند افشا نماید؛ تلاش کرده تا نشان دهد که اعمال این فرودستی چگونه بر زندگی میلیاردها زن تأثیر گذاشته و زندگی‌شان را به تباهی کشانده است. تلاش این بوده است که علل ریشه‌ای و روابطی که پایه‌ی این ستم و بی‌عدالتی است را به شکلی مؤثر و قانع‌کننده افشا نماید؛ تا بتواند نیاز به انقلاب از طریق سرنوینی رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی در ایران و افغانستان و قطع هرگونه دخالت امپریالیست‌های مردسالار در جهت برقراری یک جامعه‌ی نوین که هیچ شکلی از ستم و استثمار در آن نباشد را پیش گذارد.
- این نشریه وظیفه‌ی مهمی در رابطه با امر آگاهی انقلابی زنان بر عهده گرفته است. نشریه‌ی هشت مارس تلاش کرده است به موضوع ستم بر زن که نتیجه‌ی یک نظام طبقاتی پدر/مردسالار است، بپردازد و از این طریق یک رابطه‌ی دیالکتیکی بین آگاهی انقلابی و تحول واقعیت مادی ایجاد کند.

زنان خود به خود به آگاهی انقلابی دست پیدا نمی‌کنند. درست است که میلیون‌ها زن هرروزه در زندگی‌شان این ستم را تجربه می‌کنند و بسیاری‌شان به درجاتی علیه آن دست به شورش می‌زنند؛ اما آگاهی داشتن از علل و ریشه‌های ستم و چگونگی رفع آن می‌تواند توسط نشریه و فعالینی که به گرد آن فعالیت می‌کنند به میان توده‌های زن برده شود. باید در نظر داشته باشیم که در جامعه حتی آن دسته از زنانی که به انحاء مختلف علیه ستم بر زن و یا علیه ستم بر خودشان مبارزه می‌کنند و در برابر اجحافات و سرکوب‌گری‌های رژیم - مثل حجاب اجباری - مقاومت می‌کنند، اما به خاطر نداشتن آگاهی انقلابی و نشناختن راه برون‌رفت از این همه ستم، در مقابل نظریاتی که در برابرشان قرار می‌گیرند - هم از جانب گرایش‌های رفرمیست و لیبرال جنبش زنان و هم از جانب طبقه‌ی حاکمه و به‌طور کلی در برابر ایده‌هایی که در چارچوب نظام حاکم است - گیج و ره‌گم‌کرده می‌شوند و همین امر مانع اصلی تکامل‌شان می‌شود. وظیفه‌ی نشریه این است که بتواند این موانع را تا آن‌جا که می‌تواند شناسایی کرده و به شکلی قانع‌کننده آن را کنار بزند؛ تا از این طریق بتواند این دسته از زنان را درگیر مسائل عمده برای تغییر ریشه‌ای در موقعیت زنان بکند.

- نشریه‌ی هشت مارس نقش افشاگرانه و تبلیغی بر اساس یک جهت‌گیری انقلابی دارد، درعین‌حال نقش سازمان‌ده هم در سطح درونی و هم بیرونی را بر عهده دارد. قائل شدن به چنین نقشی برای نشریه، به نقش آگاهی انقلابی و رابطه‌ی میان این آگاهی و ابتکار عمل زنان در مبارزه مربوط می‌شود. مهم‌ترین وظیفه‌ای که نشریه بر عهده دارد، افشاکاری از ماهیت نظام در برابر توده‌های زنی است که تحت ستم و استثمار هستند؛ این‌که به توده‌های زن نشان داده شود که درد و رنج آنان با دیگر اقشار و طبقات ستمدیده در ارتباط است و چگونه همه این ستم‌ها در ماهیت و عمل‌کرد نظام سرمایه‌داری حاکم بر جهان نهفته است و این واقعیت مهم که توده‌های میلیونی زن نباید این‌همه درد و رنج و خشونت را تحمل کنند. وقتی زنان به این امر واقف شوند که آن‌چه که بر سر آنان می‌آید نتیجه‌ی کارکرد یک نظام است و مهم‌تر وقتی به این امر آگاه شوند که می‌توانند با سرنگون کردن این نظم که آنان را این‌چنین اسیر کرده است، وضع را به‌طور ریشه‌ای عوض کنند، آن‌گاه انرژی آنان هزاران بار بیشتر آزاد می‌شود و میل به یادگیری و اشاعه‌ی آن در جامعه، میل به تغییر این اوضاع به شکل قدرتمندتری در خواهد آمد. درعین‌حال باید به توده‌های زن گفته شود که نه فقط باید این مسائل را به‌طور ریشه‌ای درک کنند، بلکه باید جایگاه دیگر گرایش‌ها در جنبش زنان نسبت به عمل‌کرد نظام در برخورد به زنان و سایر رخدادهای جامعه را نیز تشخیص دهند.

اما این ابزار مهم آگاهی انقلابی و سازمان‌ده را نمی‌توان تنها از طریق دنیای مجازی به میان زنان برد. بسیج و سازمان‌دهی و خصوصاً متشکل کردن زنان، در دنیای واقعی و مادی امکان‌پذیر است و نه در دنیای مجازی. درنهایت این فعالین انقلابی زنان هستند که از همه‌ی این ابزارها برای بسیج و سازمان‌دهی و متشکل کردن زنان استفاده خواهند کرد. آن‌چه که باید در نظر داشت این است که فعالین و دوست‌داران این

تشکیلات بدون نشریه نمی‌توانند به بسیج و متشکل کردن زنان بپردازند. با این نگاه است که این نشریه را باید جسورانه و گسترده در بین زنان پخش کرد و به بحث و گفتگو پیرامون موضوعات آن در بین آنان - برای سازمان‌دهی و متشکل کردن‌شان - دامن زد.

◀ رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی در ایران و افغانستان و کل نظام سرمایه‌داری امپریالیستی حاکم بر جهان، به طرق گوناگون ذهنیتی را شکل داده‌اند که نشان دهند نظام‌شان بسیار قدرتمند است و در برابر آن نمی‌توان کاری کرد. خصوصاً در دوره‌ای که در صحنه‌ی مبارزه بدیل انقلابی و قابل‌اتکایی هم در مقابل این نظام موجود نیست. امروزه توده‌ی وسیعی از زنان این ذهنیت را دارند که حداکثر کاری که می‌توانند انجام دهند این است که وضعیت خودشان را در چارچوب همین نظام بهتر کنند. این‌گونه است که طبقه‌ی حاکمه در دوره‌های معینی می‌تواند خیل وسیعی از اینان را - مثلاً به گرد انتخابات و انتخاب بین بد و بدتر - بسیج کند. همه‌ی این مسائل است که اهمیت و جایگاه سازمان‌دهی و انتشار مرتب نشریه‌ی هشت مارس و کلاً تولیدات نظری ما را برجسته می‌سازد؛ تولیدات نظری‌یی که هم عمق ماهیت رژیم ستمگرانه و استثمارگرانه‌ی حاکم را افشا می‌نماید و هم پایه‌ی مادی و واقعی این حقیقت را پیش می‌گذارد که با آگاهی انقلابی و متشکل شدن و در اتحاد با نیروهای انقلابی و کمونیستی می‌توان به این همه ستم‌گری خاتمه داد. بر این پایه است که می‌توان زنان بیشتری را با خود متحد و همراه نمود. فعالین این تشکیلات و همه‌ی دوست‌داران آن با این جهت‌گیری است که می‌توانند از این نشریه استفاده کنند.

◀ نشریه تلاش کرده است دیدگاه‌ها و گرایش‌هایی که می‌خواهند زنان را به گرد نظام و یا جناح‌هایی از همین نظام سوق دهند، افشا نماید. گرایش‌هایی که در بیست سال گذشته به اشکال گوناگون تلاش کرده‌اند که چنین وظیفه‌ای را در بین زنان تبلیغ و ترویج کنند. نمونه‌ی آخر آن «تغییر چهره‌ی مردانه مجلس» است. اگرچه این یک حقیقت است که زنان در مدارج بالا و سیاست‌گذاری نقشی ندارند - حال بگذریم از این‌که منظور از به راه‌اندازی این کمپین زنان طبقات مرفه و طبقه‌ی حاکمه است - ولی هدف‌شان این است که به این وسیله زنان را حداقل به زیر رهبری جناحی از همین نظام بکشانند و تلاش‌شان این است که به درجات زیادی این کار را بر پایه‌ی شرایطی که طبقه‌ی حاکمه تلاش دارد به خورد توده‌ها بدهد - فکر و عمل آنان را در جهت استحکام نظام‌شان در آورد - انجام دهند. این گرایش از دوران خاتمی تاکنون این‌چنین عمل کرده است. اینان به زنان می‌گویند: «باید واقع‌بین باشیم!» اما مرکز این «واقع‌بینی» که در نظرات و عمل‌کردشان در کمپین‌ها و همگرایی‌ها متفاوت پیش گذاشته‌اند، این است که پشت یک جناح «اصلاح‌طلب» همین نظام را بگیریم. این واقع‌بینی متعلق به طبقه‌ی معینی است که می‌خواهد در چارچوب یک نظام مرد/پدرسالار جایی برای طبقه‌اش ایجاد کند و از این نظر واقع‌بینی طبقاتی خود را پیش می‌گذارد؛ اما هیچ چیز غیرواقعی‌تر از این نیست که تصور شود رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی را می‌توان اصلاح کرد و آن را ذره‌ای به سمت منافع اکثریت زنان که زنان کارگر و زحمتکش‌اند، سوق داد.

یکی از وظایفی که نشریه‌ی هشت مارس بر عهده گرفته است، افشای این طرز تفکر و پیش گذاشتن راه صحیح در مقابل زنان است؛ اما کماکان این نگاه در بین توده‌های زن حداقل در بین زنان طبقه‌ی میانی جامعه جایی برای ابراز دارد. در نتیجه ما باید مبارزه‌ی عظیمی هم در عرصه‌ی نظری و هم عملی در بین زنان و در افشای این گرایش‌ها انجام دهیم تا بتوانیم به درجاتی از قرار گرفتن زنان تحت رهبری این طرز تفکر جلوگیری نموده و به گسست از آن کمک کنیم.

نشریه‌ی هشت مارس تلاش کرده است به مطالبات پایه‌ای زنان و ارتباط این مطالبات با سرنگونی رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی در ایران و افغانستان بپردازد و از این طریق به ارتقای آگاهی انقلابی و وحدت صفوف زنان به حول این خواسته‌ها یاری رساند.

به‌طور خلاصه، نشریه از این زوایا به‌مثابه‌ی مبلغ و مروج بوده و در خدمت به جنبش انقلابی زنان نقش بازی می‌کند. جسارت داشتن در امر اشاعه‌ی نظرات انقلابی از اهمیت زیادی برخوردار است. نشریه را باید به‌طور وسیع پخش و بر حوش به مبارزه دامن زد. اگر فعالیت‌های ما، فراخوان‌های ما، نشریات ما و ... حس خلاف جریان رفتن، حس اطمینان به راه را در خود نداشته باشد، نمی‌تواند هیچ فعالیت انقلابی مؤثر و هدفمندی را سازمان‌دهی کند. ما در دوره‌ای به سر می‌بریم که سیطره‌ی ارتجاعی نیروهای زن‌ستیز بنیادگرایان مذهبی و غیرمذهبی و امپریالیست‌های مردسالار بر جهان حاکم است و تلاش‌شان این است که به توده‌های مردم بگویند که تنها راه، انتخاب از بین یکی از اینان است. نقش نشریه این است که همه‌ی ادعاهای دروغین این نیروهای ارتجاعی و زن‌ستیز و سرکوب‌گر را افشا کند و در بین توده‌ها به مبارزه دامن زند. این‌چنین می‌توان نه‌تنها به ارتقای هرچه بیشتر آگاهی فعالین این سازمان دست یافت بلکه می‌توان به تعمیق و صیقل یافتن هر چه بیشتر این گرایش انقلابی خدمت نمود. آن‌چه که تبلیغ و ترویج ما را در نشریه می‌تواند برای توده‌های وسیع زنان جذاب کند، متکی بر حقیقت بودن آن است؛ یعنی انگشت گذاشتن بر روی ستم خاص به زنان و ربط این ستم و مطالبات پایه‌ای زنان به کل مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که سر منشأ این ستم و سایر ستم‌های وارده بر مردم در جامعه است. تنها از این طریق است که می‌توان با توهماتی که نظام حاکم در بین مردم و در این‌جا زنان به وجود می‌آورد مبارزه‌ی جدی و اصولی به راه انداخت و این‌گونه می‌توان تعداد وسیعی از زنان را با حس اعتماد به راهمان بسیج کرد تا بتوانند نیرو و انرژی خود را برای ساختن دنیای دیگری رها کنند؛ دنیایی که در آن همه‌ی انسان‌ها فارغ از جنس و ... آزاد و رها زندگی کنند.

به همین دلیل نشریه‌ی ما خط راهنمایی را پیش می‌گذارد تا زنان بتوانند هم درک‌شان را از عمل‌کرد نظام طبقاتی پدر/مردسالار حاکم بر جهان بالا ببرند و هم فعالینی که به حول این نشریه فعالیت می‌کنند، متحد و هماهنگ عمل کنند و این‌گونه یک فعالیت هدفمند را در یک جهت هدفمند برای ایجاد جنبشی انقلابی و در خدمت به وجود آمدن بدیلی انقلابی، سازمان‌دهی کنند.



نقش و جایگاه کار توده‌ای:

یکی از فعالیت‌های مهم و تعیین‌کننده برای ما پیش‌برد «کار توده‌ای» در بین زنان است. بدون بسیج و سازمان‌دهی در ابعاد وسیع نمی‌توان به تعمیق نگرش و خط دست یافت. به همین دلیل پس از ۱۸ سال کار مستمر و متمرکز در جنبش زنان کماکان موضوع «کار توده‌ای» یکی از مباحث مرکزی سازمان زنان هشت مارس به‌عنوان یک تشکل توده‌ای زنان است. پیش‌برد این فعالیت نقش تعیین‌کننده در تحول فرد و جمع ایفا می‌کند. داشتن رابطه با توده‌ها به‌طور عموم و به‌طور مشخص رابطه با توده‌های زن ما را قادر می‌سازد که نبض توده‌ها را در دست داشته باشیم تا بتوانیم بر مبنای گره‌های ذهنی آنان که عامل اصلی بازدارنده‌ی دخالت‌گری‌شان در امر مبارزه است، پاسخ‌گو باشیم.

امروزه ما در اوضاع سختی به سر می‌بریم. اوضاعی که از یک طرف نیروهای بنیادگرای مذهبی و انواع و اقسام نیروهای واپس‌گرا و امپریالیست‌ها فضای فکری را اشغال کرده‌اند؛ از یک طرف سیطره‌ی وحشیانه‌ی جنایات‌شان بر ذهن و زندگی مردم دنیا سنگینی می‌کند و از طرف دیگر با تبلیغات و اشاعه‌ی نظرات به‌غایت تسلیم‌طلبانه، سر فرود آوردن در مقابل این شرایط را بر ذهن و عمل مردم حک می‌کنند؛ طوری که حس ناامیدی و بی‌آینده‌گی و تحمل وضع موجود در دنیا را حاکم کنند. رژیم تئوکراتیک جمهوری اسلامی نیز جامعه را عمده‌تاً با سرکوب و خونریزی مرعوب کرده است، هرچند مقاومت‌ها و تحرکات خودبه‌خودی وجود دارد اما نیرو و بدیل انقلابی در صحنه حضور ندارد.

این شرایط دهشتناک است که بسیاری از توده‌های زن را خواسته و ناخواسته در چارچوب همین مناسبات ستم و استثمار قرار داده است و متقابلاً این سوال را برجسته‌تر، واقعی‌تر و ضروری‌تر از هر زمان دیگر در مقابل ما قرار داده است که در برابر این اوضاع بار دیگر این سوال را در مقابل ما و همه نیروهای انقلابی قرار داده است که آیا می‌خواهیم صرفاً یک تشکل معترض باشیم و یا به دنبال تغییر این اوضاع هستیم؟ در شرایطی که زنان در ابعاد میلیاردي و در گستره‌ی جهانی ستمدیده‌ترین ستمدیده‌گان هستند، می‌خواهیم حداکثر در جبهه مقاومت باقی بمانیم یا می‌خواهیم تبدیل به بخشی از جنبش انقلابی برای تغییر ریشه‌ای این دنیا شویم؟ می‌خواهیم در مقابل این سیستم افسارگسیخته و نابودگر صرفاً دفاع کنیم یا با اعتقاد و اعتماد راسخ به حقانیت راهمان برای بر هم زدن این اوضاع به دشمن تعرض کنیم؟ قطعاً پاسخ صحیح به این سوال این است که ما مفسران این اوضاع نبوده و نمی‌خواهیم باشیم، بلکه می‌خواهیم بخشی از نیروهایی باشیم که برای تغییر این اوضاع به نفع توده‌های میلیونی فعالیت آگاهانه و انقلابی می‌کنند.

تفاوت ما به‌عنوان یک تشکل کوچک اما انقلابی زنان در چیست؟ تفاوت ما در **آگاهی، تشکل‌یابی و خلاف جریان**ی - که به نظر غیرقابل تغییر می‌رسد - حرکت کردن است. امروزه آلترناتیوی در مقابل توده‌ها نیست. توده‌ها افق، برنامه و سازمان‌های متشکل روشن و آگاه در مقابل خود نمی‌بینند.

بنابراین برای ما به‌عنوان بخشی از نیروهای انقلابی زنان خلاف این اوضاع حرکت کردن از اهمیت حیاتی برخوردار است. از یک طرف باید سختی اوضاع را به‌درستی تشخیص دهیم و آگاه باشیم که بدون در دست گرفتن اهداف سیاسی و تشکیلاتی این سازمان و پاسداری عملی

از آن چه که تاکنون به آن رسیده‌ایم، نمی‌توانیم در مقابل این اوضاع تاب آوریم. از طرف دیگر تکامل هر چه بیشتر نگرش انقلابی ما به این وابسته است که بتوانیم این کیفیت را به درون توده‌های زن برده و از طریق کار توده‌ای مستمر، پی‌گیر و هدفمند شرایط را برای عمق بخشیدن به نظرات‌مان مهیا کنیم.

همواره باید در نظر داشته باشیم که در مقابل این اوضاع بد و به‌ظاهر «غیرقابل تغییر»، شرایطی هم فراهم شده است که خیل عظیمی از مردم و خصوصاً زنان از بی‌حقوقی، فقر، جنگ، گرسنگی و دربه‌دري به ستوه آمده‌اند؛ یعنی شرایطی که میلیون‌ها زن را در غیرانسانی‌ترین موقعیت قرار داده است طوری که هم‌چون کوه آتش‌فشانی در معرض انفجار قرار گرفته‌اند. انبار باروتی که خارج از اراده‌ی ما انباشته شده و نیاز به جرقه‌ای آگاهانه دارد تا تبدیل به حریق گسترده شود. از این منظر ما می‌توانیم و باید با جسارت و اعتماد به این واقعیت مادی مقابل‌مان و درستی نگرش‌مان در بین زنان به تبلیغ و ترویج بپردازیم. این چنین روشی هم می‌تواند از یک طرف کیفیت تا کنونی نگرش ما را ارتقا دهد و هم از دیگر سو کمیت را افزایش دهد. این درست است که در تحلیل نهایی، این کیفیت نگرش انقلابی است که نقش تعیین‌کننده دارد، اما بدون جلب و بسیج افراد بیشتری به گرد این نگرش در دراز مدت به کیفیت این نگرش نیز ضربه وارد خواهد شد.

ما باید بتوانیم با اتکا به پتانسیل موجود مسیر حرکت به سمت رهایی را در مقابل خودمان و دیگر زنان ترسیم کنیم. باید بتوانیم با شجاعت بگوییم کجا ایستاده‌ایم و به کجا می‌خواهیم برویم. بدون این‌که از سختی و پیچیدگی راه هراسی به دل راه دهیم، سعی کنیم با اتکا به شناخت و توان هزاران زن پیچیده‌گی راه را هر چه بهتر و دقیق‌تر درک و راه تغییر را طرح و عملی کنیم.

امروزه ما در دوره‌ی سختی به سر می‌بریم این یک واقعیت عینی است اما تأکید بر این واقعیت به معنای این نیست که در همین شرایط زنان عاصی از همین اوضاع، عاصی از موقعیت خود و اطرافیان‌شان وجود ندارند. باید برای‌مان روشن باشد که برقراری رابطه‌ی نزدیک با توده‌های زن صرفاً مسأله‌ی روش نیست بلکه بیان یک جهان‌بینی معین است.

این درست است که شرایط عینی نقش مهمی را در صحنه‌ی مبارزاتی بازی می‌کنند؛ اما این نیز درست است که یک نیروی انقلابی نیز می‌تواند با پیش‌برد فعالیت انقلابی، بسیج و سازمان‌دهی توده‌ها به درجات معینی به تغییر اوضاع کمک کند.

باید در نظر داشته باشیم که تبلیغ و ترویج در بین توده‌های زن به این معناست که چگونه به تضادها خصوصاً عمده‌ی تضادهایی که در جامعه عمل می‌کنند و در فکر و عمل توده‌ها بازتاب می‌یابند، برخورد می‌کنیم؛ و ارتباط آن را بر اساس موضوع ستم بر زنان توضیح می‌دهیم و آن تضاد را به سطحی می‌رسانیم که بگوییم علل این ستم‌دیده‌گی چیست و از کجا می‌آید؟ اما باید در نظر داشته باشیم که در تبلیغ و ترویج صرفاً نباید در سطح توضیح و واکاوی تضادهای عام باقی بمانیم بلکه باید به قلب مسأله و تضاد خاص وارد شویم و ارتباط آن تضاد خاص را با تضادهای عام توضیح دهیم.

همین‌طور ما باید در برخورد به سایر گرایش‌های طبقاتی، خصوصاً گرایش‌های طبقاتی غالب که به درجات مختلف افکار زنان را شکل داده

تشکیلات

یکی از اختلافات مهم ما در طی بیش از ۱۸ سال فعالیت با بسیاری از زنان و جریانات سیاسی در مورد ضرورت تشکیلات متعلق به زنان بوده است. در تفکر و عمل کرد بسیاری از فعالین سیاسی و حتی در بین زنانی که در زمینه‌ی رفع ستم بر زن مبارزه می‌کنند، نیازی به وجود تشکلات متعلق به زنان نیست. این طرز تفکر بر واقعیت موضوع ستم بر زن استوار نیست و از این رو نمی‌تواند در تغییر موقعیت ستم‌دیدی زنان نقشی را که باید ایفا نماید. این نوع نگاه زنان را خلع سلاح می‌کند.

وقتی عده‌ای از زنان (در این‌جا منظور زنان انقلابی است) که نظرات نسبتاً مشابهی در مورد تغییر موقعیت ستم‌دیدی زنان دارند، تصمیم می‌گیرند که این ایده‌ها را با نقشه و برنامه و به‌طور هدفمند در یک رابطه‌ی تنگاتنگ با سایر زنان به عمل درآورند به این ضرورت برمی‌خورند که توان فکری و عملی خود را هم سو و متحد نموده و آن را در یک چارچوب متشکل قرار دهند؛ یعنی به درجاتی به وحدت عمل و نظر دست می‌یابند؛ اما در این چارچوب متشکل وقتی عده‌ای به گرد هدف مشترک‌شان متشکل می‌شوند، کیفیت نوینی را به وجود می‌آورند که جمع جبری کیفیت تک‌تک آن‌ها نیست؛ و این کیفیت نوین است که در ترسیم اهداف بلندپروازانه و نقشه‌های جسورانه‌ی بلندمدت و کوتاه‌مدت نقش مهمی ایفا می‌کند و افراد می‌توانند با تعهد سپردن به اجرای آن نقش مؤثری در رفع ستم جنسیتی ایفا کنند. هرچند در هیچ جمع و تشکلی این امر اراده‌گرایانه، سهل و تک‌خطی پیش نمی‌رود.

سازمان زنان هشت مارس به‌عنوان یک تشکل سیاسی، توده‌ای و انقلابی متعلق به زنان که در تبعید شکل گرفته است همواره در تمام دوران فعالیت خود در امر سازمان‌دهی و تشکیلات نیز با چالش‌های مختلف و عمیق نظری و عملی که متأثر از فضای سیاسی هم‌دوره‌اش بوده است روبه‌رو شده است؛ که البته عبور از این مسیر پر تضاد بدون اتکا به خط سیاسی عمدتاً صحیحی که در پیش داشتیم، ممکن نبوده است. البته به این معنا نیست که کمبود یا اشتباهی نداشته‌ایم اما مجموعاً عمل کرد ما نشان می‌دهد که در حفظ و ارتقای امر تشکیلات نیز موفق عمل کرده‌ایم؛ در دوره‌ی سختی که فعالیت انقلابی در مقابل تفکرات پراگماتیستی مماشات‌طلبانه و سهم‌خواهانه تقبیح می‌شود، در دورانی که پیروی از منافع فردی و جاه‌طلبی‌های ویرانگر فردی در مقابل تفکرات رهایی‌بخش و توجه به منافع جمع، ارجحیت می‌یابد، در دورانی که فعالیت فردی و پیروی از انتخاب‌های فردی (بخوانیم انتخاب‌های موجود و مرسوم) ارزش محسوب می‌شود و متشکل شدن و تلاش برای اهداف جمعی مذموم شمرده می‌شود، در دورانی که حفظ و تحمل وضعیت موجود تنها راه‌حل مقابل پای زنان معرفی می‌شود و زنان در قبال هم‌دستی و هم‌کاری با سیستم پدر/مردسالار امتیاز به دست می‌آورند، در دورانی که تحزب و تشکل فقط برای فرودستان جهان مذموم و مقبوح شمرده می‌شود و طبقات حاکمه امپریالیستی و نیروهای بنیادگرا به حداکثر خود را متشکل و سازمان‌دهی می‌کنند و از تمام توان فکری و مادی جهان (و حتی توان فکری و مادی توده‌ها) برای استحکام تشکلات خود بهره می‌برند، در دورانی که ایدئولوژی ضد زن که تمام زنان جهان را در یک چرخه‌ی ستم‌گرانه‌ی واحد خرد و نابود می‌کند و زنان را در شرایطی قرار داده که هر کدام خود را در برابر چنین سیستم هولناک و مقتدری تنها و بی‌پناه و ناامید و ... می‌یابند و ... در تمام این دوران سخت برای عبور از تمام این دهشت‌ها سازمان کوچک ما به نیروی محدود اما متعهد و راسخ خود اتکا کرده است و تمام تلاش خود را معطوف داشته تا به هر طریقی خود را به منبع اصلی و واقعی قدرت یعنی توده‌ها و خصوصاً زنان متکی نماید و تضادهای تشکیلاتی درونی و بیرونی خود را به شکلی حل کند که به‌عنوان یک نیروی انقلابی امکان پیش‌روی بیابد. هرگز برای گسترش کمی از مواضع صحیح سیاسی خود عقب‌گرد نکرده و برای حفظ نیرو در مقابل تضادها کرنش نکرده است و بر منشور سیاسی و آیین‌نامه‌ی تشکیلاتی منطبق بر آن پای

یا روی آن‌ها تأثیر گذاشته، با تبلیغ و ترویج صحیح تأثیر بگذاریم و به افکار آنان جهت صحیح دهیم. افکار طبقات حاکم به اشکال مختلف در درون جامعه و زنان رسوخ نموده و ما در برخورد به آن‌ها علاوه بر تکیه بر نارضایتی به‌حق و گرایش‌های پیش‌روشان باید با گرایش‌های غلط درون آن‌ها نیز مبارزه کنیم؛ اما این یک مبارزه‌ی فکری ضروری، آگاهانه و رقیقانه است و تفکرات صحیح ما به شکل اتوماتیک انتقال نمی‌یابد. این‌گونه نیست که چون ما یک خط درست (عموماً درست) داریم، در نتیجه کافی است که آن را در مقابل توده‌ها قرار دهیم تا با آن همراه شوند. این نگرش آسان‌بین و این راحت‌طلبی سیاسی در برخورد به توده‌ها است.

نکته‌ی دیگر هم این است که ما نباید پیش‌تر و به‌جای دیگر زنان تصمیم بگیریم و انتخاب کنیم. چون زنان با یک روش و درجه‌ی مشخص، انگیزه، تمایل و توان ... مشابه وارد مبارزه‌ی سیاسی نمی‌شوند، ما باید همه‌ی زنان را در معرض آگاهی و موقعیت یک انتخاب آگاهانه قرار دهیم. بعد از آن می‌توان و باید در پروسه‌ی کار توده‌ای جمع‌بندی کرد و در سطوح مختلف آنان را درگیر امر مبارزه نمود. بسیج نیرو فقط گام اولیه‌ی کار توده‌ای است اما مهم‌ترین بخش، جهش در آن است؛ جهش برای متشکل شدن و به عهده گرفتن وظایف انقلابی. در طرف دیگر هم هستند زنانی که علاقه و تمایل به مبارزه دارند ولی به دلایل گوناگون از پذیرش وظایف دیسیپلین انقلابی امتناع می‌ورزند. این دسته از زنان را می‌توان در اطراف تشکیلات زنان سازمان‌دهی نمود. پیش‌برد این پروسه‌ی کار توده‌ای به تحکیم و گسترش تشکیلات ما و تقویت جنبش زنان خدمت خواهد کرد. ما باید به هر زنی که به هر شکل و به هر اندازه‌ای که می‌خواهد و می‌تواند در امر مبارزه انقلابی کمک نماید، فضا و امکان بدهیم تا در امر مبارزه سهم بگیرد. با داشتن چنین دید گسترده‌ای و اعتماد و اعتقاد به توده‌ی زنان است که می‌توانیم، مجموعه‌ی گسترده‌ای از فعالیت‌ها و حمایت‌ها (از تقبل بالاترین وظایف انقلابی تا کوچک‌ترین مسئولیت‌ها) را در کمک به شکل‌گیری یک جنبش انقلابی جهت داده و تقویت نماییم.

عدم فعالیت مستمر، نقشه‌مند، با برنامه و هدفمند در بین توده‌ها، به سرزندگی و پویایی ما ضربه می‌زند. وقتی ما با توده‌ها در می‌آمیزیم، از آنان می‌آموزیم. تماس با توده‌ها انرژی مبارزاتی ما را صدچندان می‌کند. این را باید به خاطر داشته باشیم که این توده‌ها هستند که تاریخ را می‌سازند. آن‌ها نیروی تعیین‌کننده در به‌پیش راندن جامعه هستند و نیمی از این توده‌ها، زنان هستند. بر پایه‌ی همین اصل صحیح است که می‌گوییم بدون زنان انقلابی در کار نخواهد بود. داشتن درک علمی و اعتقاد به این موضوع زیربنای حرکت مداوم و پی‌گیر ما فعالین آگاه در متحول کردن خودمان و توده‌ها خواهد بود.

سایت

سایت هشت مارس مهم‌ترین خروجی ما در فضای سایبری است. این سایت اولین سایت زنان است (اولین سایتی که از زمان به وجود آمدن این امکان در فضای اینترنت، در جنبش زنان راه‌اندازی شد) که از زمان ایجاد آن تاکنون در خدمت اشاعه‌ی نظرات گرایش انقلابی زنان بوده است. بر این اساس علاوه بر درج مقالات، اعلامیه‌ها، گزارش‌ها و ... این سازمان، منعکس‌کننده‌ی نظرات گرایش انقلابی درون جنبش زنان نیز هست و از این طریق تلاش کرده است که به گسترش نظرات این تشکل و گرایش انقلابی زنان کمک کند. در این راستا کوشش کرده است علاوه بر درج مقالات، بیانیه‌ها، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و کلیپ‌ها و ... به گردآوری فیلم و تصاویر مربوط به مبارزات زنان در سطح جهانی نیز توجه کند. مجموعه فعالیت‌های ما در این تارنما به درجاتی توانسته است به ارتقای آگاهی زنان خدمت کند.

فیس‌بوک:

اگرچه در شرایطی زندگی می‌کنیم که رسانه‌های عظیم خبرپراکنی و تولید فکر، ایدئولوژی و فرهنگ‌سازی اساساً در انحصار سیستم سرمایه‌داری پدر/مردسالار حاکم و منافع آنان است، اما نیروهای انقلابی هم می‌توانند در سطح معینی از این امکانات استفاده کنند. می‌گوییم سطح معینی، به دو دلیل: یکم، بخش زیادی از مردم جهان در کشورهای موسوم به جهان سوم و خصوصاً زنان، سواد و دانش و یا امکان دسترسی و یا قدرت خرید تلفن هوشمند، کامپیوتر و ... و یا قدرت پرداخت هزینه‌ی اتصال به شبکه‌ی اینترنت را ندارند؛ بنابراین مخاطبان این شبکه‌ی ارتباطی عمدتاً قشری از مردم شهرنشین بسیاری از این کشورها را تشکیل می‌دهند. دوم، فیس‌بوک یکی از شبکه‌های اجتماعی مهم در دنیای مجازی است که در بهترین حالت می‌تواند تا حدی به تبلیغ و اشاعه افکار انقلابی و ایجاد ارتباط در فضای مجازی یاری نماید؛ اما کماکان برای نیرویی که خواهان تغییر دنیای مادی است، عرصه‌ی اصلی مبارزه نیز دنیای مادی است. هرچند فضای مجازی و دنیای مادی باهم رابطه‌ی دیالکتیکی دارند اما میدان اصلی مبارزه دنیای مادی است. به همین دلیل هم فعالیت اصلی و تعیین‌کننده برای هر نیروی انقلابی از جمله سازمان زنان هشت مارس، سازمان‌دهی اشکال مختلف فعالیت‌هایی است که بتواند ارتباط مستقیم‌تر، ملموس‌تر و مؤثرتری را با توده‌ها به وجود آورد؛ تا از این طریق بتواند در یک ارتباط نزدیک و تنگاتنگ به تعمیق خط و گسترش تشکیلاتی کمک نموده و توده‌های زن را نیز برای خدمت به انقلاب و تغییر جهان بسیج و سازمان‌دهی نماید.

اما این به معنای آن نیست که استفاده از ابزار و شبکه‌های ارتباطی بی‌اهمیت و بی‌تأثیر است، خصوصاً در عصری که استفاده از تکنولوژی تبدیل به یکی از راه‌های ارتباط انسانی شده است. با این تأکید که مانند هر ابزار دیگری قدرت و ایدئولوژی طبقات حاکمه بر نحوه‌ی تولید و گسترش و استفاده از آن تأثیر به سزایی دارد و مستقیماً به کاربران آن نیز منتقل می‌شود، از فردگرایی، مصرف‌گرایی، ایدئولوژی ضد زن و ... با آگاهی به تمام جوانب این امر کماکان تکنولوژی اطلاعاتی و در صدر آن اینترنت و فیس‌بوک و ... می‌تواند وسیله‌ای باشد برای آشنایی با نظرات، نقدها، تبادل افکار، خبررسانی و تبلیغ و ... در سطحی جهانی. وسیله‌ای است که اگر فعالانه و با نقشه و برنامه مثل هر فعالیت دیگری مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند افراد بیشتری را با اهداف و سازمان ما آشنا کرده و به درجات معینی آن دسته از زنانی که با ایده‌های ما آشنا شده‌اند و به‌خصوص آنانی که خواهان فعالیت انقلابی علیه ستم بر زن هستند را به ما نزدیک کند. با این درک و نگاه بود که سازمان زنان هشت مارس نیز لازم دید که بخش‌هایی از این دنیای مجازی را در خدمت به پخش نظرات، فعالیت‌ها و ... خود قرار دهد. ♦

فشرده است، منشور و آیین‌نامه‌ای که خود یکی از دست‌آوردها این تشکیلات هستند.

تلاش همواره این بوده است که در امر فرم تشکیلاتی نیز پیش‌روی نموده و دست‌آوردهای جنبش انقلابی و جنبش زنان را جذب نماییم و نقاط ضعف‌مان را به نقطه‌ی قوت بدل کنیم. در مقابل دوری جغرافیایی از ایران و افغانستان خود را به درجاتی بر دستاوردهای جنبش بین‌المللی زنان مرتبط و متکی کرده‌ایم، در مقابل پراکندگی جغرافیایی - واحدهای کشوری و محلی را ایجاد و سازمان‌دهی کرده‌ایم، در مقابل تضاد زبان فارسی و زبان کشورهای میزبان در حد توان مواضع سیاسی‌مان را به زبان کشورهای میزبان ترجمه و وارد تعامل سیاسی و عملی شده‌ایم و ...

کارکرد تشکیلاتی سازمان زنان هشت مارس از بدو تأسیس تاکنون بسیار ساده ولی مؤثر بوده است:

◀ منشوری موجود است که شالوده اصلی وحدت فعالین آن است.

◀ آئین‌نامه‌ای دارد که شرایط پیوستن هر زنی که خود را با افکار این سازمان نزدیک می‌بیند را مهیا کرده است.

◀ مجمع عمومی‌ای دارد که بیان اراده‌ی جمعی این تشکل است، خصوصاً در بُعد وظایف سیاسی آن که نقش تعیین‌کننده‌ای برای سازمان‌دهی مبارزه علیه رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی در ایران و افغانستان و کلیه‌ی امپریالیست‌های مردسالار دارد.

◀ هیأت مسئولینی دارد که به‌طور جمعی فعالیت‌های این سازمان را هدایت می‌کنند.

◀ واحدهای محلی دارد که علاوه بر تعهد داشتن به برنامه‌ها و نقشه‌های مرکزی، فعالیت‌های مستقل خود را نیز به‌پیش می‌برند.

مسئله‌ی مالی:

این سازمان هیچ‌گونه وابستگی مالی به نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی نداشته و ندارد.

از نظر مالی اتکای اصلی سازمان زنان هشت مارس برای پیش‌برد اهداف خود به توده‌ها و همیاری اعضا و دوست‌داران خویش است.

اگرچه همواره تأمین بودجه مالی برای پیش‌برد فعالیت‌های انقلابی یکی از مشکلات این تشکیلات بوده است. ولی به مانعی جدی مبدل نشده است.

رفع مشکلات مالی نیز مثل دیگر عرصه‌های فعالیت بدون اتکا به توده‌ها تأمین نمی‌شود. موضوع اتکا به توده‌ها بدین معناست که بتوانیم با کار سیاسی مشخص آنان را در این زمینه تا حدودی که می‌توانیم به‌طور آگاهانه به همکاری و همیاری ترغیب نماییم زمانی که به این اصل درست معتقدیم که بدون توده‌ها و درگیر کردن آن‌ها در همه‌ی زمینه‌های فعالیت انقلابی قادر نخواهیم بود پیش‌رفتی واقعی داشته باشیم، در زمینه‌ی رفع مشکلات مالی نیز این اصل درست صادق است.



منشور سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان)

هر جا ستم هست، مقاومت هم هست!

سازمان زنان هشت مارس با هدف به راه انداختن مبارزه‌ی متحد و سازمان‌یافته‌ی زنان علیه ستمی که بر آنان روا می‌شود تشکیل شده است. این تشکل از مبارزات زنان در سراسر جهان و مبارزات زنان ایران به‌ویژه جنبش نوینی که از هشت مارس ۱۳۵۷ (علیه حجاب اجباری) آغاز گشته الهام گرفته و بر تجارب و سنن انقلابی جنبش جهانی زنان متکی است.

این تشکل از هشت مارس ۱۹۹۸ حول شعار «پیش به‌سوی وحدت رزمنده‌ی زنان در خارج از کشور» آغاز به فعالیت متحد و سراسری نمود و از آن زمان تاکنون به مبارزات خود جهت رفع ستم جنسیتی ادامه داده است. سازمان زنان هشت مارس، سازمان زنان افغانستانی و ایرانی است که کلیه‌ی فعالیت‌های نظری و عملی خود را در جهت سرنگونی انقلابی رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی در ایران و افغانستان سازمان‌دهی می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس، سازمانی است که علیه همه نیروهای مرتجع، اعم از بنیادگرایان مذهبی و امپریالیست‌های پدر/مردسالار در جهت ساختن جامعه‌ای که در آن هیچ شکلی از ستم و استثمار نباشد، مبارزه می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس یک تشکل دمکراتیک و توده‌ای و مستقل است که علیه اشکال مختلف ستم جنسیتی که از جانب دولت‌های زن‌ستیز ارتجاعی و امپریالیستی که پدرسالاری یکی از ارکان اصلی آن است، مبارزه می‌کند.

تشکل دمکراتیک به این معنا که زنان با تفکرات گوناگون و بینش‌های اجتماعی متفاوت می‌توانند در آن گرد آیند و در عین حفظ گرایش‌های خود، مبارزات متحد و سازش‌ناپذیری را علیه کلیه‌ی اشکال ستم بر زن به پیش برند. در فضای سرزنده و شاداب به برخورد عقاید و نظرات گوناگون بپردازند و این امر را در خدمت ارتقای هر چه بیشتر مبارزات مشترک خود قرار دهند.

تشکل توده‌ای به این معنا که بر منافع اکثریت زنان ستم‌دیده - به‌ویژه زنان کارگر و زحمت‌کش - پای می‌فشارد و برای تحقق آمال و آرزوهای آنان تلاش می‌کند و معتقد است که رهایی زنان به دست خود زنان مسیر است و بدون اتکا به توده‌های زن و آگاه و متشکل کردن آنان، رهایی میسر نیست. تشکل مستقل به این معنا که از کلیه نهادهای دولتی و بین‌المللی وابسته به قدرت‌های جهانی مستقل است.

هم‌چنین به این معنا است که علیرغم همبستگی با همه‌ی احزاب، سازمان‌ها و جنبش‌هایی که علیه مرتجعین اسلامی و غیر اسلامی و امپریالیست‌ها مبارزه می‌کنند، تشکیلاتی مستقل از همه آن‌هاست. تشکیلاتی است که باهدف مشخص مبارزه علیه اشکال ستم بر زن به وجود آمده و مستقل از مردان است و جهت‌گیری‌ها، سیاست و فعالیت‌های آن توسط اراده‌ی جمعی اعضایش تعیین می‌شود.

سازمان زنان هشت مارس وظیفه‌ی فعالیت آگاه‌گرانه‌ی انقلابی و متشکل کردن نسل جوان مهاجر را که با رفتارهای پدر/مردسالارانه‌ی خانواده و مردسالاری و نژادپرستی در خارج از خانواده روبه‌رویند، بر دوش خود می‌بیند؛ در این راستا ویژگی‌ها و نیازهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان جوان را مدنظر قرار می‌دهد و به روحیه‌ی شورش‌گر و مبارزه‌جویانه‌ی آنان متکی می‌شود.

سازمان زنان هشت مارس با دیدگاه‌ها و رفتارهای پدر/مردسالارانه‌ی حاکم که در احزاب، گروه‌ها، تشکلات مترقی و مردمی نفوذ می‌کند و منعکس می‌شود، به مقابله می‌پردازد و تلاش می‌کند تا آن‌ها مرز عمیق‌تر و روشن‌تری با فرهنگ و ارزش‌های کهنه بکشند.

سازمان زنان هشت مارس از مبارزات اقشار و طبقات گوناگون مردم علیه ستم طبقاتی، نژادی، ملی، مذهبی و ... حمایت می‌کند؛ و مظلوم و بی‌دگری‌هایی که در جهان علیه توده‌های مردم رخ می‌دهد را محکوم کرده و نسبت به آن‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد.

سازمان زنان هشت مارس از مبارزات کلیه احزاب، نیروهای مترقی و انقلابی و تشکلات دمکراتیک علیه پدر/مردسالاری و هر شکلی از ستم و استثمار حمایت می‌کند و برای جلب حمایت مادی و معنوی آن‌ها از مبارزات خود تلاش می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس خود را بخشی از جنبش جهانی زنان می‌داند و برای تحکیم پیوند با جنبش انقلابی و دمکراتیک زنان و سایر جنبش‌های انقلابی و دمکراتیک در سطح جهان و حمایت متقابل این مبارزات از یکدیگر تلاش می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس برای غلبه بر ضعف و پراکنده‌گی جنبش زنان و شکل‌دهی به یک تشکیلات توده‌ای وسیع بر پایه‌ی منشور دمکراتیک انقلابی خود، پای می‌فشارد.

سازمان زنان هشت مارس که در خارج از کشور تأسیس شده است برای تبادل افکار و نظرات با زنان مبارز داخل کشور تلاش خواهد کرد و علاوه بر آن، ضمن آموختن از آنان برای ارتقا آگاهی و سازمان‌یابی زنان در داخل نهایت سعی خود را خواهد کرد.

سازمان زنان هشت مارس برای برقراری پیوند میان جنبش زنان در خارج از کشور با جنبش زنان داخل کشور تلاش مستمر و پی‌گیری را به عمل می‌آورد و وظیفه‌ی خود می‌داند که با تشکلات و محافل مترقی زنان در داخل کشور همکاری و همبستگی داشته باشد.

سازمان زنان هشت مارس در شرایط ترور و خفقان از روش سازمان‌دهی مخفی استفاده می‌کند تا بتواند به موجودیت و پیوند خود با توده‌ی زنان و برانگیختن آنان به مبارزه ادامه دهد، در عین حال از هر امکان علنی و قانونی بدون آن‌که موجودیتش را به خطر افکند و یا موجب سازش‌کاری با رژیم و یا جناح‌هایی از آن و یا دادن امتیاز به آن‌ها شود برای فعالیت‌های خود استفاده می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس برای دستیابی به اهدافش، خود را به چارچوب‌های رسمی و قابل‌تحمل برای حکام کشورهای مختلف محدود نمی‌کند و در پی به قدرت رساندن این یا آن زن در حکومت‌های ارتجاعی نیست.

سازمان زنان هشت مارس برای پیش‌برد مؤثرتر مبارزات زنان در جهت خواست‌های زیر مبارزه می‌کند. هرچند که تحقق این خواست‌ها در کلیت خویش توسط رژیم حاکم در ایران و افغانستان غیرممکن است اما مبارزه به گرد این مطالبات و شعارها، مبارزات زنان را جهت داده و به ارتقا آگاهی و وحدت صفوف‌شان یاری می‌رساند.

از نظر سازمان زنان هشت مارس، مبارزه برای رفع ستم بر زن یکی از محورهای اصلی مبارزات دمکراتیک مردم ایران و افغانستان است و بدون مبارزه‌ی بی‌وقفه برای ریشه‌کن کردن این ستم، ایجاد جامعه‌ای که در آن به سلطه‌ی طبقات ارتجاعی و زن‌ستیز حاکم و وابستگی به امپریالیست‌های پدر/مردسالار پایان داده شود و دمکراسی و آزادی به نفع خلق‌های ایران و افغانستان به‌ویژه توده‌های زحمت‌کش برقرار گردد، میسر نیست.

از نظر سازمان زنان هشت مارس، جنبش‌رهایی زنان یک جنبش سیاسی است؛ چرا که با قدرت‌های سیاسی ارتجاعی که دژهای مردسالاری و ستم بر زن هستند، روبه‌روست.

مظهر اصلی پدر/مردسالاری در ایران و افغانستان رژیم‌های زن‌ستیز جمهوری اسلامی حاکم بر این دو کشور هستند. این رژیم‌ها اولین و بزرگ‌ترین مانع تحقق مطالبات دمکراتیک و پایه‌ی زنان هستند.

زنان بیش از هر قشر دیگری از ادغام دین و دولت زیان می‌بینند. ادغام دین (که یکی از ستون‌های اصلی‌اش انقیاد زنان است) با دولت (که بر پایه‌ی اسارت زنان شکل گرفته) ستم بر زنان را تشدید کرده است. مبارزه علیه ستم بر زنان را نمی‌توان به جدایی دین از دولت محدود کرد، اما این خواست از پایه‌ای‌ترین و فوری‌ترین خواست‌های زنان ایران و افغانستان است.

علاوه بر دولت‌ها، سلطه‌جویی مرد بر زن در جامعه و در خانواده، رکن دیگر انقیاد زنان است؛ بنابراین سازمان زنان هشت مارس زنان را به پاره کردن کلیه‌ی این زنجیرها فرا می‌خواند و از طغیان زنان علیه ستمی که از طرف مردان جامعه، خانواده و مردان خانواده بر آنان اعمال می‌شود حمایت می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس کلیه‌ی اشکال ستم بر زن از عریان‌ترین تا پوشیده‌ترین آن‌ها را بدون قید و شرط افشا می‌کند و از کلیه‌ی مبارزات زنان در گوشه و کنار جهان علیه هرگونه ستمی که بر آنان روا می‌شود حمایت می‌کند و تلاش می‌کند آگاهی خود را از موضوع ستم بر زنان و تجارب مبارزاتی آنان در سطح جهانی و ملی بالا برد.

سازمان زنان هشت مارس از کلیه‌ی مبارزین دربند به‌ویژه زندانیان سیاسی زن دفاع می‌کند و برای آزادی کلیه‌ی زندانیان سیاسی مبارزه می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس علیه کلیه‌ی قوانین رسمی، عرفی و شرعی، مجازات‌های اسلامی، آداب، سنن و رفتارهای ارتجاعی ضد زن و افکار و فرهنگ مسلط پدر/مردسالارانه در اشکال مذهبی و یا هر شکل دیگری که باشد مبارزه می‌کند و به افشا کلیه‌ی تئوری‌هایی که تحت عناوینی چون نسبیت‌گرایی فرهنگی، «فمینیسم اسلامی» و ... ستم بر زن را توجیه می‌کنند، می‌پردازد.

سازمان زنان هشت مارس از منافع زنان متعلق به ملل ستم‌دیده و اقلیت‌های ملی در ایران (کرد، ترک، بلوچ، عرب، ترکمن، افغانی، ارمنی و...)، ملیت‌های ساکن در افغانستان (هزاره، تاجیک، پشتون، ازبک و ...) دفاع می‌کند و برای اتحاد میان زنان به دور از هرگونه تنگ‌نظری ملی و گرایش‌های برتری‌طلبانه تلاش می‌کند. به‌علاوه از جنبش آزادی‌خواهی زنان ملل تحت ستم حمایت می‌کند و به طرق گوناگون به ارتقا آگاهی و دامن زدن به مبارزه علیه ستم بر زن در میان کلیه‌ی اقشار و طبقات خلقی و ملل مختلف می‌پردازد.

سازمان زنان هشت مارس عمدتاً تلاش خود را به بالا بردن آگاهی زنان و بسیج و متشکل کردن آنان برای طغیان علیه ستمی که در سطوح مختلف از جانب دولت، مرد، خانواده، سنن اجتماعی و ... بر آنان روا می‌شود، معطوف می‌کند؛ اما به ارتقا سطح آگاهی مردان نیز توجه می‌کند و برای گسست آنان از افکار پدر/مردسالارانه و همدستی با نظامی که هم حق زنان را پایمال می‌کند و هم حق مردان را، مبارزه می‌نماید.

◀ جدایی دین از دولت، کوتاه شدن دست مذهب از قانون‌گذاری و دخالت در زندگی خصوصی کلیه‌ی آحاد جامعه به‌ویژه زنان

◀ تساوی کامل شهروندان صرف‌نظر از خاستگاه طبقاتی، جنسیت، ملیت، مذهب و سن؛ مصونیت آزادی‌های فردی از تعرض قانون و مذهب

◀ برچیدن کلیه‌ی قوای انتظامی و نهادهایی که برای کنترل و سرکوب زنان ایجاد شده‌اند.

◀ آزادی زندانیان سیاسی

◀ لغو مجازات اعدام

◀ لغو کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، مبتنی بر شرع و عرف که مستقیم یا غیرمستقیم مبنی تبعیض جنسی هستند.

◀ لغو سنگسار و کلیه‌ی مجازات‌های اسلامی

◀ لغو حجاب اجباری، آزادی زنان در انتخاب پوشش

◀ ممنوعیت جداسازی اجباری زنان و مردان در مؤسسات و مجامع و اجتماعات، مدارس، دانشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و معابر و وسایل نقلیه‌ی عمومی

◀ لغو کلیه‌ی قوانینی که عمل‌کرد اجتماعی زنان را منوط به امضا یا رضایت شوهر یا پدر می‌کند.

◀ آزادی زن در انتخاب شغل، سفر، ورزش، تحصیل و باز بودن کلیه‌ی عرصه‌های آموزشی، مشاغل و رشته‌های ورزشی برای زنان

◀ آزادی بدون قید و شرط اندیشه و ابراز عقاید، حق تشکل و اعتصاب و تظاهرات، حق نشر افکار از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن

◀ آزادی ایجاد تشکلات زنان برای سازمان دادن مبارزه زنان در راه کسب آزادی و برابری و حمایت از زنان در مقابل هر شکل از ستم جنسی و به رسمیت شناختن آزادی این تشکلات در افشا و مبارزه علیه هرگونه ستم اجتماعی و مذهبی، قانون و عمل‌کرد دولت که ضد زن هستند.

◀ برابری کامل حقوقی میان زن و مرد در کلیه‌ی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و خانوادگی

◀ تأمین حقوق برابر زنان در ارث و در تصاحب و اداره‌ی مایملک خانواده و لغو کلیه‌ی قوانینی که زنان را از حق مالکیت بر زمین، خانه و ... محروم یا محدود می‌کنند.

◀ دستمزد و مزایای برابر در مقابل کار مشابه برای زنان و مردان

◀ ممنوعیت اعلان جنسیت در مدارک تحصیلی و درخواست‌های اشتغال

◀ حق طلاق برای زنان

◀ لغو حق حضانت فرزندان برای پدر

◀ لغو چندهمسری و صیغه

◀ لغو کلیه‌ی ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های قانونی در زمینه‌ی معاشرت دختران و پسران

◀ آزادی زنان در امر ازدواج و گزینش همسر، ممنوعیت هر نوع ازدواج اجباری، به نقد کشیدن هرگونه معامله‌گری از قبیل مهریه، جهیزیه و شیربها، زن به زن و ... در امر ازدواج و برقراری قانون شراکت مساوی در کلیه‌ی اموال زوجین، ممنوعیت مداخله‌ی طرف سوم در ازدواج و به رسمیت شناختن کلیه‌ی حقوق اجتماعی کسانی که خواهان زندگی مشترک بدون ثبت رسمی هستند.

◀ ممنوعیت خرید و فروش دختران خردسال تحت لوای سن شرعی ازدواج و قوانین شرعی و مدنی

◀ ممنوعیت ناقص سازی جنسی دختران

◀ ایجاد مراکز ثبت ازدواج و به رسمیت شناختن آن بدون مراسم مذهبی

◀ به رسمیت شناختن کلیه‌ی حقوق فردی و اجتماعی برای زنانی که خارج از ازدواج بچه‌دار می‌شوند.

◀ به رسمیت شناختن حق سقط‌جنین برای زنان و ایجاد تسهیلات برای آن

◀ ایجاد تسهیلات برای جلوگیری از بارداری ناخواسته و تأمین مخارج آن و آموزش جلوگیری از بارداری ناخواسته

◀ محکوم کردن هرگونه تبعیض و سرکوب علیه هم‌جنس‌گرایان و اقلیت‌های جنسی

◀ مبارزه برای به رسمیت شناختن گرایش‌ها و روابط مختلف جنسی و حقوق برابر در زندگی مشترک‌شان

◀ مبارزه با مجرم شناخته شدن زنان تن‌فروش از طرف دولت، ایجاد مشاغل با درآمد مکفی برای آنان، بیمه و درمان مجانی

◀ مقابله با تجارت سکس و سواستفاده‌ی جنسی از کودکان

◀ ممنوعیت ضرب و شتم زنان توسط مردان

◀ مجازات تجاوز جنسی اعم از اینکه متجاوز شوهر زن باشد یا غیر

◀ تصویب قوانین علیه اذیت و آزار خیابانی زنان

◀ تأمین مرخصی زایمان با حقوق، تأمین تسهیلات معین برای زنان باردار شاغل

◀ تأمین شرایط کاری سبک‌تر در دوران یائسگی

◀ ایجاد تسهیلات لازم نظیر مهدکودک و مراکز نگهداری از کودکان پس از ساعات مدرسه

◀ حذف محتوای پدر/مردسالارانه از دروس و منابع آموزشی، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، مطبوعات رسمی؛ مبارزه علیه اشکال مختلف پدر/مردسالارانه در زبان گفتاری و نوشتاری و ...

◀ اختصاص بودجه‌ی مخصوص برای اشاعه‌ی آثار ادبی و هنری زنان و مطبوعات ویژه‌ی زنان که مستقل از ساختار حاکمیت هستند.

◀ لغو هرگونه قوانین ارتجاعی و هر نوع ممنوعیت و تبعیض شوونیستی بر زنان پناهنده و مهاجر در ایران؛ مثلاً تبعیضاتی که در عرصه‌ی اقامت، آموزش و اشتغال علیه زنان افغان اعمال می‌شود.

شعارهای مبارزاتی و مطالبات زنان در خارج از کشور

◀ مبارزه علیه نژادپرستی

◀ مبارزه علیه کلیه‌ی قوانین نابرابری که مهاجرین و پناهندگان، به‌ویژه زنان مهاجر و پناهنده را هدف قرار داده‌اند و رفع هرگونه تبعیض به دلایل طبقاتی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی

◀ دفاع از حق پناهنده‌گی زنان که به دلیل جنسیت‌شان تحت تعقیب و تهاجم قرار دارند.

◀ حمایت سیاسی و اجتماعی از زنانی که در اثر ستم‌های وارده از دست شوهران مستبدشان فرار کرده‌اند.

◀ حمایت از تشکیل خانه‌های امن برای زنان

◀ برابری قانونی میان شهروندان و زنان کشور میزبان با زنان و شهروندان مهاجر و پناهنده؛ به رسمیت نشناختن و عدم اجرای قوانین کشور مبدأ در رابطه با مهاجرین و پناهندگان تحت لوای نسبیت‌گرایی فرهنگی

◀ دفاع از حق زنانی که خواهان استقلال و خلاصی از انواع ازدواج‌های اجباری هستند و دامن زدن به همیاری میان زنان برای حل این قبیل معضلات ... ♦

آیین‌نامه‌ی تشکیلاتی

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)



بخش اول - شرایط عضویت و حقوق اعضا

شرایط عضویت

- ۱- هر زنی از هر ملیتی که خواهان مبارزه علیه پدر/مردسالاری باشد، حامل و مدافع نظرات و عمل‌کردهای رژیم جمهوری اسلامی در ایران و افغانستان نباشد و به‌طور کلی با منشور و آیین‌نامه‌ی سازمان زنان هشت مارس موافق باشد و در جهت عملی کردن آن‌ها کوشش نماید و شخصاً تقاضای عضویت نماید؛ در صورت سه ماه فعالیت مستمر و با معرفی حداقل دو نفر از اعضا می‌تواند به عضویت این تشکیلات درآید.
- ۲- عضویت در سازمان می‌تواند به‌صورت گروهی نیز انجام گیرد، اما تصمیم‌گیری نهایی در مورد عضویت یا ادغام یک گروه یا تشکل در سازمان به عهده مجمع عمومی خواهد بود.
- ۳- هر عضو باید منظم و ماهانه ۱۰ یورو حق عضویت بپردازد. اعضای که مداوماً حق عضویت پرداخت نکرده‌اند، حق رأی در مجمع عمومی نخواهند داشت.
- ۴- هر عضو باید از موجودیت و اطلاعات این تشکیلات در مقابل رژیم جمهوری اسلامی ایران و افغانستان و کلیه نیروهای ارتجاعی اسلامی و غیر اسلامی محافظت نماید و مانع نفوذ عوامل ارتجاعی به درون این تشکیلات گردد.

- ۵- هر عضو باید برای ارتقا آگاهی انقلابی خود و دیگران در مورد موضوع زنان و تبلیغ و ترویج اهداف و دورنمای سازمان زنان هشت مارس کوشا باشد.
- ۶- هر عضو باید در مقابله با ستم‌هایی که بر او و دیگر زنان روا می‌شود ایستاده‌گی کند و با گرایش‌های پدر/مردسالارانه‌ای که در میان زنان رخنه می‌کند و موجب تفرقه شده و به همبستگی میان آنان ضربه می‌زند، مقابله کند.
- ۷- هرگاه عضوی اهداف و برنامه کلی سازمان را زیر پا بگذارد و عملی را انجام دهد که خلاف منشور و آیین‌نامه‌ی این سازمان باشد و علی‌رغم تذکر، اخطار جدی به عمل‌کرد غلط خود ادامه دهد، اخراج خواهد شد. اخراج یک عضو باید با اطلاع و توافق مسئولین سازمان باشد. هر عضو اخراجی می‌تواند خواهان رسیدگی به موضوع اخراج خود در مجمع عمومی سازمان شود.
- ۸- اخراج و یا انصراف هر یک از اعضا با ذکر دلیل آن، باید در اسرع وقت به اطلاع سایر اعضا برسد و عضو اخراجی یا انصراف داده از ارتباطات سازمان خارج شود.
- ۹- اعضای افتخاری، فعالین زن از جمله هنرمندان و غیره هستند که به هر دلیلی نمی‌خواهند عضو سازمان باشند، اما با آن روابط نزدیکی دارند.

حقوق اعضا:

- ۱- هر عضو حق دارد که در حیات سیاسی درونی تشکیلات فعالانه شرکت جوید یا به عبارت دیگر تصمیمات کلی اعم از سیاست‌ها و برنامه‌ها باید منعکس‌کننده‌ی اراده‌ی جمعی باشد. هر عضو حق دارد از کمبودها و نارسایی‌های آن انتقاد نماید و مسئولین و اعضای تشکیلات را در هر سطحی که باشند مورد انتقاد قرار داده و پیشنهادها را خود را کتباً به آنان ارائه دهد و خواهان رسیدگی به آن شود. هیأت مسئولین موظف است پیشنهادها را مورد بررسی و انتقادات را مورد تحقیق قرار داده و به آن‌ها رسیدگی کند. هر انتقادی اگر سه بار تکرار شود و به آن رسیدگی نشود به مجمع عمومی واگذار خواهد شد.
- ۲- عضویت در دیگر تشکلات انقلابی و مردمی برای اعضای این تشکیلات بلامانع است.
- ۳- هر عضوی حق دارد با در نظر گرفتن مهارت‌ها و علایق و درعین حال با در نظر گرفتن نیازهای سازمان وظیفه به عهده گیرد.
- ۴- اعضا حق شرکت و اظهارنظر در همه نشست‌های سازمان را دارند.
- ۵- اعضا حق دارند مصوبه‌های مسئولین را بازخوانی کنند.
- ۶- اعضا حق دارند نظرات و پیشنهادها را خود را با طرح در نشست هیأت مسئولین ارائه دهند و در صورت تمایل تقاضای جلسه عمومی کنند.
- ۷- هر عضو حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجمع عمومی را دارد.
- ۸- عضویت هر عضو که بیش از ۳ ماه ارتباط خود را با سازمان قطع کرده و فعالیتی نداشته باشد، ملغی می‌گردد.

بخش دوم - ارگان‌های تشکیلات**الف - مجمع عمومی**

- ۱- مجمع عمومی بالاترین ارگان تصمیم‌گیری سازمان زنان هشت مارس است که هر دو سال یکبار تشکیل می‌شود.
- ۲- تعیین مشی عمومی آتی بر عهده‌ی مجمع عمومی است.
- ۳- در مجمع عمومی گزارش‌های هیأت مسئولین و واحدها خوانده می‌شود. صورت وضعیت مالی و پیشنهاد برنامه و بودجه‌ی سال آتی در مجمع عمومی تصویب می‌شود.
- ۴- انتخاب هیأت مسئولین برای پیش‌برد وظایف آتی بر عهده‌ی مجمع عمومی است. دوره‌ی مسئولیت آنان دو سال است.
- ۵- تصویب منشور سیاسی یا تغییر و اصلاح آن با سه‌چهارم آرای اعضای حاضر در مجمع عمومی و آیین‌نامه‌ی آن با دوسوم آرای اعضای حاضر در مجمع عمومی امکان‌پذیر است.
- ۶- پیوستن سازمان به دیگر تشکلات با سه‌چهارم آرای اعضا در مجمع عمومی امکان‌پذیر است.
- ۷- برکناری هر یک از اعضای هیأت مسئولین با دوسوم آرای اعضای حاضر در مجمع عمومی عملی می‌شود.
- ۸- زمان، محل و دستور جلسه به‌وسیله‌ی هیأت مسئولین تعیین و حداقل دو ماه پیش از تشکیل مجمع عمومی به اطلاع اعضا رسانده می‌شود.
- ۹- کلیه‌ی اعضا حق شرکت در جلسات مجمع عمومی را دارند؛ در صورت گسترش، مجمع عمومی از نمایندگان واحدهای مختلف تشکیل می‌شود.
- ۱۰- در شرایط ویژه هر عضو می‌تواند تقاضای برگزاری مجمع عمومی پیش از موعد تعیین شده را بدهد؛ اما رسمیت یافتن مجمع عمومی در گرو حضور دوسوم اعضاست.

ب- هیأت مسئولین

- ۱- هیأت مسئولین برای پیاده کردن مشی عمومی تعیین شده توسط مجمع عمومی، باید از اوضاع مشخص تحلیل کند، نقشه بریزد، رهنمود صادر کند و اجرای آن‌ها را دنبال و نیروهای مختلف سازمان را در یک‌جهت حول سیاست صحیح متحد و هماهنگ کند و سپس از نتایج کار و شناخت نیروهای خود و تجارب عمومی تر جنبش زنان جمع‌بندی کند و بر مبنای آن‌ها سیاست و نقشه‌های عملی جدید طراحی کند. پیش‌برد این وظیفه بدون توجه هیأت مسئولین به تجارب افراد و واحدهای گوناگون و فشرده کردن آن تجارب و بازگرداندن تجارب فشرده شده به آن‌ها میسر نیست. از همین رو لازم است روش‌های مناسب و مستمری برای گزارش‌دهی و گزارش‌گیری اتخاذ شود و افراد و واحدهای مختلف نیز در به اجرا گذاشتن تصمیمات و رهنمودهای هیأت مسئولین فعالانه تلاش نمایند؛ فرد به تصمیمات جمع و اقلیت به تصمیمات اکثریت احترام گذارد و به عملی شدن آن‌ها یاری رساند.
- ۲- هیأت مسئولین برای پیش‌برد جمعی امور باید میان خود تقسیم کار نمایند و مسئولیت فردی هر یک از آنان روشن باشد. این تقسیم کار می‌تواند شامل حیطه‌هایی چون مسئول امور سیاسی و انتشاراتی، مسئول امور تشکیلاتی و مالی و مسئول امور بین‌المللی و روابط عمومی و ... باشد. همراه با تکامل و گسترش فعالیت‌های تشکیلاتی می‌توان مسئولین جدید به هیأت مسئولین اضافه نمود؛ یا این‌که برخی افراد می‌توانند هم‌زمان چند مسئولیت را به عهده بگیرند. هر یک از مسئولین می‌تواند با صلاحدید دیگر مسئولین افرادی را از میان اعضا تشکیلات برای تکمیل فعالیت‌های رشته خود به همکاری دعوت نمایند.
- ۳- هیأت مسئولین در برابر مجمع عمومی مسئولیت مشترک دارند.
- ۴- کل وظایفی که هیأت مسئولین با تقسیم کار مناسب میان خود باید انجام دهند از این قرار است: تهیه و انتشار نشریه و سازمان دادن امور مربوط به هیأت تحریریه - نشریه زیر نظر مسئول سیاسی و انتشاراتی با مشورت دیگر اعضای هیأت مسئولین منتشر می‌شود - ارتقا سطح سیاسی و فرهنگی تشکیلات از طریق ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی، تشکیل سمینارهای مختلف؛ صدور اعلامیه‌های سیاسی و فراخوان‌های مبارزاتی مورد نیاز پیش‌برد امور؛ تماس با واحدهای تشکیلاتی مختلف؛ رسیدگی به امور مالی و محافظت از اموال تشکیلات؛ در صورت لزوم انتشار بولتن‌های داخلی تشکیلاتی به‌منظور جمع‌بندی از تجارب و انتقال تجارب واحدهای مختلف به یک‌دیگر؛ سازمان‌دهی آکسیون‌ها، تظاهرات و ... پیش‌برد روابط بین‌المللی و روابط عمومی؛ تماس با تشکلات و سازمان‌های داخلی و خارجی.
- ۵- هیأت مسئولین موظف است حداقل هر شش هفته یکبار تشکیل جلسه دهد.
- ۶- صدور اعلامیه‌های مرکزی مورد نیاز از وظایف مسئول سیاسی و انتشاراتی است. سخن‌گوی سازمان نیز در هر دوره توسط هیأت مسئولین تعیین می‌گردد.
- ۷- در صورت لزوم، هیأت مسئولین اختیار تشکیل کمیسیون‌های موقت در عرصه‌های مختلف را دارند.

بخش سوم - واحدهای شهری و وظایف آنها

واحدهای شهری مرکب از اعضای است که در یک شهر فعالیت می‌کنند. مسئولین هر واحد توسط اعضای آن واحد انتخاب می‌شوند. هر واحد در پروسه‌ی تکامل خود می‌تواند همان تقسیم کاری که در سطح هیأت مسئولین به‌پیش می‌رود را در مورد فعالیت‌های محیط خود الگو قرار دهد و مسئولین آن از طریق مسئول تشکیلات به هیأت مسئولین یا مسئولین واحدهای دیگر وصل شوند. واحد شهری با پیش از یک نفر تعریف می‌شود.

وظایف اصلی واحدهای شهری

- ۱- تبلیغ و ترویج برنامه‌ها و اهداف و دورنمای سازمان
- ۲- کمک به بسیج و سازمان‌دهی زنان و پذیرش اعضای جدید
- ۳- بحث و بررسی جمعی سیاست‌های سازمان زنان هشت مارس و کمک به اجرای تصمیمات هیأت مسئولین و جمع‌بندی از فعالیت‌های خود؛ گزارش‌دهی و گزارش‌گیری
- ۴- بالا بردن سطح آگاهی انقلابی اعضای هر واحد در مورد موضوع زنان
- ۵- پیوند با توده‌های زن و توجه به نظرات آنان
- ۶- پیش‌برد انتقاد و انتقاد از خود به‌منظور حفظ وحدت و همبستگی میان زنان
- ۷- واحدهای شهری می‌توانند در کارهای مختلف با یکدیگر مشترکا عمل کنند. تبصره: واحدهای شهری در این خصوص بهتر است مسئولین را مطلع کنند مگر در مواقع اضطراری
- ۸- برگزاری مراسم روز جهانی زن، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان و ...
- ۹- جمع‌آوری کمک مالی
- ۱۰- واحدهای شهری می‌توانند آکسیون‌ها و فعالیت‌های شهری را در چارچوب منشور سیاسی و مصوبات مجمع عمومی سازمان دهند و در صورت عدم توانایی از طریق مشورت با هیأت مسئولین به پیش‌برد آن مبادرت ورزند.

بخش چهارم - حقوق اقلیت

هرگاه در مورد تصمیمات مهم سیاسی و عملی اختلافی به وجود آید، اقلیت «چه به‌عنوان یک فرد یا جمعی از افراد» می‌تواند نظرات خود را در سطح تشکیلات پخش نماید. در صورت درخواست اقلیت و بنا به اهمیت موضوع مورد اختلاف و تصمیم اکثریت هیأت مسئولین، نظرات اقلیت می‌تواند به روش و اشکال مناسب «در نشریه‌ی مرکزی یا بولتن‌های جداگانه» انتشار علنی یابد و یا بنا بر تقاضای اقلیت در جلسه عمومی طرح شود.

سازمان زنان هشت مارس در عین حال که در مقابل توده‌های زن و افکار عمومی دارای سطح مشخصی از مواضع سیاسی واحد است که از طرف مجمع عمومی و هیأت مسئولین آن اعلام می‌شود، اما باید در چارچوب برنامه‌های سیاسی- تشکیلاتی، میان گرایش‌های مختلف فکری به بحث آزاد و دموکراتیک حول مسائل گوناگون دامن زند و روش‌های مناسبی برای جریان‌یابی مبارزه‌ی سالم و زنده به کار گیرد.

نتایج این بحث‌ها به‌صورت سخنرانی‌ها، رساله‌ها و جزوات به‌وسیله‌ی مسئولین تشکیلاتی در اختیار کلیه‌ی واحدها گذارده می‌شود، بدون این‌که این رساله‌ها و جزوات به‌عنوان مواضع تشکل یا هر یک از واحدهای آن تلقی شود. از همین رو هر واحد یا افرادی از هر واحد در مورد نیازهای سیاسی و آموزشی می‌تواند نتایج فعالیت‌های تحقیقاتی خود را منتشر کند.

در این زمینه بهتر است که:

- ۱- این نوشته‌ها در خدمت ارتقا آگاهی انقلابی زنان در مورد ستم‌های وارده بر آنان و پیش‌برد اهداف سیاسی و مبارزاتی تشکلات زنان باشد.
- ۲- این‌گونه تحقیقات حاصل فعالیت جمعی باشد.
- ۳- در مورد مضمون و انتشار نوشته‌ها در سمینارها رأی‌گیری نشود.
- ۴- هزینه‌ی چاپ و پست این‌گونه نوشته‌ها بر عهده‌ی فرد یا واحد مربوطه باشد.
- ۵- حتی‌الامکان قبل از انتشار، نسخه‌ای در اختیار مسئول سیاسی و انتشاراتی گذارده شود.

بخش پنجم - امور مالی

سازمان زنان هشت مارس در هر شرایطی باید استقلال مالی خود را از کلیه‌ی دولت‌های جهان، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی وابسته به قدرت‌های جهانی و حکومت‌های ارتجاعی حفظ نماید. هر نوع کمک مالی از جانب هر منبعی که برای سازمان زنان هشت مارس شرایطی مغایر با روح و اصول پایه‌ای آن به بار آورد و استقلال سیاسی و تشکیلاتی آن را زیر سوال برد نباید از جانب هیچ‌یک از مسئولین و اعضا پذیرفته شود.

سازمان زنان هشت مارس برای تأمین مالی خود به توده‌های مردم متکی است. این کار می‌تواند از طریق زیر انجام پذیرد:

- ۱- جمع‌آوری حق عضویت
- ۲- درآمد حاصله از فروش نشریات
- ۳- پیش‌برد کارزارهای مالی از طریق فعالیت‌های دست جمعی از قبیل برنامه‌های هنری و ...
- ۴- جمع‌آوری کمک مالی از افراد و تشکلات مترقی در خارج و داخل کشور
- ۵- هر واحد می‌تواند ۳۰ درصد از کمک‌های مالی جمع‌آوری شده «من جمله درآمد حاصل از حق عضویت‌ها» را به فعالیت محلی اختصاص دهد.
- ۶- درآمد حاصله از فروش انتشارات مرکزی باید به‌طور کامل به نهاد مرکزی بازگردانده شود. ♦

تجاوز و قتل «ستایش» تنها يك پرده‌ی دهشتناك از نظام پدر/مردسالارانه و شوونیستی است!

خبر کوتاه بود، به کوتاهی زندگی ستایش!



روز یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۵ «ستایش قریشی» دختر شش ساله‌ی افغان در محله‌ی خیرآباد ورامین توسط جوان ۱۷ ساله‌ی ایرانی ربوده شد، مورد تجاوز قرار گرفت، با ضربات چاقو به قتل رسید و جسدش با اسید سوزانده شد.

در پس این خبر کوتاه اما، آن چنان شقاوت عمیقی نهفته که واکنش‌های گسترده و متضادی را برانگیخته است. به ظاهر یک فاجعه‌ی «استثنایی» به وقوع پیوسته که در یک طرف فرشته‌ای «بی‌گناه» و در دیگر سو «هیولایی شیطان صف» مقابل هم قرار گرفته‌اند و تمام زشتی و پلیدی «دنای بزرگسالان» را در رابطه‌ی دو کودک و در یک پرده‌ی تلخ و تراژیک بازی کرده‌اند. هرچند که این حادثه استثنا نیست، اما اگر این به ظاهر استثنا را درست بفهمیم قاعده را درک خواهیم کرد و فراتر از احساسات عمیقی چون خشم، نفرت، انزجار، درد، غم، ... و حس انتقام در خواهیم یافت راه‌حل پایان دادن به چنین خشونت‌ی سرنگونی رژیم زن‌ستیز و شوونیست جمهوری اسلامی است که زندگی زنان را به تباهی کشانده و زنان و کودکان افغانستان را به شدیدترین شکل ممکن مورد ستم و استثمار قرار داده است.

اگرچه به ظاهر بسیار ناعادلانه و غیرمنطقی می‌رسد که ستایش ظریف و ریزنقش را با اندامی که هنوز نشان کافی از جنس زن بر خود ندارد، زن خطاب کنیم؛ اما او

کودکی بود که مهر و نشان یک زن را بر خود داشت و به معنای واقعی قربانی سیستمی شد که کنترل و تملک بر بدن زن یکی از محورهای اصلی و کلیدی بقا و بازتولید آن است. یعنی به مردان این اجازه و امتیاز را می‌دهد که در هر جا و هر زمان و به هر شکلی از بدن زن به عنوان موضوع جنسی و کالای جنسی استفاده کنند. این ایدئولوژی در بسیاری از کشورهای جهان سوم خصوصاً کشورهای اسلامی حق کنترل و تملک بر زن را قانوناً، رسماً، شرعاً و عرفاً به مرد می‌دهد و اگر مردانی بخواهند این کالای جنسی را به رایگان به دست آورند، تجاوز سهل‌ترین و خشن‌ترین شکل آن است. فاجعه‌ای که روزانه به قدری تکرار می‌شود که «طبیعی» به نظر می‌رسد، به همین دلیل هم تنها موضوع استثنایی، در این حادثه رسانه‌ای شدن آن است. چون در جامعه‌ای که یکی از ارکان اصلی آن سرکوب و تشدید فرودستی و خشونت قانونی، شرعی، عرفی و ... بر زن است، تجاوز و قتل ستایش هرچند عمیقاً دردناک و جانسوز است، اما استثنا نیست. قاتل ستایش هم نه یک «هیولای دخترخوار شیطانی»، نه یک بیمار روانی یا جنسی، نه یک قاتل بالفطری محروم از تربیت و ... بلکه محصولی از همین طرز تفکر است که تمام پلیدی این رابطه‌ی فرادست علیه زنان را آن طور که آموخته و درک کرده به نمایش گذاشته است.

اما در این بین آنان که آگاهانه یا ناآگاهانه راه‌حل را در اعمال اشد مجازات و اعدام این نوجوان می‌بینند، سهل‌ترین و ارتجاعی‌ترین راه‌حل را پیشنهاد می‌دهند، تا گریبان وجدان خود را از فکر کردن به راه‌حل واقعی و قطعی رها کنند. چگونه می‌توان انتظار داشت رژیم جمهوری اسلامی که خود سرمشأ، سازنده و نگهبان این روابط است و با توسل به ارتجاعی‌ترین و زن‌ستیزترین روابط و سیستم سلطه و سرکوب نیمی از جامعه را تحت سلطه‌ی نیم دیگر قرار داده، بتواند با اعمال قانون قرون وسطایی اعدام به این معضل خاتمه دهد. این عقب افتاده‌ترین برخورد و به نوعی همسو شدن با جنایت رژیم است که ریحانه را هم به «جرم» دفاع از خود در برابر خواسته‌های جنسی یک مرد، به دار می‌آویزد.

در این میانه دیگر نه داغ کردن تنور افغان‌ستیزی و یادآوری «جنایات‌شان علیه زنان ایرانی» و نه برخوردهای ناسیونالیستی بر علیه شونیسف فارس می‌تواند این حقیقت را بپوشاند که **زنان قربانیان اصلی مردسالاری و نژادپرستی هستند.** همان‌طور که ستایش هم قربانی مردسالاری و هم قربانی نژادپرستی شد. ستایش قربانی سیستمی است که از یک طرف کنترل مرد بر زن در آن قانونی است و کل نظام و نیروهای سرکوب‌گرش حافظین آن هستند؛ و از طرف دیگر بر پایه‌ی نژادپرستی و برتری‌طلبی بر همه‌ی ملیت‌ها از جمله افغانستانی‌ها بنا شده است. مبلغ و مسبب اصلی فرهنگ مردسالاری و افغان‌ستیزی رژیم جمهوری اسلامی است. فرهنگی که به هر مرد ایرانی اجازه‌ی دست درازی، آزار، تجاوز، تحقیر، توهین و ... به زن و یا کودک افغانستانی یعنی ستم‌دیده‌ترین ستم‌دیدگان را داده است. به همین دلیل هم با وجود این‌که این فرهنگ به درجات زیادی در درون جامعه نفوذ کرده و تأثیرات مخربی هم داشته اما هدف سرکوب مردم توسط مردم نیست، بلکه باید عاملین و مسببین به راه اندازی چنین فرهنگی را از میان برداشت. باید جنبشی به راه انداخت که در صدر برنامه‌ی آن سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در ایران باشد و ستم‌دیدگان فارغ از نژاد، ملیت و جنسیت و ... از همین امروز بر علیه هر چه کهنه و پوسیده است، چه در بین خودشان و چه در صف دشمن بشورند. مسیر چنین راه سختی نه از راه حل‌های سهل و ترمیم‌طلبانه بلکه از یک انقلاب سخت، پیچیده و طولانی علیه هر آن‌چه کهنه و پوسیده است، می‌گذرد که زنان در صف مقدم آن برای رفع ستم جنسیتی و ستم ملیتی و ... استثمار ایستاده‌اند.

سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان)

۲۰ آوریل ۲۰۱۶

«ندا» یی که ما را به يك مبارزه‌ی انقلابی علیه خشونت بر زنان فرا می‌خواند!

هنوز کمتر از یک ماه از تجاوز و قتل «ستایش»^۱ شش ساله نگذشته که این‌بار فریادهای «ندا»^۲ ۹ ساله از کلاس‌های درس قره‌محمد، خبر از حادثه‌ی شوم دیگری می‌دهد. این‌بار سردبیر یک روزنامه‌ی محلی به اصرار خانواده‌ی فقیر و درمانده اما با شهامت «ندا» ماجرای تجاوز و آزار جنسی «معلم» روستا را افشا می‌نماید. در حالی که ترس از آبروباختگی و انگشت‌ها شدن در یک روستای کوچک، نداشتن تمکن مالی و عدم حمایت قانونی، اجتماعی و حقوقی و ... شرایط به غایت سختی را برای خانواده‌ی ندا ایجاد کرده بود اما زمانی که او لب به سخن گشود، آن‌ها بی لحظه‌ای درنگ، پی‌گیرانه پرده از جنایات «معلم» ۳۶ ساله و متأهل روستا برداشتند. کسی که از موقعیت خود به عنوان یک مرد بزرگسال، معلم و مدیر مدرسه‌ی یک روستای محروم و از شرایط سخت شاگردان محروم و بی‌دفاعش حداکثر استفاده را برد. او با جدا کردن دو دانش‌آموز دختر از ۱۱ پسر دیگر ابتدا آن‌ها را با نمایش فیلم‌های پورنوگرافیک شکنجه نمود و سپس مورد آزار و تجاوز جنسی قرار داده است. عاقبت اما ندای کوچک در مقابل این دست‌درازی وقیحانه و تخریب دنیای کودکان‌هاش شورش کرد و لب به سخن گشود. هرچند که شهامت ندا، خانواده‌اش و دیگرانی که در شکستن سکوت یاری رساندند، ستودنی و اولین گام اضطراری در این موقعیت بوده و هست، اما برخورد مراجع قضایی و قانونی یک بار دیگر ثابت کرد که راه‌حل نهایی اتفاقاً شکستن همین ساختارهای قانونی و حقوقی و در نهایت حاکمیت پدر/مردسالار مبتنی بر شرع است. چون هنوز چند روزی از انتشار این خبر نگذشته که مرد متجاوز بعد از دو بار بازداشت، با قرار وثیقه آزاد و در خصوص «تجاوز عنف» برایش قرار منع تعقیب صادر شده؛ چون حتی با وجود آثار آشکار جراحت و خون‌مردگی بر بدن ندا، از نظر قاضی چون «دخول» صورت نگرفته است، تجاوزی در کار نیست. قاضی پرونده در کمال وقاحت مدعی شده که «ندا»^۲ نه ساله خود موجبات تحریک معلم را ایجاد کرده و به همین دلیل جرم متهم نه «تجاوز به عنف» بلکه «رابطه‌ی نامشروع» تلقی می‌گردد. به عبارتی به ادعای او یک دختر بچه‌ی نه ساله با «رضایت» و «داوطلبانه» خواهان رابطه‌ی جنسی با معلمی که ۲۷ سال بزرگ‌تر از اوست شده است؟! معنای تحریک کردن هم این است که اتفاقاً یک شاگرد مدرسه‌ای در این خواسته پیش‌قدم شده و یا به عبارتی خودش به این «معلم از همه جا بی‌خبر» و آن هم سر کلاس درس نخ داده است؟! تا همین جا نشان می‌دهد که این ساختار پدر/مردسالار که در آن کنترل بر بدن زن قانونی، شرعی و عرفی است چگونه با تمام توان از مردسالاری، کودک آزاری آشکار و سرکوب افشار تحتانی و روستایی دفاع می‌کند. در شرایطی که حتی به سختی می‌توان آثار «زن شدن» را بر بدن ندا یافت دستگاه قضایی رژیم جمهوری اسلامی بی هیچ تردیدی این کودک را که مهر «زن شدن» بر بدن دارد، به سخت‌ترین و شدیدترین بی‌عدالتی و ستم در حق زنان محکوم می‌نماید؛ همان‌طور که «ریحانه»^۳ را به خاطر جسارت و شجاعتش در دفاع از خود در برابر متجاوز به «جرم» واهی قتل عمد مردی که آشکارا اقدام به تجاوز کرده بود، با ستاندن جان‌ش تنبیه کرد؛ این بار می‌خواهد ندا (و خانواده‌اش) را به خاطر شهامت و جسارتش در افشای این جنایت آشکار تنبیه نماید. در شرایطی که آن مرد متجاوز برای دقایقی ارضای جنسی یک بار برای همیشه کودکی ندا را تباه کرده است، این بار قانون بر این تباهی با «زن» نامیدن ندا و داشتن «کمال عقل» صحه می‌گذارد؛ قانون چنان بی‌شرمانه حقیقت را انکار می‌کند که گویا شکی وجود دارد که یک کودک نه ساله خواستار خشونت و شکنجه‌ی جسمی و روانی، تجاوز و آزار جنسی نیست و باید دلیلی محکمه پسند برای رد این پیش‌فرض مردسالارانه یافت، یک بار دیگر دستگاه قضایی با «مغرض»، «محرک» و «مجرم» دانستن ندا، در کمال وقاحت کودکی شکنجه شده، آسیب دیده و درهم شکسته را در جایگاه «مجرم» و مردی بالغ که کاملاً حساب شده و نقشه‌مند به اهدافش دست یافته را در جایگاه «قربانی» تصویر می‌کند، تا باز هم ثابت کند در نظر دستگاه «عدالت اسلامی» زن یعنی مقصر و گناهکار ذاتی. دستگاه قضایی با همین پیش‌فرض یک بار دیگر اراده، اعتماد به نفس و شعور این دختر را طوری تخریب و تحقیر می‌نماید تا خود را «زنی» بپندارد که مثل اکثر زنان حتی به «بی‌گناهی» خود نیز شک دارد. دستگاه قضایی پدر/مردسالار از دادن هیچ امتیازی به این مرد و به نفع حفظ این رابطه‌ی قدرت دریغ نکرده و نمی‌کند، تا جایی که قربانی به جای مجرم تنبیه می‌شود، این ندا و خواهرانش و بقیه دختران روستا هستند که دیگر تمایل یا امکان رفتن به مدرسه را ندارند، این اعضای خانواده‌ی ندا هستند که در ازای افشای این جنایت باید «بی‌آبرویی» و «شرم»، انزوا، تهدید و تحقیر، مهاجرت و بی‌کاری بیشتر و فقر و ... را تحمل نمایند و حتی این مدیر مسئول آن روزنامه‌ی محلی است که در این میان از شکایت مرد متجاوز علیه روزنامه بی‌نصیب نمی‌ماند.

مرور جای جای این حادثه‌ی تلخ نشان می‌دهد که چگونه سیستم پدر/مردسالار حاکم، بدن زن را - حتی اگر بدن کودکی نابالغ باشد - کالایی جنسی می‌داند که حق مالکیت و کنترل آن به مردان واگذار شده است؛ و چطور دستگاه قضایی و حقوقی جمهوری اسلامی که خود منشأ تولید و بازتولید این نابرابری است با تمام توان از این نابرابری دفاع می‌نماید، حتی با سرکوب و تنبیه «قربانی» و خصوصاً با سرکوب زنان و دخترانی که جسارت می‌کنند و این ساختار واپس‌گرای حاکم را به چالش می‌کشند. تکرار دایمی حوادثی از این دست هرچند به نظر «عادی» و «طبیعی» می‌رسد اما به معنای واقعی کلمه غیرطبیعی هستند؛ این که ما در جامعه‌ای زندگی کنیم که کودکان به خاطر این‌که مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند و آزارگر را افشا می‌کنند، تنبیه شوند، این که زنان پیشاپیش مجرم تلقی شوند مگر این‌که عکس آن ثابت شود، این‌که زنان از هر سن، نژاد، زبان، مذهب، طبقه و گرایش جنسی و ... مایملک مرد محسوب گردند، این‌که بدن و اراده و تمایل زن تابع اراده و تمایل مرد قلمداد شود و در صورت هر نوع تخطی از آن مستوجب انواع و اقسام خشونت و تنبیه تا سرحد مرگ باشد و ... نه تنها «طبیعی» و «عادی» نیست بلکه به غایت غیرطبیعی است. طبیعی کاری است که ندا و خانواده‌اش آغاز کردند. این‌که هر جا ستمی واقع می‌شود، سکوت نکنیم حتی اگر به بهای ترک دیار و داشته‌هایمان تمام شود، این‌که از تمام امکانات و توان‌مان بدون هیچ ترس و واهمه‌ای از فرض‌ها و پیش‌فرض‌های جامعه، استفاده کنیم تا ستم‌گر را افشا و محکوم کنیم، این که تا حدی بر حقانیت خواسته‌هایمان پافشاری کنیم که احقاق حق‌مان وسیله‌ای برای افشای عمیق‌تر این سیستم ضدزن سلطه و سرکوب باشد. سیستمی که نه تنها کلیه‌ی زنان بلکه روزانه هزاران هزار ستایش و ندا قربانی مستقیم و غیرمستقیم آن می‌شوند و حتی شانس و امکانی هم برای رسانه‌ای شدن نمی‌یابند تا بیش از پیش روشن شود که دستگاه قضایی نظام جمهوری اسلامی صرفاً ابزاری برای بقای رژیم جمهوری اسلامی است که مالکیت مرد بر زن یکی از ارکان اصلی آن است. هرچند این مقاومت سخت فقط مقدمه‌ای است برای ایجاد و پیشروی یک مبارزه‌ی متحد، آگاهانه و قدرتمند و انقلابی در جنبش زنان که می‌تواند کلیت یک سیستم پدر/مردسالار را به چالش کشیده و سرنگون نماید تا دیگر بدن هیچ زن و هیچ کودکی جولانگاه اراده و غرایز مردان نباشد.

۱- ستایش قربشی: دختر شش ساله‌ی افغان روز یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۵ در محله‌ی خیرآباد ورامین توسط جوان ۱۷ ساله‌ی ایرانی ربوده شد، مورد تجاوز قرار گرفت، با ضربات چاقو به قتل رسید و جسدش با اسید سوزانده شد.

۲- ریحانه جباری: دختر جوانی که در سال ۱۳۸۶ و در سن ۱۹ سالگی به جرم قتل مرتضی سربندی ۴۷ ساله، بازداشت و محاکمه و در تاریخ ۳ آبان ۱۳۹۳ به جرم «قتل عمد» اعدام شد، در حالی که او اتهام قتل غیرعمد را پذیرفته و دلیل آن را موکداً دفاع از خود در برابر تجاوز جنسی اعلام کرده بود.

سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان)

۱۲ مه ۲۰۱۶

HASHTE MARS

Quarterly journal No. 38/ July 2016



Adress:

ZAN

Postfach 850422

Koln 51029

Germany

E-mail:

zan_dem_iran@hotmail.com

www.8mars.com

facebook.com/8MarsOrg

Price: €4- £4